

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده معماری و شهرسازی

گروه معماری

عنوان پایان نامه ارشد :

طراحی واحد همسایگی با تاکید بر مسئله ی حریم و حیات اجتماعی در بافت

قدیم شهرستان شاهرود

دانشجو : سیده منیره کریمی

استاد راهنما :

آقای دکتر مسعود طاهری شهرآئینی

استاد مشاور

آقای مهندس فرشاد دشتی

پایان نامه ارشد جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

بهمن ۱۳۹۳

ب

تقدیم به وجود پاک پدرم که عالمانه به من آموخت
که چگونه در عرصه ی زندگی، ایستادگی نمایم و
مادرم، دریای عشق که وجودم برایش همه رنج بود و
وجودش برایم همه مهر و همسر، امید بودم که نشانه
لطف الهی در زندگی من است.

تشکر و قدردانی

«الهی، خلق تو شکر نعمت های تو کنند، من شکر بودن تو، نعمت بودن تو ست.»

عارف نامی، شیخ ابوالحسن خرقانی

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را در انجام این پایان نامه رفیق راهم ساخت . در اینجا لازم میدانم از استاد راهنمایم جناب آقای دکتر مسعود طاهری شهرآئینی و استاد مشاورم جناب آقای مهندس فرشاد دشتی که همواره من را در طول این پروژه مورد لطف و راهنمایی خود قرار دادند و مدیر گروه محترم دانشکده معماری و شهرسازی جناب آقای دکتر سعید خاقانیکمال سپاس و قدردانی را داشته باشم.

تعهد نامه

اینجانب سیده منیره کریمی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته معماری - معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شاهرود نویسنده پایان نامه طراحی واحد همسایگی با تاکید بر مسئله ی حریم و حیات اجتماعی در بافت قدیم شهرستان شاهرود

تحت راهنمایی جناب آقای دکتر مسعود طاهری شهرآئینی متعهد می شوم.

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه صنعتی شاهرود می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه صنعتی شاهرود » و یا « Shahrood University of Technology » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت می گردد.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه ، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است اصل رازداری ، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است .

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزار ها و تجهیزات ساخته شده است) متعلق به دانشگاه صنعتی شاهرود می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

چکیده

انسان موجودی فطرتاً اجتماعی است و نیاز به تعامل با افراد مختلفو حضور در اجتماع دارد. محله‌ها و فضاهای عمومی شهر بازتابی به این رویکردمی‌باشند. امروزه بعد اجتماعی - اشتراکی انسان به فراموشی سپرده شده است و فضاهای به منظور پاسخگویی به آن وجود ندارد و فردگرایی بر جامعه حاکم شده است. به همین منظور امروزه طراحی فضایی که بتواند روابط اجتماعی را تقویت کند و موجب ارتباط بیشتر افراد شود حائز اهمیت است. شاید بتوان با مطالعه بافت‌های قدیم به الگوی مناسبی جهت طراحی فضاهای جمعی رسید. در گذشته محلات، مکانی برای ارتباط بیشتر افراد بوده است به نحوی که افراد ساعات زیادی را بیرون از خانه و با همسایگان برای انجام کارهای روزانه سپری می‌کردند اما با گذشت زمان این روابط کمرنگ شده است. در حال حاضر می‌توان واحد همسایگی را به عنوان عنصری جهت تقویت ارتباطات جمعی معرفی کرد، واحد همسایگی مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی و محیط پیرامون آن است که دارای هویت جمعی و محله‌ای می‌باشد که به عنوان فضایی برای ارتباط بیشتر مردم و عرصه‌ای نیمه خصوصی به شمار می‌رود که همانند مفصلی بین عرصه عمومی شهر و عرصه خصوصی خانهایفای نقش می‌کند. در این پژوهش با مطالعه و الگوگیری از بافت قدیم شهرستان شاهرود به طراحی واحد همسایگی پرداخته شده تا با احیای ارزش‌های اجتماعی گذشته و اجرای طرح تجمیع در سایتی که در مجاورت بافت قدیم این شهرستان واقع شده است، ضمن رعایت حریم خصوصی افراد و توجه به محرمیت فضاها و تاکید بر حیات اجتماعی، مکانی امن و پویا خلق کرده که ساکنین واحدها در تمامی سنین به کارهای روزمره و مراودات محلی در آن پرداخته‌اند و موجب افزایش حس همبستگی اجتماعی و رشد و پویایی جمعی آنها شده است.

واژگان کلیدی: زندگی اجتماعی، محله مسکونی، واحد همسایگی، فضای عمومی.

عنوان مقالات مستخرج از پایان نامه

۱- «واحد همسایگی، بستری به منظور تقویت تعاملات اجتماعی» در اولین کنفرانس

شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.

۲- «بررسی خانه‌های سنتی متناسب با معماری پایدار(نمونه موردی: خانه‌ی عطاردی‌ها واقع در

شهرستان شاهرود)» در اولین کنفرانس شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.

فهرست

فصل اول - مقدمه

مقدمه	۲
بیان مسئله	۲
اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۳
سابقه ی تحقیق	۴
اهداف تحقیق	۴
روش تحقیق	۵

فصل دوم - معیارهای زندگی شهری

۱-۲ مقدمه	۸
۲-۲ نیازهای انسان در فضاهای شهری	۸
۱-۲-۲ سلسله مراتب نیازها	۹
۱-۱-۲-۲ نیازهای شناختی: نیازهای دانستن و فهمیدن	۱۱
۲-۱-۲-۲ نیازهای اجتماعی	۱۱
۳-۱-۲-۲ نیازهای خانواده و پاسخگویی محیط مسکونی	۱۲
۲-۲-۲ نیاز به ایمنی	۱۳
۳-۲-۲ نیاز به حرمت	۱۳
۴-۲-۲ نیاز به تعلق	۱۴
۵-۲-۲ نیاز به خودشکوفایی	۱۴

- ۱۴ ۶-۲-۲ نیاز به درک
- ۱۵ ۷-۲-۲ نیازهای زیبایی شناختی
- ۱۵ ۸-۲-۲ نیاز به خلوت
- ۱۵ ۳-۲-۲ امنیت
- ۱۶ ۴-۲-۲ حریم خانه
- ۱۷ ۵-۲-۲ عوامل شکل دهنده حس تعلق
- ۱۷ ۱-۵-۲ عوامل ادراکی - شناختی فردی
- ۱۷ ۲-۵-۲ عوامل اجتماعی
- ۱۷ ۳-۵-۲ عوامل محیطی کالبدی
- ۱۸ ۶-۲-۲ رفاه اجتماعی
- ۱۸ ۷-۲-۲ تعامل اجتماعی
- ۱۹ ۱-۷-۲ محیط و تعامل اجتماعی
- ۲۰ ۲-۷-۲ کنترل قلمرو و تعامل اجتماعی
- ۲۱ ۳-۷-۲ مرکزگرایی (تسلط بر محیط) و زمینه های تعامل اجتماعی
- ۲۲ ۴-۷-۲ فضای با سیمای نیمه ثابت و تعامل اجتماعی
- ۲۲ ۵-۷-۲ جهت گیری (ابزار شناخت محیط) و زمینه های تعامل اجتماعی
- ۲۳ ۶-۷-۲ مجاورت کارکردی و الگوهای تعامل اجتماعی
- ۲۴ ۸-۲-۲ کیفیت زندگی
- ۲۵ ۹-۲-۲ نتیجه گیری

فصل سوم- زمینه های زندگی شهری

- مقدمه ۲۷
- ۱-۳ شهر ۲۸
- ۱-۱-۳ عرصه های زندگی شهر ۲۸
- ۲-۱-۳ عرصه عمومی ۳۰
- ۳-۱-۳ شهرنشینی ۳۱
- ۴-۱-۳ شهروند ۳۲
- ۵-۱-۳ بازآفرینی شهری ۳۲
- ۶-۱-۳ تاریخ طرح شهرها ۳۳
- ۷-۱-۳ مفهوم فضای شهری ۳۴
- ۸-۱-۳ انواع فضاهای شهری ۳۵
- ۱-۸-۱-۳ ورودیها ۳۵
- ۲-۸-۱-۳ میدانها و فلکه ها ۳۵
- ۳-۸-۱-۳ مسیرها ۳۶
- ۴-۸-۱-۳ لبه آب ۳۶
- ۵-۸-۱-۳ پله ۳۶
- ۹-۱-۳ سیمای عمومی شهر ۳۶
- ۱۰-۱-۳ فعالیت های مرتبط با فضای شهری و تقسیم بندی آن ۳۸
- ۱-۱۰-۱-۳ دسته بندی فعالیت ها در فضای شهری ۳۸

- ۴۰ پویایی شهر ۱۱-۱-۳
- ۴۱ فضای شهری در میان صلابت و روانی ۱۲-۱-۳
- ۴۲ فضاهای شهری و زندگی اجتماعی ۱۳-۱-۳
- ۴۳ آبادی ۱۴-۱-۳
- ۴۳ محله ۱۵-۱-۳
- ۴۵ فضای جمعی در محله ۱-۱۵-۱-۳
- ۴۵ طرح واحدهای خودیار ۱۶-۱-۳
- ۴۶ واحد همسایگی ۲-۳-۳
- ۴۶ مفهوم واحد همسایگی ۱-۲-۳
- ۴۷ تاریخچه واحد همسایگی ۲-۲-۳
- ۵۱ به جستجوی هویت در همسایگی ۳-۲-۳
- ۵۳ انواع بافتهای قدیمی در ایران ۴-۲-۳
- ۵۴ مفهوم محله در بافت سنتی ایران و روند شکل گیری آن ۵-۲-۳
- ۵۶ بررسی نقش و جایگاه واحد همسایگی ۶-۲-۳
- ۵۶ مکانی جهت سکونت و ارائه خدمات و نیازهای اولیه ساکنین ۱-۶-۲-۳
- ۵۶ واحد بنیادین در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر ۲-۶-۲-۳
- ۵۷ ارتقادهنده تعاملات اجتماعی و ایجادکننده حس جامعه محلی ۳-۶-۲-۳
- ۵۷ زمینه ساز مدیریت شهری و مشارکت اجتماعی ۴-۶-۲-۳
- ۵۷ ایجادکننده هویت و معنی ۵-۶-۲-۳

۵۷..... ۳-۲-۶-۶ امکانی برای پایدار نمودن توسعه شهری

۵۸..... ۳-۳ خانه

۵۹..... ۳-۳-۱ سیماشناسی خانه

۶۰..... ۳-۳-۲ موضع شناسی خانه

۶۰..... ۳-۳-۳ خانه در حال حاضر

۶۱..... ۳-۳-۴ ساختار خانواده

۶۲..... ۳-۴ نتیجه گیری

فصل چهارم - مطالعات زمینه

۶۶..... ۴-۱ موقعیت جغرافیایی شاهرود

۶۶..... ۴-۲ اقلیم شاهرود

۶۷..... ۴-۳ فرم بنا

۶۸..... ۴-۳-۱ الگوی استقرار بنا در محلات

۶۸..... ۴-۴ ویژگی های معماری بومی

فصل پنجم - مطالعات تطبیقی

۷۲..... ۵-۱ طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد

۷۴..... ۵-۱-۱ طراحی، نوسازی و بهسازی مسکن

۷۷..... ۵-۲ مجتمع مسکونی باغ ونک

۸۰..... ۵-۳ دهکده مرکزی

فصل ششم - مطالعات تکمیلی

- ۱-۶ مبانی نظری طرح ۸۶
- ۲-۶ استانداردها ۹۵
- ۳-۶ تحلیل سایت ۹۷
- ۱-۳-۶ وضع موجود ۹۹
- ۲-۳-۶ مشکلات فرسودگی کالبدی و کارکردی بافت قدیم شهر شاهرود ۱۰۰
- ۳-۳-۶ نحوه دسترسی ها ۱۰۱
- ۴-۳-۶ بررسی اقلیم در سایت مورد بررسی ۱۰۲
- ۵-۳-۶ همجواری های سایت ۱۰۳
- پیوست ۱۰۵
- منابع فارسی ۱۱۲
- منابع لاتین ۱۱۵
- سایت های اینترنتی ۱۱۵

فهرست اشکال

- شکل ۱-۲ شمایی از فضای جمعی شهری ۲۰
- شکل ۲-۲ تعامل در میان همسایه‌های خانه‌های ویلایی و آپارتمان‌ها ۲۱
- شکل ۳-۲ درونگرایی و تمرکز اشکال مربع و دایره ۲۱
- شکل ۴-۲ نمونه مبلمان در فضای اجتماع‌گریز و فضای اجتماع‌پذیر ۲۲
- شکل ۵-۲ جهات مکعب مربع ۲۳
- شکل ۶-۲ پراکندگی مناسب و نامناسب از لحاظ سنی در فضای عمومی شهر ۲۴
- شکل ۱-۳ الگوی واحد همسایگی کلارنس پری ۴۹
- شکل ۲-۳ طرح رادبرن ۵۱
- شکل ۱-۴ نقشه استان سمنان ۶۶
- شکل ۲-۴ الگوهای استقرار بنا در شاهرود ۶۸
- شکل ۱-۵ منطقه مورد مطالعه در مجموعه شهر ۷۱
- شکل ۲-۵ منطقه مورد مطالعه ۷۱
- شکل ۳-۵ نقشه پیشنهادی طرح دسترسی‌ها، فضاها و استقرار عناصر عمده شهری در منطقه مورد مطالعه ۷۲
- شکل ۴-۵ نقشه وضع موجود و پیشنهادی منطقه از لحاظ دسترسی ۷۲
- شکل ۵-۵ ترکیب کلی خانه ۷۴
- شکل ۶-۵ نمای درونی خانه ۷۴
- شکل ۷-۵ ورودی خانه ۷۵

- شکل ۵-۸ نمای بیرونی خانه ۷۵
- شکل ۵-۹ مشخصات کلی خانه‌ها (تیپ الف - ب - ج) ۷۵
- شکل ۵-۱۰ مجتمع مسکونی باغ ونک ۷۶
- شکل ۶-۱ عرصه‌های زندگی ۸۷
- شکل ۶-۲ الگوی قرار گیری خانه‌ها در جوار واحد همسایگی ۸۸
- شکل ۶-۳ اجزای واحد همسایگی ۸۸
- شکل ۶-۴ سایت پلان طرح ۸۷
- شکل ۶-۵ وضع موجود سایت انتخابی ۹۳
- شکل ۶-۶ موقعیت سایت در شهرستان شاهرود ۹۷
- شکل ۶-۷ جانمایی موقعیت سایت نسبت به شهرستان شاهرود ۹۷
- شکل ۶-۸ عکس هوایی شاهرود در سال ۱۳۳۵ ۹۸
- شکل ۶-۹ ابعاد و اندازه های سایت واحد همسایگی در بافت مورد بررسی ۹۸
- شکل ۶-۱۰ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۹۹
- شکل ۶-۱۱ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۹۹
- شکل ۶-۱۲ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۹۹
- شکل ۶-۱۳ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۱۰۰
- شکل ۶-۱۴ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۱۰۰
- شکل ۶-۱۵ وضع موجود سایت مورد مطالعه ۱۰۰
- شکل ۶-۱۶ دسترسی سواره ۱۰۱

- شکل ۶-۱۷ شمای کلی معبر ۶ متری ۱۰۲
- شکل ۶-۱۸ دسترسی پیاده ۱۰۲
- شکل ۶-۱۹ بررسی اقلیم در سایت مورد بررسی ۱۰۳
- شکل ۶-۲۰ فضاهای همجوار سایت و جانمایی ۱۰۴

فهرست جداول و نمودارها

- نمودار ۲-۱ سلسله مراتب نیازهای مازلو ۱۰
- نمودار ۳-۱ دسته بندی فعالیتها در فضای شهری ۴۰
- جدول ۳-۲ اهداف اجتماعی در طراحی فضای شهری ۴۲
- جدول ۶-۱ عوامل انتخاب بافت قدیم خیابان مصلی شاهرود ۹۰
- جدول ۶-۲ رهنمودهای طراحی به منظور افزایش حیات اجتماعی ۹۲

فصل اول - مقدمه

مقدمه

انسان نیاز به برقراری ارتباط با افراد مختلف دارد، با گذر زمان و ماشینی شدن زندگی در جوامع، روابط میان مردم کمرنگ‌تر شده و پاسخی به نیازهای اجتماعی افراد وجود ندارد و به دلیل عدم پاسخگویی، مشکلات دیگری ناشی از آن پدید می‌آید به همین منظور ایجاد فضایی برای برقراری تعاملات اجتماعی ضروری می‌باشد که می‌توان از واحد همسایگی به عنوان عنصری که ما بین فضای عمومی شهر و فضای خصوصی خانه ارتباط برقرار کرده و خود مکانی نیمه عمومی محسوب می‌شود، یاد کرد. هر انسانی برای زندگی یکسری نیازهایی دارد که به منظور پاسخگویی به آن‌ها فضایی در جامعه وجود دارد، واحد همسایگی نیز به عنوان مکانی برای پاسخ به نیازهای افراد ایجاد شده است. خانه به عنوان عنصر اصلی تشکیل‌دهنده هر واحد همسایگی به شمار می‌رود. اما واحد همسایگی صرفاً با گشودگی جلوی درب خانه‌ها ایجاد نمی‌شود بلکه علاوه بر گشودگی باید بستر روابط اجتماعی برای افراد مهیا شود، چرا که این روابط می‌توانند معنی‌بخش فضای همسایگی باشند و روح و روان شهر را شکل دهند و این معیارهای کیفی از معیارهای کمی تأثیرگذارترند. در این پژوهش سعی بر آنست که با الگوگیری از بافت قدیم شهرستان شاهرود به احیای ارزش‌های گذشته از طریق ایجاد فضاهایی همانند واحد همسایگی بپردازیم که مردم در آن به تعاملات اجتماعی پرداخته و به حیات اجتماعی شهر کمک کنند.

بیان مسئله

اجتماع محلی فرایندی مکان محور است و این کالبد و فضا است که افراد را دور هم جمع می‌کند و برای انجام فعالیت‌های مشترک بستر را فراهم می‌کند، افراد در محلات هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی پیدا می‌کنند. امروزه در بستر جامعه شهری ارزش‌های شاخص اجتماعی از جمله حس تعلق به مکان و هویت و احساس امنیت که در حوزه روابط اجتماعی و مراودات در محلات قدیم بوده است، جایی ندارد بر همین اساس رویکردهای جدید در طراحی و برنامه ریزی شهر، حل مشکلات شهری را

بازگشت به مفهوم محله به عنوان سلول‌های حیات شهری معرفی می‌نمایند. اجتماعی بودن در فطرت هر انسانی است و انسان نیاز به زندگی در اجتماع دارد، در گذشته احساس تعلق افراد به محیط زندگی نسبت به امروز به دلیل فضاهایی همچون پاتوق‌های محلی و گذرهای خاص بیشتر بوده است اما با گسترش جوامع این حس در میان افراد کمرنگ شده است، در صورتیکه انسان در محل زندگی خود آرامش داشته باشد جامعه رو به پیشرفت می‌رود از این رو ایجاد فضایی که به حیات اجتماعی شهر کمک کند و شهروندان در آن احساس آسایش و امنیت کنند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واحد همسایگی به عنوان یک عنصر شهری ایفا کننده این نقش می‌باشد، واحد همسایگی به منزله خانه‌های مسکونی با محیط پیرامونی آن است که در کنار هم یک کل به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و دارای یک هویت جمعی و محله‌ای است، این هویت جمعی در واحد همسایگی باعث ایجاد رشد و پویایی جمعی، افزایش ارتباطات و احساس همبستگی اجتماعی می‌شود، و تنها گشودگی جلوی درب خانه‌ها به منزله واحد همسایگی نیست بلکه تعاملات افراد به آن معنی می‌بخشد. فضای جمعی افراد مهمترین عنصری است که در واحد همسایگی باید به آن توجه کرد بعد از آن ارتباط فضای جمعی با کوچه و سپس شریان‌های اصلی از درجه‌های پایین‌تر برخوردارند.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

شهرستان شاهرود واقع در شرق استان سمنان است و شهرسازی آن همانند سایر شهرهای ایران بر اساس ساختار خیابان‌ها شکل گرفته است و محله‌های شهری و به ویژه خدمات عمومی در مقیاس محلی، به استقرار در امتداد محورها یا خیابان‌ها گرایش دارند، در الگویی شهرسازی این شهر فضایی برای ارتباط جمعی و تعاملات اجتماعی افراد در نظر گرفته نشده است به طوری که عرصه خصوصی خانه مستقیم با عرصه عمومی در ارتباط است و مفصل جداکننده‌ای بین این دو عرصه وجود ندارد و خلا آن در زندگی شهروندان احساس می‌شود بر همین اساس ایجاد فضای همسایگی ما بین این دو عرصه ضروری می‌باشد و تاکنون به واحد همسایگی به منزله مکان مراودات اجتماعی در شاهرود نگاه نشده است.

سابقه‌ی تحقیق

تئوری «واحد همسایگی» برای اولین بار توسط «کلارنس پری» مطرح شد. او ابتدا در سال ۱۹۲۶ میلادی طرح مقدماتی «واحدهای خودیار» یا «واحد همسایگی» را منتشر کرد و سپس در سال ۱۹۲۹ گزارش جامع این طرح را در کمیته طرح منطقه‌ای نیویورک و حومه منتشر کرد.

اولین بار ایده واحد همسایگی در سال ۱۹۳۰ در طراحی نواحی مسکونی شهرهای انگلستان بکار بسته شد و مفهوم واحد همسایگی با طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۷ شمسی بطور رسمی وارد زبان شهرسازی ایران شد. به طور کلی در سراسر دنیا طراحی هر شهر جدید به صورت مسئله مطرح شده است، اجتماع گرایان با گسترش مدرنیسم بر این اعتقاد بودند که مردم ضمن حضور در جامعه صنعتی شده نیاز به تعامل با یکدیگر را دارند، به طور مثال در گذشته در ایران با گسترش شهرنشینی شهرک‌هایی مانند نارمک و نازی‌آباد به وجود آمد که الگوهای خوبی در این زمینه بودند و پس آن شهری نظیر فولاد شهر اصفهان بوجود آمده که واحد همسایگی در آن تا رسیدن به الگوی مطلوب فاصله دارد واحد همسایگی به طور مکرر در پایان‌نامه‌ها، همایش‌ها و...مورد بررسی قرار گرفته است اما هنوز نیاز به بررسی بیشتر و جامع‌تر دارد و در شهرستان شاهرود این موضوع چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی بافت قدیم شهرستان شاهرود و الگوهای پر و خالی آن به منظور ایجاد الگویی جدید برای این شهر است که پاسخگوی نیاز به امنیت و ارتباطات اجتماعی افراد باشد و به حیات اجتماعی شهر کمک کند، ممکن است نتیجه این پژوهش ارائه چند گزینه طراحی برای سال‌های آینده در شهرستان شاهرود باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد، قسمت کتابخانه‌ای شامل مطالعه کتاب‌هایی در زمینه طراحی شهری، حریم خصوصی، رفاه اجتماعی و ... می‌باشد و قسمت میدانی آن شامل مشاهده عینی وضعیت خانه‌ها و ساکنین بافت قدیم مجاور سایت انتخابی می‌باشد و نتایج آن پس از جمع بندی به صورت دفترچه مطالعاتی و طراحی خواهد بود.

فصل دوم - معیارهای

زندگی شهری

۲-۱ مقدمه

فردیت و زیستن به صورت انفرادی در زندگی انسان که موجودی اجتماعی است، جایگاهی ندارد. رضایتمندی افراد با حضور در اجتماع و برآورده شدن نیازهای آنان ایجاد شده و باعث ارتقا سلامت روح و روان افراد می‌شود. به همین منظور آشنایی با نیازهای انسان و پاسخ‌های آن حائز اهمیت می‌باشد

۲-۲ نیازهای انسان در فضاهای شهری

«اگرچه همه مردم جهان به طورذاتی نیازهای جسمی یکسانی دارند (نیاز به هوا، آب، غذا و سرپناه) هر فرد تمایلات و آرزوهای شخصی جداگانه ای دارد. همچنین درمیان جوامع، گروه‌های محلی مختلف و اجتماعات گوناگون، ارزش‌ها و رویکردهای کاملاً متفاوتی وجود دارد. این تفاوت‌ها گاهی اوقات در موقعیت‌های محلی و ملی و حتی در گروه‌های کاملاً همگن به شکل تنوع شدید نیازها و تمایلات شخصی به چشم می‌خورد. محیط انسان ساخت نقش مهمی در توانا ساختن افراد برای تامین نیازهای فیزیکی شان بازی می‌کند. اما می‌تواند موانعی را نیز پدید آورد» [چپ من، ۱۳۸۴: ۱۲۲]

«اگر درکی که مردم از محیط دارند، با ادراک مورد انتظار طراحان یکی نباشد، مردم از سوی طراحان، به اتهام سطح پایین سواد یا نداشتن شناخت استفاده از محیط سرزنش می‌شوند. با توجه به این که یکی از وظایف طراحان حرفه‌ای، آموزش مردم است، ناموفق بودن محیط ساخته شده در برآوردن نیازهای مردم را نمی‌توان به حساب کمبود دانش استفاده کنندگان گذاشت.» [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۹]

توجه به تعامل میان انسان و محیط یکی از دغدغه‌های همیشگی لنگ بوده که نمود آن را می‌توان در همه فعالیت‌های او در حوزه‌های طراحی محیط انسان ساخت (و بعدها طراحی شهری) به چشم دید [پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۲۷] لنگ بر این باور است که برای ساختن محیطی که نیازهای انسان را برآورده سازد، نخست باید ماهیت مسائل طراحی را شناخت. مدلی که او برای نیازهای انسانی در نظر می‌گیرد مدل آبراهام مازلو است که لنگ آن را جامع‌ترین مدل از سلسله مراتب نیازهای انسان می‌خواند. به

باور او محیط ساخته شده اگر به گونه‌ای درخور شکل بگیرد، می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای انسان

مانند بقا، امنیت، تعلق، عزت، یادگیری و زیباشناسی را برآورده سازد. [لنگ، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۳]

از دید لنگ طرح در عین پاسخ به نیازهای سرمایه گذار، باید به نیاز بهره برداران پاسخ دهند و در هنگامی که میان این‌ها اختلاف باشد، طراح متعهد است که از بهره بردار هواداری کند. باید با توجه به بنیادی‌ترین نیازها، بر اساس مراتب مدل مازلو، مشکلات گروه‌های بهره‌بردار به ترتیب اهمیت از میان رود سپس با در نظر گرفتن اولویت باید به نیازهای گروه‌های بجا مانده پرداخت. در این روند، اولویت با مهمترین بهره برداران است. طراحان باید نیازهای افرادی را که در این فرآیند دیده نمی‌شوند- بچه‌ها، معلولین، افرادی که از دید اجتماعی و سیاسی ناتوان‌ترند- در نظر بگیرند. [لنگ، ۱۳۸۳: ۲۷۳-

۲۷۱]

لنگ همچنین به پیوند میان الگوهای طراحی و تعبیر ساختار خانواده و روابط متقابل مردم اشاره می‌کند. برای نمونه، محیط‌های مسکونی طراحی شده ممکن است به علت تغییرماهیت خانواده و نقش وابستگان آن در گذر زمان، دیگر پاسخگوی نیازهای خانواده و الگوهای رفتاری مردم نباشد. او در این باره، تدوین سامانه‌های رفتاری و همچنین تدوین الگوهای طراحانه در خور با آن‌ها را بسیار مهم می‌داند.

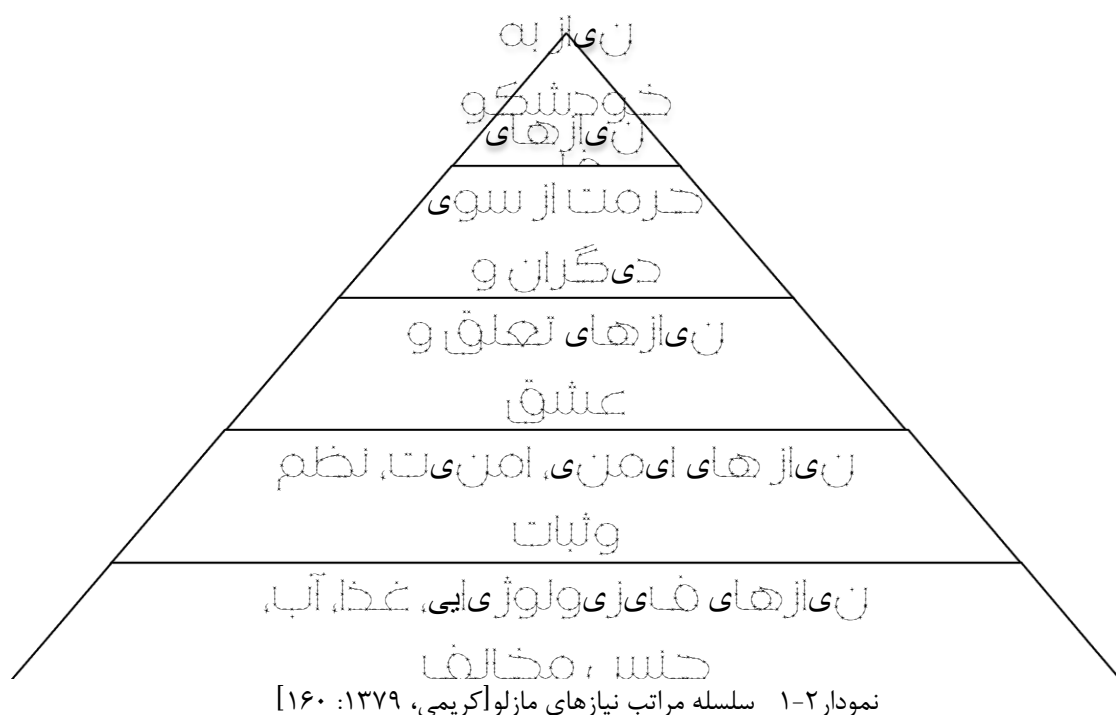
[پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۶۰]

۲-۲-۱ سلسله مراتب نیازها

نظریه مازلو درباره انگیزش در واقع هسته نظریه شخصیت او را تشکیل می‌دهد. به نظر او هر فردی دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند؛ یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها به کار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین، افراد مختلف در نحوه ارضای انگیزه‌ها ممکن است تفاوت‌های زیادی پیدا کنند. نیازهای ذکر شده از سوی مازلو تشکیل سلسله مراتبی می‌دهند که از

لحاظ اهمیت به ترتیب قرار می‌گیرند. [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۴۹]

این سلسله مراتب شامل نیازهای فیزیولوژیایی، نیازهای ایمنی، نیازهای تعلق و عشق، نیازهای حرمت و نیازهای خودشکوفایی است. نیازهای فیزیولوژیایی شامل نیاز به غذا، آب، هوا، خواب، و جنس مخالف هستند. نیازهای ایمنی شامل نیاز به امنیت، ثبات، نظم و رهایی از ترس و اضطراب است. نیازهای تعلق و عشق از طریق ارتباط شخص با دیگر مردمان برآورده می‌شود. نیازهای حرمت شامل نیاز به عزت نفس و احترام از سوی خود و دیگران است و مستلزم داشتن دانش واقع بینانه نسبت به نقاط ضعف و قوت خود است. (نمودار ۱-۲)



در سلسله مراتب نیازها، نیازهایی که در پله‌های پایین‌تر نردبان انگیزشی هستند، باید پیش از نیازهایی که در پله‌های بالاتر نردبان قرار دارند، ارضا شوند. در واقع نیازهای رده بالاتر ظاهر نمی‌شود مگر آن که نیازهای رده‌های پایین‌تر لاقلاً تا حدودی ارضا شده باشند. به عنوان مثال، شخصی که گرسنه بوده و به خاطر امنیت خود در وحشت باشد. نیاز به تعلق و عشق را احساس نخواهد کرد. فرد در اینجا فکر و ذکرش نان و امنیت است نه عشق. نکته دیگر اینکه انسان در یک زمان به وسیله همه نیازها به پیش رانده نمی‌شود. در یک زمان تنها یک نیاز غالب است اینکه کدام نیاز باشد بستگی به این دارد که کدام یک با کدام دسته از نیازهای دیگر قبلاً ارضا نشده باشند. [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰]

برای ظاهر شدن یک نیاز رده بالاتر سلسله مراتب لازم نیست که نیاز قبلی آن به طور کامل ارضا شود، مازلو به جای صحبت کردن از برآورده شدن ناکامل یک نیاز، از درصد نزولی ارضای نیازها وقتی در سلسله مراتب بالاتر می‌رویم، سخن می‌گوید [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۵۱]

۲-۱-۲-۱ نیازهای شناختی: نیازهای دانستن و فهمیدن

علاوه بر سلسله مراتب نیازهای ذکر شده، مازلو به وجود مجموعه دیگری از نیازها اعتقاد دارد که به نیاز به دانستن و فهمیدن معروفند. او کنجکاوی و نیاز به دانستن را ذاتی می‌داند [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۵۲]

نیازهای دانستن و فهمیدن یک سلسله مراتب نیازهای شناختی را تشکیل می‌دهند که در دوره آخر شیرخوارگی و کودکی اولیه ظاهر می‌شود. [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۶۰]

اگرچه این نیازها همان گونه که اشاره شد، بخشی از سلسله مراتب اصلی نیازها نیستند، اما مازلو معتقد است که آن‌ها خود تشکیل سلسله مراتب کوچکی را می‌دهند. نیاز به دانستن قوی‌تر از نیاز به فهمیدن است. این سلسله مراتب کوچک به همان شکل عمل می‌کند که سلسله مراتب بزرگتر؛ یعنی باید نیاز اول لاقل تا حدودی ارضا شود تا نیاز بعدی بتواند ظاهر شود. [کریمی، ۱۳۷۹: ۱۵۲]

۲-۱-۲-۲ نیازهای اجتماعی

نیازهای اجتماعی در برگیرنده نیازهای فردی و خانواده هستند [مخبر، ۱۳۶۳: ۲۹]

الف) نیازهای فردی

- امنیت متقابل فرد و دولت
- داشتن فرصت برای کنش متقابل و مشارکت اجتماعی
- فراهم بودن تحرک و انعطاف پذیری اجتماعی
- داشتن فرصت برای پرورش فکر و کسب آموزش
- دسترسی به تسهیلات لازم برای سلامت جسمی و فکری
- امکان حفظ و توسعه سنت های ویژه فرهنگی

- ارضا نیازمندی های روحی

- فرصت مشارکت و لذت بردن از هنرهای دیداری و نمایشی، هنر و معماری

- دسترسی به طبیعت

(ب) نیازمندی های خانواده

- خانه ای با فضای کافی برای محدوده خصوصی و کنش متقابل اجتماعی

- ثبات و محبت

- دسترسی به تسهیلات کافی برای مراقبت از فرزند و خانواده

- دسترسی به اطلاعات و امکانات تنظیم خانواده

۲-۱-۲-۳ نیازهای خانواده و پاسخگویی محیط مسکونی

«مسکن بر مشارکت خانواده در اجتماع بزرگتر نیز تأثیر می گذارد. رابطه اجتماعی اعضای واحدهای مسکونی که اساس اجتماع را تشکیل می دهد فقط به تدریج و در طول زمان از طریق همکاری متقابل و برخوردهای اتفاقی همسایگان شکل می گیرد. همسایگی یکی از منابع مهم دوستی بوده و برای زندگی اجتماعی شخصی دارای اهمیت است. جماعت های سالم و همبسته ساکنین نیز مبنایی برای اثبات اجتماعی است که بهزیستی شهروندان و ملت را تأمین می کند. جماعت هایی که در آنها احساس نیرومند تعلق وجود دارد می توانند برای مراقبت و حفاظت از یکدیگر به ایجاد اطمینان و وابستگی متقابل پردازند. بدین ترتیب آنها درنظم عمومی گسترده تر و ایمنی شخصی ساکنین و مهمانان شرکت می کنند» [مخبر، ۱۳۶۳: ۳۷] «در اغلب کشورهای در حال توسعه، طبقه بندی جماعت های مسکونی بر حسب منزلت اقتصادی ساکنان با الگوی طبیعی رشد اجتماع، متناقض به نظر می رسد و نوعی نظام مادی گرایانه ناسازگار را بر نظام اجتماعی منسجم موجود تحمیل می کند.» [مخبر، ۱۳۶۳: ۷۱]

بر اساس هنجارهای موجود در اجتماع افراد علاوه بر وظایفی که در قبال خانواده دارند یکسری وظایف هم در جامعه بر عهده دارند. فرد و خانواده هر دو نیاز به جامعه دارند و هنگام گرفتاری به کمک

یکدیگر می‌شتابند. این گونه الگوهای اجتماعی در ساخت فیزیکی منزل‌ها و برنامه کلی جماعت‌ها دیده می‌شود [مخبر، ۱۳۶۳: ۷۲]

بر اساس دسته‌بندی پاکزاد هر فرد در زندگی یکسری نیازها دارد مانند:

۲-۲-۲ نیاز به ایمنی

مهمترین نیاز برای درک، شناخت و استفاده از مواهب محیط، تأمین نیازهای ایمنی است. در صورت عدم تأمین امنیت، ذهن فارغ نخواهد شد و بنابراین فرصت‌های خود را صرف درک امکانات دیگر نخواهد کرد. این نیاز در تمام سنین وجود دارد و در ارتباط و همجواری با افراد آشنا، در رابطه با خانواده، همسایه و ... ارضاء می‌شود.

۲-۲-۳ نیاز به حرمت

یکی از جوانب حفظ حرمت نیاز به اعتماد به نفس است که برای تمامی سنین وجود دارد و در جمع و در میان افراد شکل می‌گیرد. و آن شامل احساس فرد نسبت به مشخصات خود و عواملی که او را از دیگران جدا می‌سازد می‌باشد.

این نیاز در کودک بسیار مهم است و در بازی‌های کودکان ارضاء می‌شود. در بزرگسالان به کار و موقعیت اجتماعی آنها مربوط شده و بیشتر در فضای کار و زندگی و فضای شهری شکل می‌گیرد.

نیاز به حرمت شامل نیاز به احساس لیاقت و کفایت و مفید و مثمر ثمر بودن است که به تمامی سنین مربوط می‌شود. این نیاز توسط نشان دادن توانایی‌های فرد به دیگران ارضاء می‌شود. برای این منظور احتیاج به فضایی است که فرد بتواند در آن مفید بودن خود را به دیگران نشان دهد. در اینجا مهمترین نکته این است که ارضاء این نیاز در مراحل مختلف در جمع صورت می‌گیرد.

تبلور فضایی این نیاز، معمولاً در محلی است که در دید دیگران باشد تا فرد بتواند در آن خود را نشان بدهد. جسارت و شجاعت، نترس بودن، ارزش و قدرت نیز جزء نیاز به حرمت می‌باشند.

۲-۲-۴ نیاز به تعلق

این نیاز مربوط به رابطه انسان با دیگران و محیط و به نوعی ناظر به هویت مکان است. شخصی شدن و از خود پنداشتن یک امر و حتی یک اندیشه، احساس تعلق را به وجود می‌آورد. این احساس می‌تواند در مورد وسایل، فضا، حیوانات و افراد، در فرد ایجاد شود. بنابراین در مقابل هرگونه تعرضی نسبت به آنها عکس‌العمل نشان می‌دهد و ضمناً در حفظ بهداشت آن می‌کوشد و در اعلی‌ترین شکل خود وفادارانه و در نهایت دقت در تبلیغ و تعمیم آنها تلاش می‌کند.

روابط اجتماعی برای انسان اهمیت بسیاری دارد از سنین ۷ و ۸ سالگی به بعد فرد از تنها بودن متنفر می‌شود. در افراد از سنین ۱۱ سالگی، تعلق به گروه داشتن و خود را جزو جامعه پنداشتن بروز می‌کند و فرد نسبت به این گروه‌ها، علاقه خاصی پیدا می‌کند و بدین ترتیب «تعلق جمعی» مورد علاقه افراد قرار می‌گیرد و تعصب‌هایی چون همسایه، هم‌تیمی، هم‌کلاسی، هم‌محل‌های و هم‌شهری بودن شکل می‌گیرد. متعاقب آن با وسعت پیدا کردن قلمروها و تعلق‌ها، تشکلهای حفظ و نگهداری فضا، امکانات، موقعیت‌ها، قوی‌تر شده، منجر به داشتن فعالیت‌ها و رفتارهای جمعی وسیع‌تری می‌گردد.

۲-۲-۵ نیاز به خودشکوفایی

این نیاز به طور کلی در نیاز به خویش‌تن‌یابی خلاصه می‌شود و در تنهایی نیز ارضاء می‌شود و آن به شکل انجام کاری است که خود شخص دوست دارد و فقط برای راضی شدن خود به آن کار مبادرت می‌ورزد. برای ارضاء این نیاز احتیاج به فضایی آرام و دنج می‌باشد تا حتی الامکان از دید همگان به دور باشد.

۲-۲-۶ نیاز به درک

نیاز به درک شامل فراگیری مطالب، کنجکاوی در ناشناخته‌ها و ترغیب انسان برای انجام کارهایی که توانایی انجام آنها دارد، می‌شود. در کودکان این نیاز در هنگام بازی ارضاء می‌شود و در بزرگسالان به شکل درس خواندن، مطالعه آزاد، تحقیق، تماشا، بحث و تعامل اجتماعی و... تحقق می‌پذیرد.

۲-۲-۷ نیازهای زیبایی شناختی

این نیاز جزء ناشناخته‌ترین نیازها می‌باشد. در تعریف این نیاز سه موضوع ارزش، لذت و تعجب مهم است.

ارزش: هر زیبایی دارای ارزش است و مقصود از ارزش، ارزش مبادله‌ای آن نیست. زیرا قسمتی از زیباییهای طبیعت قابل نقل و انتقال و تملک کردن نیست.

لذت: هر نمودی که توقعات ما را برآورده نماید، زیبا می‌دانیم و هرچه زیباست لذت‌بخش است. ولی این بدان معنا نیست که هر احساس لذتی معلول درک و دریافت زیبایی می‌باشد. حتی گاهی ما از یک منظره نازیبی که رابطه خاصی با درون ما دارد لذت می‌بریم.

تعجب: عبارتست از حالت ذهنی‌ای که ناشی از توقف ذهن آدمی در برابر موضوع یا رویدادی که بیرون از دایره قوانین و اصول شناخته شده و معمول می‌باشد. در برابر زیبایی‌ها نوعی از تعجب و شگفتی بوجود می‌آید. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۶]

۲-۲-۸ نیاز به خلوت

به گفته‌ی لنگ انسان همانطور که به حضور در جامعه و ارتباط با افراد نیاز دارد، تمایل دارد زمانی را در خلوت خود به سر برد.

نیاز به خلوت و ساز و کارهای ارضای آن در افراد و گروههای مختلف متفاوت است. تفاوت در نیاز به خلوت تا حدودی به نگرش‌های گروههای اجتماعی و نقشی که مردم در جامعه و پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی خود ایفا می‌کنند باز می‌گردد. نگرش افراد به خلوت بخشی از فرایند اجتماعی شدن آنهاست و ارزشی قابل آموختن است. [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۷۶]

۲-۳ امنیت

«امنیت پاسخی برای نیاز به ایمنی است. امنیت را می‌توان به دو مقوله تقسیم کرد؛ امنیت فردی و امنیت اجتماعی. بر این اساس امنیت فردی ناظر به آرامش و آسایشی خواهد بود که خود فرد بدون

در نظر گرفتن امکانات جامعه برای خود فراهم می‌کند. در مقابل امنیت اجتماعی در اشاره به آرامش آسوده فراهم شده از طرف جامعه برای اعضای خود بکار می‌رود» [ربانی، ۱۳۸۵: ۲۲۴]

«بین شهر و امنیت رابطه وجود دارد و در عین حال بین نا امنی و شهر نیز ارتباط می‌باشد زیرا، شهر یک جامعه باز است و طبعاً جامعه باز دشمنان فراوانی دارد» [ربانی، ۱۳۸۵: ۲۲۸]

«محصولیت فضاهای عمومی در شهرها، نه تنها دستیابی به مقیاس انسانی را آسان تر می‌کند، بلکه در ایجاد حس امنیت و آسایش در مردم نیز بسیار مهم است. این فضاهای محصور می‌تواند طیف وسیعی را شامل شود؛ از میدان‌های بزرگ شهری، میدان چهار دیواری یک دانشگاه رسمی، خیابان سرپوشیده برای خرید و فروش... گرفته تا حیاط‌های مرکزی کوچک در ساختمان‌های مسکونی و پاسیوها. برخی از این فضاها ممکن است کاملاً عمومی باشند و برخی دیگر نیمه خصوصی و برخی دیگر کاملاً خصوصی هستند.» [تیبالدز، ۱۳۸۳: ۷۰]

امنیت فردی وابسته به خود فرد است ولی امنیت اجتماعی با مشارکت شهروندان بالا می‌رود. برای برقراری امنیت اجتماعی به طور مثال می‌توان در یک محله نقاط نا امن را شناسایی و از بین برد و برای شب نورپردازی مناسب کرد.

۲-۴ حریم خانه

«حریم واژه‌ای است که با «حرمت» قرابت و ملازمت دارد. اهمیت حریم خانه را باید بخاطر حرمت زندگی خانوادگی در اسلام دانست: اهمیت آن چنان است که خانه را در ادبیات ایرانی «حرم» نامیده‌اند.

اهمیت حفظ حریم‌ها و زندگی خصوصی افراد و احترام گذاردن به آنها به حدی است که حتی موذن‌ها از گفتن اذان بر روی منار یا محلی که مشرف به حیاط منازل باشد، نهی شده‌اند.

یکی از مشکلات اساسی خانه امروزی از دست رفتن حریم خانه و به عبارتی «حرمت» خانه و خانواده است؛ خانه امروزی بی‌حجاب شده است به نحوی که ساختمان‌ها به صورت چند طبقه ساخته می‌-

شوند و پنجره‌های آنان بر هم اشراف دارند.» [اکبری‌پور، ۱۳۸۱: ۹۱]

۲-۵ عوامل شکل دهنده حس تعلق

حس تعلق در معماری بر ایند ۳ عامل فرد، دیگران و محیط می‌باشد که در یک فرایند ۳ قطبی معنای محیطی حس تعلق را ایجاد می‌نمایند

۲-۵-۱ عوامل ادراکی - شناختی فردی

شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد، محیط‌هایی با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جز محیط‌های مطلوب است زیرا ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حرایم، حدود مالکیت، و همسایگی‌ها از مهمترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط می‌باشد که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد.

۲-۵-۲ عوامل اجتماعی

همه انسان‌ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می‌باشند. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختارشناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند و در اصطلاح انسان‌ها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند.

۲-۵-۳ عوامل محیطی - کالبدی

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان - رفتار در روانشناسی محیطی، به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند. فعالیت‌های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزا به عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرم هر یک نقش موثر در شکل‌گیری حس تعلق

داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزا کالبدی نیز عامل موثر دیگر می‌باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر می‌باشند. در طراحی، هر یک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تامین نوع فعالیت مورد نظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار می‌شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می‌کند. [جوان‌فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴]

۲-۶ رفاه اجتماعی

«انتظام دهی خدمات اجتماعی در بستر قوانین و سیاست‌های اجتماعی در جهت افزایش رضایت جمعی را می‌توان رفاه دانست

تعریف دیگر رفاه اجتماعی این است که مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات و سیاست‌هایی را شامل می‌شود که در قالب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد.

لذا رفاه اجتماعی مجموعه تدابیر رفاهی و اجتماعی را در برمی‌گیرد که در شکل‌دهی به تعامل اجتماعی افراد دارای نقش اساسی است. بهبود سطح روانی توده‌های اجتماعی در جهت زندگی مطلوب را نیز می‌توان از شاخص‌های رفاه اجتماعی قلمداد کرد» [محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۵۵]

۲-۷ تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی پاسخی برای نیاز به درک است.

«مجاورت مکانی تنها یکی از زمینه‌های ایجاد تعامل اجتماعی است. این نوع روابط اجتماعی زمانی که خانواده‌های تازه وارد به یک حومه شهری به حمایت همسایگان نیاز دارند اهمیت پیدا می‌کند. وقتی زمینه‌های تعامل بر اساس مجاورت مکانی به وجود می‌آید که به کمک متقابل نیاز باشد یا مسئله‌ای مشترک چون نگهداری کودکان وجود داشته باشد.» [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۵]

مجاورت کارکردی بیش از همه بر زمینه‌های تعامل اجتماعی بچه‌ها و جوامع قومی بسته اثر می‌گذارد. حتی اگر در منطقه‌ای مسکونی بزرگسالان یکدیگر نشناسند، کودکان ممکن است بخوبی با هم آشنا باشند. معمولاً بچه‌ها هم‌محلی‌های واقعی‌اند. کودکان در پیاده‌روها و خیابانها یعنی جایی که بخشی از زندگی اجتماعی محله جریان دارد بازی می‌کنند. مکانهای جاذب برای کودکان عناصر خطر و امنیت را به همراه هم در خود جای می‌دهند. عدم فرصت گردهم آیی و ارتباط قانونی نوجوانان، احتمال شرکت آنها را در فعالیت‌های ضد اجتماعی افزایش می‌دهد.

برای توضیح مطلوب بودن تعامل اجتماعی دلایل زیادی وجود دارد. اصلی‌ترین دلیل این است که رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با بوجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند.

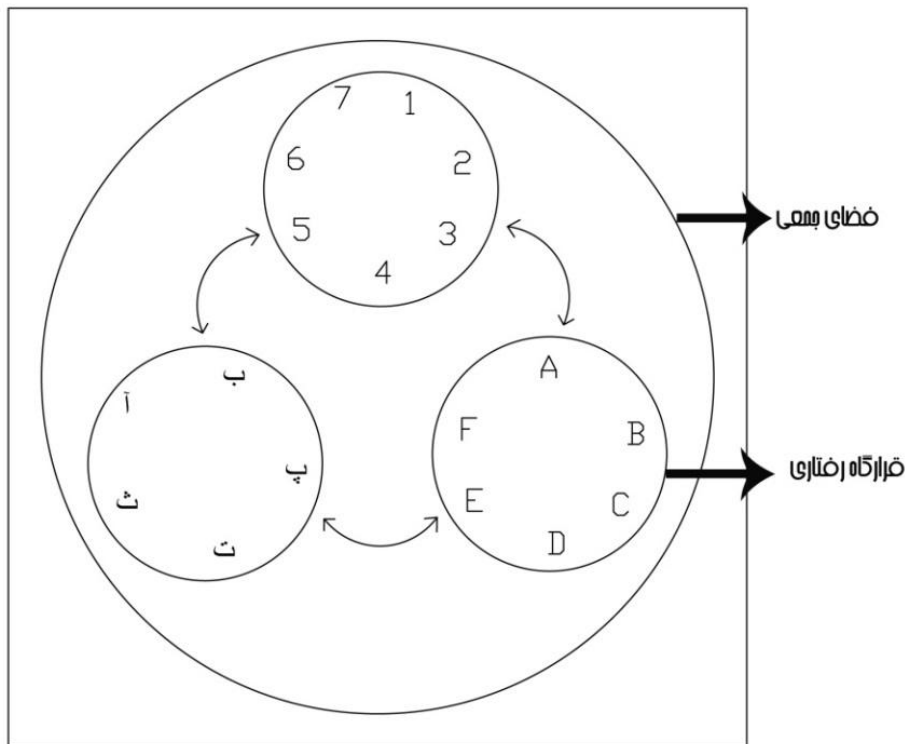
تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگیهای متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۸۶]

۲-۷-۱ محیط و تعامل اجتماعی

«آگاهی نسبت به مسئله هاله‌ها که توسط ادوارد تی هال در کتاب بعد پنهان مطرح شد، برای ما روشن می‌سازد که هر فعالیت و رفتاری دارای حریم و قلمرو خاص خود می‌باشد و هر فضایی نیز حریم و قلمرو خاص خودش را داراست. هر فعالیتی امکان بروز در هر فضایی را در شرایط عادی و به شکل مطلوب نخواهد داشت، مگر آن که میان این حریمها و قلمروها همخوانی لازم وجود داشته باشد. این همخوانی‌ها منجر به پیدایش فضاهایی به عنوان فضای فعالیت می‌گردد، چیزی که ما امروز به عنوان قرارگاههای رفتاری از آن یاد می‌کنیم. یک مکان رفتاری، مثل میدان محلی را، می‌توان به تعدادی مکان خرد رفتاری یا قرارگاه رفتاری تقسیم نمود. زنده بودن چنین مکان‌هایی بستگی به این دارد که هر مکان خرد رفتاری چه رفتارهایی را تامین می‌کند و تمایلات مردم نسبت به آن چیست.

مکانهای اجتماع مردمی، آنهایی است که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با مردم دیگر را امکان پذیر می سازند و مکانهایی برای فعالیت در آنها وجود دارد، مثل دکهٔ اغذیه فروشی، محیطهای بازی که فاقد چنین مکانهایی باشند به مکانهایی مرده تبدیل می شوند. [فاتح و داریوش، ۱۳۹۰:

۱۸۴] (شکل ۱-۲)

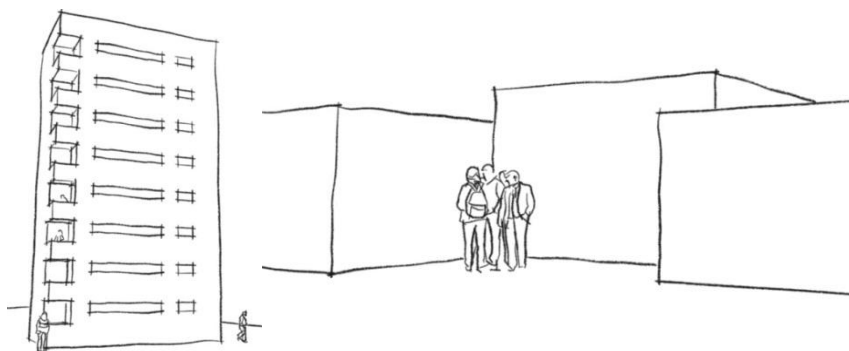


شکل ۱-۲ شمایی از فضای جمعی شهری [مأخذ: نگارنده]

۲-۷-۲ کنترل قلمرو و تعامل اجتماعی

خداشه دار شدن حریم خصوصی در رفتار اجتماعی فرد تاثیرگذار است. در مناطق مسکونی با خانههای تک خانوار نسبت به خانههای آپارتمانی تعامل بیشتری بین همسایگان وجود دارد، زیرا به حریم افراد بیشتر توجه می شود در آپارتمانها حتی انتقال صدا به واحدهای مجاور و احساس تجاوز به قلمرو مکانی خانواده، در تعامل اجتماعی بین همسایگان مشکل ایجاد می کند. [فاتح و داریوش، ۱۳۹۰: ۱۹۰]

(شکل ۲-۲)

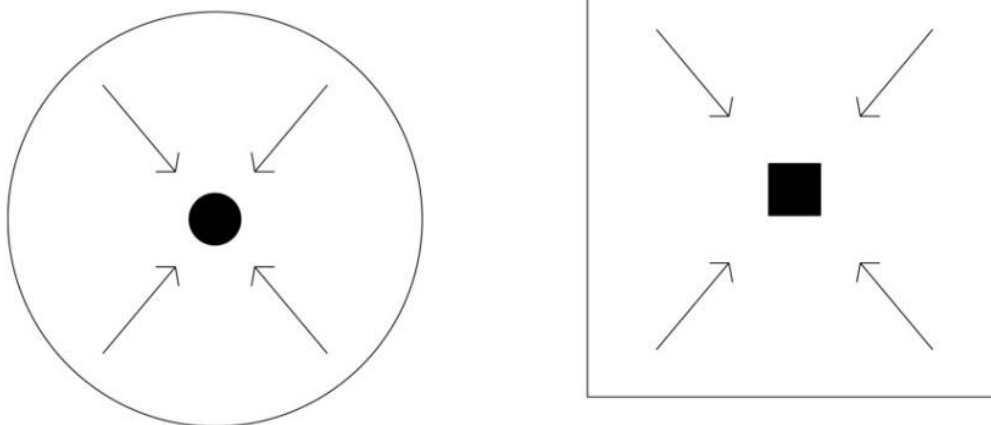


شکل ۲-۲ تعامل در میان همسایه‌های خانه‌های ویلایی و آپارتمان‌ها [مأخذ: نگارنده]

۳-۷-۲ مرکزگرایی (تسلط بر محیط) و زمینه‌های تعامل اجتماعی

پژوهش‌های انجام شده بیان می‌دارند که از نظر ادراک درونی، فضای انسانی تمرکزی عینی و نمادین دارد و در تعیین طرح‌های فضایی، مراکز مشخصی به عنوان نقاط عطف در محیط وجود دارند به عبارتی هرچه منطقه مسکونی از امکانات عمومی مشترک دورتر باشد، همبستگی اجتماعی ساکنین آن کمتر می‌شود. همچنین از نظر هندسی برخی اشکال مانند دایره و مربع دارای خاصیت اجتماع-

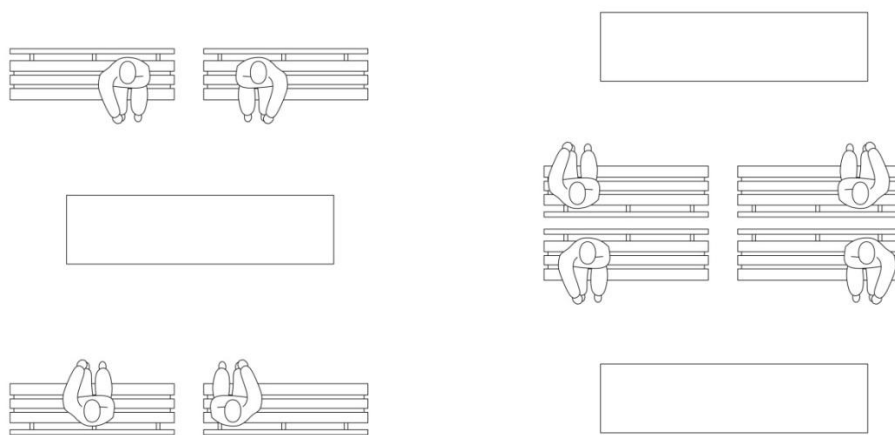
پذیری و متمرکز می‌باشند. (شکل ۳-۲)



شکل ۳-۲ درونگرایی و تمرکز اشکال مربع و دایره [مأخذ: نگارنده]

۲-۷-۴ فضای با سیمای نیمه ثابت و تعامل اجتماعی

ادوارد تی هال معتقد است که علاوه بر فضاها با سیمای ثابت (دیوارها و...) فضاهایی با سیمای نیمه ثابت (مبلمان و ...) می‌توانند بر شکل‌گیری تعاملات تأثیر بگذارند. فضایی که دارای سیمای نیمه ثابت هستند می‌توانند باعث اجتماع‌گریزی و یا اجتماع‌پذیری بشوند. در فضای اجتماع‌گریز امکان روبرویی افراد کم و در فضای اجتماع‌پذیر امکان روبرویی زیاد می‌باشد. فضای اجتماع‌گریز ضرورتاً فضای بدی نیست، همین‌طور فضای اجتماع‌پذیر به کلی خوب نیست. بلکه انعطاف و سازگاری بین طرح و عملکرد مطلوب است و به نحوی باشد که افراد بر اساس نیاز و حالت بتوانند درگیر این فضاها بشوند و امکان تعامل اجتماعی بوجود آید. [هال، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۰] (شکل ۲-۴)



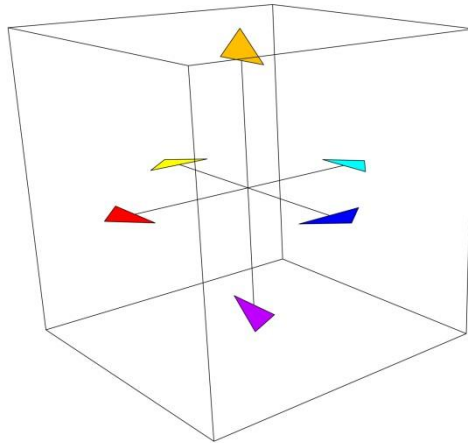
شکل ۲-۴ نمونه مبلمان در فضای اجتماع‌گریز و فضای اجتماع‌پذیر [مأخذ: نگارنده]

۲-۷-۵ جهت‌گیری (ابزار شناخت محیط) و زمینه‌های تعامل اجتماعی

جهت اصلی از ابزار شناخت محیط می‌باشند که افراد به وسیله آن با محیط مرتبط می‌شوند جهت اصلی بالا؛ پایین؛ راست؛ چپ؛ جلو و عقب است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که با قرارگیری فضای خصوصی در پشت سر انسان احساس آرامش و با قرارگیری فضای نا آشنا، احساس خطر می‌کند. در میان اشکال هندسی، مکعب مربع دارای چهار جهت عمود برهم به اضافه جهت بالا و پایین می‌باشد.

به خاطر این شش جهت دارای بعد آسمانی است (همانند کعبه مسلمین). با توجه به این اصول می-

توان به طراحی مطلوب و آشنا با ضمیر انسان رسید. (شکل ۲-۵)



شکل ۲-۵ جهات مکعب مربع [مأخذ: نگارنده]

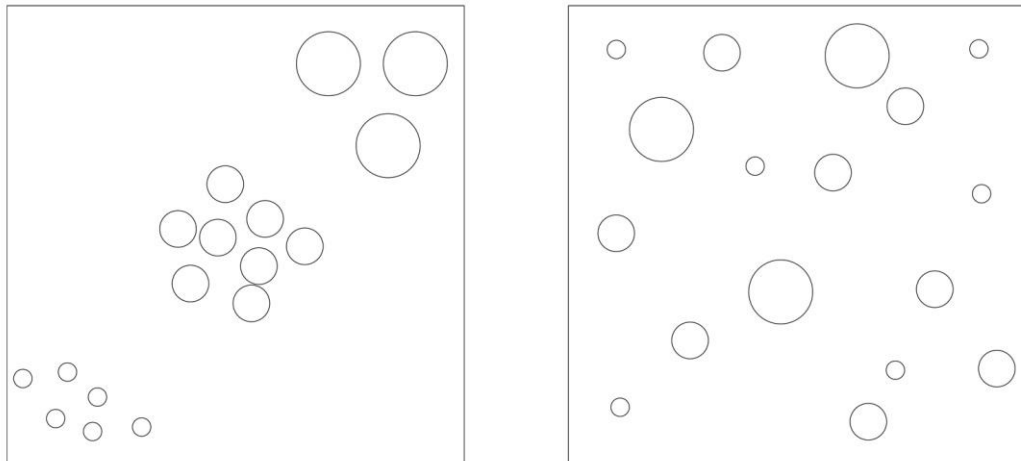
۲-۷-۶ مجاورت کارکردی و الگوهای تعامل اجتماعی

به گفته پاکزاد «مامفورد» به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیبایی شناختی فضاهای شهری تأکید دارد و ارتباطات یک جانبه و خود محوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند. او معتقد است که طراحی شهری قرین بازسازی تمدن است و باید امکان همزیستی و مشارکت را برای زندگی جمعی پدید آورد. بر این اساس، با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است، زیرا در آن صورت ارزشهای اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان شهرنشین هرچه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاهای شهری کمرنگ می-

شود. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۸]

در اینجا منظور از مجاورت کارکردی، همجواری و تعریف ارتباط میان همسایگان است، نیاز به ارتباط در میان افراد مسن و کودکان بیشتر از بقیه افراد می‌باشد چرا که با بالاتر رفتن سن توانایی جسمی کاهش یافته و نیاز افراد به یکدیگر بیشتر می‌شود اما در جامعه بیشتر افراد جوان به ارتباط با هم می-پردازند و در طراحی فضاهای شهری به دو قشر بزرگسال و کودک توجه نمی‌شود، طراحی فضاهای

شهری باید به نحوی باشد که همه‌ی افراد در تمام سنین در آن حضور پیدا کنند و تعامل با یکدیگر داشته باشند بطور مثال ارتباط کودکان با افراد بزرگسال در واحد همسایگی می‌تواند در کنار مراقبت از کودکان آموزه‌هایی را برای آنان در پی داشته باشد پس می‌توان گفت مجاورت کارکردی یکی از عوامل ایجاد ارتباطات اجتماعی است. (شکل ۶) اگر در یک منطقه مسکونی بین ساکنین آن هماهنگی فرهنگی وجود نداشته باشد، مجاورت آن‌ها نه تنها به روابط ساکنین کمک نمی‌کند بلکه پیامدهای منفی از جمله گوشه‌گیری و انزوا را در پی دارد. همچنین وجود زبان مشترک بین افراد در مکان‌هایی که مجاورت کارکردی وجود ندارد می‌تواند زمینه‌ساز تعامل اجتماعی شود. (شکل ۲-۶)



شکل ۲-۶ پراکندگی مناسب و نامناسب از لحاظ سنی در فضای عمومی شهر [مأخذ: نگارنده]

۲-۸ کیفیت زندگی

«کیفیت زندگی شهری در برگیرنده‌ی ابعادی روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در برمی‌گیرد. در برخی موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین، ابعادی محیطی که دربرگیرنده‌ی سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر دربرگیرنده‌ی توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است.» [محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۹۲]

کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان: از قبیل خوانایی، خاطره‌جمعی و حس تعلق تاریخی. چیزی که در این جا بسیار مهم است، ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که ما با محیط ساخته شده اطراف داریم، به عبارت دیگر احساس ما یا واکنش احساسی بین روان ما و فرم محیط واجزای اصلی آن است. [محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۹۳]

متغیری که بر رضایت مندی افراد تأثیرگذار است، میزان برخورداری آن‌ها از سرمایه اجتماعی می‌باشد که ریشه در روابط اجتماعی دارد. پیرو نظریه امیل دورکیم رضایت افراد (که هسته اصلی کیفیت زندگی را نیز تشکیل می‌دهد)، تابع نوع، شدت و چگونگی ارتباط اجتماعی آن‌ها است.

رابطه اجتماعی می‌تواند از دو جهت بر میزان رضایت شهروندان از زندگی اثر گذارد؛ از یک سو، با تأمین نیازهای عاطفی، شناختی و حتی مالی، و از سوی دیگر با مهار تمایلات افراد از آرزوهای بی-پایان و ارضاء نشدنی آن‌ها جلوگیری کند و از احساس محرومیت نسبی بکاهد. افرادی که دارای شبکه روابط اجتماعی گسترده‌ای هستند از میزان رضایت‌مندی بالاتری نیز برخوردارند. [محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۹۸]

۲-۹ نتیجه‌گیری

همه مردم دارای یکسری نیازهای جسمانی مانند نیاز به آب، غذا، مسکن و هستند اما پس از این نیازهای فیزیولوژیایی، افراد دارای نیازهای روانی می‌باشند که در مرتبه بعدی از لحاظ اهمیت قرار

می‌گیرند. همچنین انسان دارای یکسری نیازهای اجتماعی است که با حضور در جامعه و در میان مردم تأمین می‌شود. برای هر نیاز پاسخی وجود دارد که برای هرکدام از پاسخ‌ها مکانی جهت‌پاسخگویی وجود دارد. شهر و عرصه‌های آن مکانی جهت‌پاسخگویی به نیازهای اجتماعی افراد می‌باشد که در آن معیارهای امنیت، رفاه، تعامل اجتماعی (که چندین عامل ایجادکننده آن می‌باشند) و... ایجاد می‌شود.

فصل سوم - زمینه‌های

زندگی شهری

مقدمه

احساس زندگی جمعی در باطن هر فردی نهفته است. انسان‌ها دارای نیازهای متفاوتی هستند و برای پاسخگویی به آن‌ها نیازمند مکانی خاص می‌باشند. واحد همسایگی به عنوان جزئی از شهر است که خانه عنصر اصلی تشکیل دهنده آن می‌باشد. هرکدام از این فضاهای شهری نقش معینی در برآوردن

نیازهای افراد دارند، واحد همسایگی به عنوان بستری برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان عمل می‌کند یعنی مکانی که نیازهایی همانند حس تعلق، تعامل اجتماعی و... در آن ایجاد می‌شود.

۳-۱ شهر

به گفته رسول ربانی عام‌ترین تعریفی که از شهر ارائه گردیده است، این است که آن را مکان اسکان گروهی انسانها و محل فعالیت های آنها می‌دانند.

شهر فقط ساختمان نیست بلکه مکان انسانها، گروهها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده ها و ... می‌باشد

در اکثر تعاریف، مفهوم شهر با توجه به سه جنبه اساسی مطرح می‌گردد:

گروه ها و طبقاتی که در شهر زندگی می‌کنند؛

سابقه و قدمت شهر که معرف تمدن انسانی است؛

شیوه سکونت که برگرفته از فرهنگ شهروندان است [ربانی، ۱۳۸۵: ۱۹]

«در تعاریف دیگر که باعث تمایز بین شهر و روستا شده است آمده است که:

شهر فضایی متراکم است که تراکم جمعیت در رابطه با فضای احاطه کننده آن نسبتا زیاد است»

[نقدی، ۱۳۸۱: ۲]

۳-۱-۱ عرصه‌های زندگی شهر

هر فعالیت رفتار، دارای حریم و قلمرو خاص خود است، و متقابلا هر فضا نیز دارای حریم و حرمت خود می‌باشد. تمامی نیازهای انسان، می‌توانند در فضایی خصوصی و خلوت، یا عمومی و گروهی برآورده می‌گردند. این فضاها در فرهنگ ما دارای سلسله مراتب خاص خود می‌باشند. [پاکزاد، ۱۳۸۶:

[۷۶]

سلسله مراتب فضاهای شهری، یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، شش دسته‌اند:

فضاهای عمومی شهری. جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم است؛ مانند شاهراه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و

پارک‌های شهری

فضاهای نیمه عمومی شهر. فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می‌گیرند؛ ولی دولت

یا موسسه‌ای بر آن نظارت می‌کند و سرپرستی آن را برعهده دارد. مانند بنای شهرداری‌ها، دادگاه‌ها،

مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستانها، ایستگاه‌های مسافری، پارکینگ‌ها و...

فضاهای عمومی خاص یک گروه. جاهائی که در مرز عرصه خدماتی و تسهیلات عمومی و عرصه

مستغلات خصوصی قرار گرفته‌اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن

مسئول هستند. مانند جاهائی که از خدمات پستی، جمع‌آوری زباله، آب و برق، آتش نشانی و

احتیاجات فوری و فوتی دیگری مانند آن استفاده می‌کنند

فضاهای خصوصی خاص یک گروه. انواع جاهاى کم اهمیت‌تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده-

ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستاجرین حقیقی و یا حقوقی. تسهیلاتی

مانند دریافت پیغام و تلفن در موقع غیبت، جا برای پارکینگ اتومبیل و سایر خدمات، باغ‌های عمومی،

زمین‌های بازی، رختشویخانه، انبار و ... فراهم آورند.

فضاهای خصوصی خانواده. فضاهائی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد و

اختصاص به فعالیت‌های این خانواده داشته باشد؛ مانند صرف غذا، تفریح و سرگرمی، امور بهداشتی و

نگاهداری خانه.

فضاهای خصوصی فرد. اطاق اختصاصی هر شخص یا هر یک از اعضای خانواده. خلوتگاه اختصاصی

هر فرد که در آن، فرد جدا از دیگر اعضای خانواده بتواند به اندیشه و استراحت نشیند. [الکساندر

وچرمایف، ۱۳۷۱: ۱۵۷]

۳-۱-۲ عرصه عمومی

«بر اساس فرهنگ انگلیسی آکسفورد ۱۹۹۳، واژه public به معنای کلی و در اکثر معانی متضاد خصوصی است. همچنین شامل این تعریف نیز می‌شود: مربوط یا متعلق به مردم به عنوان کلیت؛ که به جامعه یا ملت متعلق است، تاثیر می‌گذارد یا متوجه آن است. تعریف های دیگری که برای فضای عمومی گفته‌اند: متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت، در دسترس یا اشتراکی برای همه‌ی مردم و...» [مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۳]

از دید والزر فضای عمومی فضایی است که برای سیاست، مذهب، داد و ستد، و ورزش؛ فضایی برای هم زیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیر شخصی [مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۵]

هابرماس در تبیین و توضیح مفهوم حوزه عمومی اظهار می‌دارد: منظور من از حوزه عمومی قبل از هر چیز عرصه یا قلمروی از حیات اجتماعی است که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قید و بند یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت پیکره‌ای عمومی عمل می‌کنند. هابرماس با تاکید بر افکار عمومی در حیات اجتماعی، از منظری وسیع تر به تعریف حوزه عمومی مورد نظر خود به شرح زیر می‌پردازد: منظور ما از حوزه عمومی قبل از هر چیزی قلمروی از حیات اجتماعی ماست که در آن چیزی نظیر افکار عمومی بتواند شکل بگیرد و افکار عمومی سازه‌ای است ساخته شرایط محیطی و سازه‌ای است برآمده از نیازها و مقتضیات متحول و افزایشی توده‌های انسانی. افکار عمومی تنها در صورتی قادر به شکل‌گیری است که مقوله‌ای به نام عموم وجود داشته و در مباحثات عقلانی درگیر باشد. بنابراین افکار عمومی از یک سو با نیازها، مطالبات، خواسته‌ها و اراده عمومی مرتبط است؛ و از سوی دیگر مبتنی بر حضور مردم و عموم در تعامل اذهانی و کنش‌های کلامی عقلانی است. علی‌الاصول تمامی شهروندان جمع می‌شوند تا یک اجتماع عمومی را تشکیل دهند، در حقیقت بخشی از حوزه عمومی تشکیل می‌گردد. [باقری بهشتی، ۱۳۸۵: ۶۳]

فرانسیس تیبالدز عرصه عمومی را چنین می‌داند:

عرصه های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی، بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی‌گیرد. بنابراین، این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهار راه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده‌ی آنها را شامل می‌شود. [تیبالدز، ۱۳۸۳: ۱۵]

«کسانی که شهر و جامعه را مطالعه می‌کنند، از دیرباز به فضای عمومی توجه داشته‌اند. به تازگی، در علوم اجتماعی و انسانی، علاقه به این موضوع، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است، این امر تاحدودی به دلیل تحولات جاری در جوامع غربی است، که در آن‌ها زوال عرصه‌ی عمومی مشاهده شده است.» [مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۰]

«همانطور که گفته شد عرصه‌های عمومی هر شهر متعلق به همه شهروندان است، نه مالکان و سازندگان، پلیس و یا مسؤولان ترافیک.» [تیبالدز، ۱۳۸۳: ۳۳] و بطور کل عرصه‌ی عمومی جایی است که مخصوص سازمان یا فرد خاص نیست و عموم مردم از هر طبقه اجتماعی با هر ملیت، قومیت، نژاد و جنسیتی می‌تواند در آن حضور داشته باشند و به فعالیت بپردازند و تعاملات اجتماعی جامعه در آن شکل می‌گیرد.

۳-۱-۳ شهرنشینی

درفرنگ علوم اجتماعی از شهرنشینی به این شرح یاد شده است: فرایند یا پدیده‌ای است که به همراه آن، جمعیت شهری، مخصوصا با کاهش جمعیت روستایی فزونی می‌یابد. این پدیده را نباید با تمرکز شهری که تراکم جمعیت در فضای شهری را می‌رساند یکسان شمرد. اما شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در نقاط شهری نیست بلکه به عنوان فرایندی پویا مطرح است که طی آن شاهد نوعی انتقال و حرکت هستیم. این فرایند انتقال حداقل دربردارنده دو نوع حرکت و تغییر است. یکی حرکت و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به مناطق شهری همراه با تغییر در کارکردها به ویژه کارکرد اقتصادی‌شان و دیگر تفسیر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری‌شان. [نقدی، ۱۳۸۱: ۲۲]

کسانی مثل کوبین و کارپنتر معتقدند که شهرنشینی «شیوه زندگی» است و این مفهوم بیشتر بعد فرهنگی دارد تا بعد جغرافیایی. در این مفهوم شهر «شکل» در حالیکه شهرنشینی «محتوا» است. شهر «کلیت» مسائل را مطرح می‌کند در حالیکه شهرنشینی «بخشی» از آنها را بررسی می‌کند. لذا هر دو مفهوم به شیوه‌ای کلی مهمترین مسائل شهری را عنوان می‌کنند. [ربانی، ۱۳۸۵: ۹]

۳-۱-۴ شهروند

«شهروند اصولاً کسی است که حق دارد در شهر زندگی کند و با برخورداری از حقوق و انجام وظایف شهروندی‌اش به تشکیل تمدن یاری می‌رساند. این به آن معناست که انسان‌سازی شهرها برای آینده همه ما اهمیت حیاتی دارد. این رویای غیر ممکن نیست و نمونه‌های آن در شمال، جنوب، شرق و غرب فراوان است. اما شرط ضروری برای تحقق این رویا ایجاد ساختاری برای اداره شهر است که مردم در آن مشارکت کامل داشته باشند و مفهوم راستین شهروندی در آن مصداق پیدا می‌کند. فقط در این صورت است که شهر می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های خلاق همه شهروندان اعم از مرد و زن، پیر و جوان، فقیر و غنی در خدمت همه آنان قرار گیرد.» [ربانی، ۱۳۸۵: ۲۴۷]

مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند، حقوق مدنی (آزادی بیان و...) حقوق اجتماعی (امنیت و رفاه و...) و حقوق سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) حقوق شهروندی با جامعه مدنی و دولت مدنی کاملاً در ارتباط است و از حقوق اجتماعی متفاوت است زیرا حقوق مدنی (شهروندی) بر اساس نظم سیاسی تعریف می‌شود در حالیکه حقوق اجتماعی خود بر مبنای نظم سیاسی شکل می‌گیرد [نقدی، ۱۳۸۱: ۲۷]

۳-۱-۵ باز آفرینی شهری

بازآفرینی شهری عبارت است از: دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقدام‌هایی که به حل مسائل شهری منجر می‌شود، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی ناحیه‌ای را که دستخوش تغییر شده فراهم کند. [Roberts & Sykes, 2000: 17] این رویکرد مفهوم

جامعی به معنای کیفیت بخشی به زندگی مردم نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است.

۳-۱-۶ تاریخ طرح شهرها

به نظر می‌رسد که اولین تأملات در مورد طرح شهرها و شهرسازی به دوران رنسانس باز می‌گردد. پیش از آن، در جریان قرون وسطی شکل شهرها، معمولاً نتیجه توجه به پدیده امنیت بوده که ساختارهای پناهگاهی را مورد توجه قرار می‌داده است. این اشکال را هنوز در بسیاری از طرح‌های شهرها می‌توان یافت. [ربانی، ۱۳۸۵: ۱۰۲] همچنین شهرهایی که قرن‌ها پیش از میلاد وجود داشتند همه به صورت ارگانیک و بر اساس نیازهای مردم ایجاد شده بودند

شهرهای امروزه دارای مدل‌های مختلفی می‌باشند، به طور مثال در مدل کارکردگرای سلسله مراتبی، فضای شهر اغلب دارای سلسله مراتب منظمی از فضاهاست و بر اساس آن سازمان می‌یابد. این سلسله مراتب را ربانی به صورت زیر بیان کرده است:

- واحدهای همسایگی. این واحدها به صورت گروهی در اطراف یک فضای باز مشترک قرار دارد. این واحدها به عنوان یک مدل سنتی در شهر جدید بهارستان اصفهان یافت می‌شوند. در این واحدها، همسایه‌ها در یک فضای مشترک زندگی می‌کنند و پایگاه اجتماعی مشترک دارند.

- محله‌های با وسعت ۲ تا ۳ هکتار. این محله‌ها در اطراف یک مرکز درجه دوم قرار دارند. امکاناتی از قبیل مدارس، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مؤسسات ورزشی و اجتماعی فرهنگی برای محله‌های همسایه وجود دارد. این محله‌های همسایه از لحاظ کالبدی از یکدیگر مجزا می‌شوند.

- مراکز اصلی. این مرکز محله‌ها را از یکدیگر مجزا نموده و دارای کارکردهای ضروری برای شهر می‌باشد.

- مدل کارکردگرا. طرح محله منطبق با دیدگاه کارکردگرا از اصلی زیبایی شناختی که به معماری

مربوط می‌گردد حاصل شده و به قلمرو شهرسازی منتقل می‌گردد. [ربانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳]

۳-۱-۷ مفهوم فضای شهری

«شهر مجموعه‌ای فرهنگی/کالبدی است که بر اساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل گرفته است. انسانها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود را عرضه می‌کنند. شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای اینگونه اتفاقات، بالتبع فضاها و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان آنها دارند. البته این بدان معنی نیست که این رابطه یک‌طرفه است همانطور که فضاها از یک سو، آئینه تمام‌نمای فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری یک جامعه می‌باشند، از سوی دیگر فضاها بر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین تأثیر شدیدی می‌گذارند. شاید بتوان ادعا کرد که میزان سازگاری فضا یا کالبد با فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در آن معیار مهمی برای سنجش میزان سلامت، توانایی و هماهنگی یک جامعه می‌باشد، به بیانی دیگر جامعه‌ای که نتواند بستر مناسبی را برای فعالیت و رفتارهای اعضای خود فراهم آورد، نمی‌تواند ادعای دارا بودن غنای فرهنگی نماید، جامعه شکوفا، توانمند و سالم نیاز به فضاهایی دارد که نه فقط در جهت آسایش و رفاه افراد و گروه‌ها عمل نموده، بلکه رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناشایست را از خود دور کند.» [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۶]

«فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شود و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند. این فضا می‌بایستی توسط یک نهاد عمومی اداره شود تا در جهت منافع عمومی و جامعه مدنی اداره و نیازهای آن تأمین شود بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد.» [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۱]

۳-۱-۸ انواع فضاهای شهری

پاکزاد معتقد است فضاهای شهری آن دسته از فضاهای باز عمومی موجود در شهر هستند که بستر تعاملات اجتماعی می‌باشند. با پذیرفتن این تعریف سه شاخص اصلی برای تشخیص فضاهای شهری در عرصه عمومی شهر در اختیارمان قرار می‌گیرد. عمومی بودن فضا، باز بودن آن و برقراری تعاملات اجتماعی در فضا. شاخصی که نیاز به تعمق بیشتر برای ارزیابی شهری بودن یا نبودن یک فضای عمومی دارد، وجود تعاملات اجتماعی در آن است. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۴] بهترین حالت طراحی فضای شهری زمانی است که محلی برای اجتماع شهری در آن در نظر گرفته شود تا در آن حس همبستگی و اشتراک مردم تقویت شود.

فضاهای شهری به پنج دسته کلی تقسیم می‌شود:

۳-۱-۸-۱ ورودی‌ها

ورودی هر فضا اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. تمام فضاهایی که به عنوان ورودی در سطح شهر شناخته می‌شوند، فضای شهری به حساب نمی‌آیند. زیرا حال و هوای خصوصی بر بسیاری از آنها حاکم است. از میان طیف وسیع ورودیها، ورودی شهر و ورودی محله فضاهایی عمومی در عرصه شهر هستند که می‌توانند نقش فضای شهری را ایفاء نمایند. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۴]

۳-۱-۸-۲ میدان‌ها و فلکه‌ها

میدان از اثرگذارترین فضاهای شهری در ذهنیت شهروندان هستند تا حدی که معمولا ساکنان یک شهر، مناطق مختلف شهرشان را توسط میدان آن از هم باز می‌شناسند و ساده‌ترین راه دادن نشانی به یک غریبه را راهنمایی وی از طریق میدان به عنوان نقاط شاخص شهری می‌دانند. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۵] میدان گره‌های شهری هستند که فعالیت مردم در آن نمایان است و دارای پویایی می‌باشد.

۳-۱-۸-۳ مسیره‌ها

مسیره‌ها در ذهن شهروندان نه تنها خطوطی هستند که ارتباط و اتصال نقاط مختلف شهر را میسر می‌سازند، بلکه فضاهایی را تصویر می‌کنند که به صورت روزمره بیشترین حیات جمعی را در خود جای می‌دهند. به ویژه اینکه عمده‌ترین سهم را نسبت به سایر فضاهای شهری به خود اختصاص می‌دهند. برای مبنا دیگر نمی‌توان آنها را معبر یعنی محل عبور لقب داد. این فضاها مسیره‌هایی هستند که در ذهن شهروندان با حس و حال و وقایع مختلف عجین شده‌اند. این مسیره‌ها به صورت انواع خیابان‌های شهری، عبوری، محلی، بولوارها، کوچه‌ها و بن بست‌ها و پیاده‌راه‌ها در سطح شهر عینیت می‌یابند. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۵]

۳-۱-۸-۴ لبه آب

هر جا آب به نحوی در شهر امکان تجلی می‌یابد، همواره نقش بارزی در جذب مردم همان شهر یا مسافری ایفاء می‌کند. این تجلی معمولاً به صورت رودی است که از میان شهر می‌گذرد و یا دریا، دریاچه یا خلیجی که در مجاورت شهر گسترده شده است. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۶]

۳-۱-۸-۵ پله

مقصود از پله فقط یک اتفاق کالبدی ساده جهت دسترسی عمودی نیست. پله در واقع، مکانی است که می‌تواند انواع اتفاقات و روابط اجتماعی را نه تنها در خود جای دهد، بلکه انگیزه‌ای برای وقوع آنها ایجاد کند. [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۷]

۳-۱-۹ سیمای عمومی شهر

«تفاوت در ساختار تصویری که عامه مردم یا بخش عمده‌ای از مردم از محیط دارند اجزای سیمای شهر را پدید می‌آورد. این اجزا عبارتند از مراکز محلات، راهها، لبه‌ها و نشانه‌ها که همه آنها مأخوذ از خاطرات مردم می‌باشد و در مصاحبه مستقیم و درمحل، از آنها بدست آمده است» [مزینی، ۱۳۸۵: ۳۰۰] اینچ اجزای تشکیل‌دهنده سیمای شهر را به صورت زیر بیان می‌دارد

– راه: «راه» عاملی است که معمولاً با استفاده از آن، حرکت بالفعل یا بالقوه میسر می‌گردد. از این رو، «راه» ممکن است خیابان باشد، پیاده‌رو باشد؛ جاده، خطوط زیرزمینی تراموا و یا خطوط راه‌آهن باشد. برای بسیاری از مردم این اسامی که یاد کردیم مهمترین عوامل در تصویر شهر هستند.

– لبه: «لبه» عاملی خطی است که به دیده‌ناظر با «راه» تفاوت دارد. مرز بین دو قسمت، شکافی، در امتداد طول بین دو قسمت پیوسته شهر، بریدگی که خطوط راه‌آهن در شهر بوجود می‌آورد، حد مجموعه‌ای ساختمانی و یا دیوار رامی‌توان به عنوان مثال‌هایی از «لبه» در سیمای شهر ذکر کرد.

– محله: «محله» ها قسمت‌هایی از شهر هستند که دست کم میان‌اندازه یا بزرگ باشند. باید واجد دو بعد باشند تا ناظر احساس کند وارد آن شده است. اجزاء آن به سبب خصوصیات مشترکی که دارند کاملاً شناختنی هستند و همواره می‌توان سیمای «محله» ها را از درون آن‌ها تمیز داد و اگر از خارج مرئی باشند، در یافتن نقاط مختلف، از خارج نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

– گره: «گره»ها نقاطی حساس در شهر هستند که ناظر می‌تواند به درون آن‌ها وارد شود و کانون‌هایی که مبدأ و مقصد حرکت او را بوجود می‌آورند. ممکن است صرفاً محل تقاطع دو خیابان یا دو جاده باشند؛ جایی باشند که خطوط حمل و نقل تغییر مسیر می‌دهند؛ نقطه‌ای که چند راه به هم می‌رسند یا از کنار یکدیگر می‌گذرند؛ «لحظاتی» هستند که در آن‌ها تغییر از یک ساختمان به ساختمان دیگر صورت می‌پذیرد یا ممکن است محل تمرکز باشند و اهمیت آن‌ها به سبب تراکم پاره‌ای از امور و یا خصوصیات در نقطه‌ای باشد.

– نشانه: «نشانه»ها نیز عواملی در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند؛ با این تفاوت که ناظر به درون آن‌ها راه نمی‌یابد. معمولاً اشیائی که ظاهری مشخص دارند: مانند ساختمان‌ها، علائم، فروشگاه‌ها یا حتی یک کوه می‌تواند «نشانه» ای باشد. خصوصیات «نشانه» باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار بازشناخت. پاره‌ای از «نشانه»ها را که بر پاره‌ای عوامل کوچک قد بر

افراشته‌اند می‌توان از دور به زوایای مختلف تمیز داد و در جهت‌یابی، آن‌ها را از تمام جوانب مورد استفاده قرار داد. [لینچ، ۱۳۷۲: ۹۳-۹۰]

۳-۱-۱۰ فعالیت‌های مرتبط با فضای شهری و تقسیم‌بندی آن

به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرند فعالیت گفته می‌شود. اگر یک فضای شهری بستر مناسب برای تعدادی از رفتارهای ناشی از یک فعالیت را فراهم آورد می‌گوییم این فعالیت در ارتباط با فضای شهری موجودیت دارد، مانند: راه رفتن، نشستن، دیدن و...

۳-۱-۱۰-۱ دسته بندی فعالیت‌ها در فضای شهری

پاکزاد فعالیت‌ها را به دو طریق زیر دسته‌بندی کرده است:

- جبری یا اختیاری بودن

- براساس عاملین آن

ولی همواره باید توجه داشت که یک فعالیت را نمی‌توان الزاما مختص یک دسته خاص دانست و معمولا فعالیت‌های مشترک میان دسته‌های مختلف بسیار زیادند. (نمودار ۳-۱)

۳-۱-۱۰-۱-۱ جبری و اختیاری بودن فعالیت

یان کل این دسته از فعالیت را در سه گروه تقسیم کرده است که به شرح زیر می‌باشد:

فعالیت‌های ضروری: که کمابیش اجباری هستند و شامل فعالیت‌های روزمره مردم چون آمد و شد به محل کار و مدرسه یا خرید کردن می‌شوند. فرد در هر شرایطی ناگزیر به انجام این فعالیت‌هاست.

فعالیت‌های انتخابی: جنبه حیاتی ندارند و در شرایطی انجام می‌گیرند که زمینه مطلوب برای آنها فراهم باشد. در غیر این صورت افراد الزامی در انجام آنها نمی‌بینند، مانند فعالیت‌های تاریخی.

فعالیت‌های اجتماعی: انجام این فعالیت‌ها منوط به حضور افراد دیگر در فضا است و اصولا خارج از صورت جمعی امکان‌پذیر نیستند، مانند فعالیت‌های نمایشی، مراسم عزاداری، تظاهرات، مراسم چهارشنبه سوری و

۳-۱-۱۰-۱-۲ عاملین فعالیت

فعالیت‌ها را از این نظر می‌توان در دو گروه اصلی جای داد:

فعالیت‌های فردی: انجام این فعالیت‌ها تنها مستلزم وجود یک نفر است و فرد مستقل از سایرین می‌تواند نسبت به انجام آنها مبادرت ورزد. البته این به معنی حذف مطلق حضور دیگران نیست، بلکه این فعالیت با پیش فرض مشروعیت داشتن در نظر جمع توسط فرد به تنهایی صورت می‌گیرد. مثل خوردن، فکر کردن و....

فعالیت‌های گروهی: در این فعالیت‌ها الزاماً بیش از یک نفر دخالت دارند. مانند سوال کردن، مکالمه، تظاهرات و....

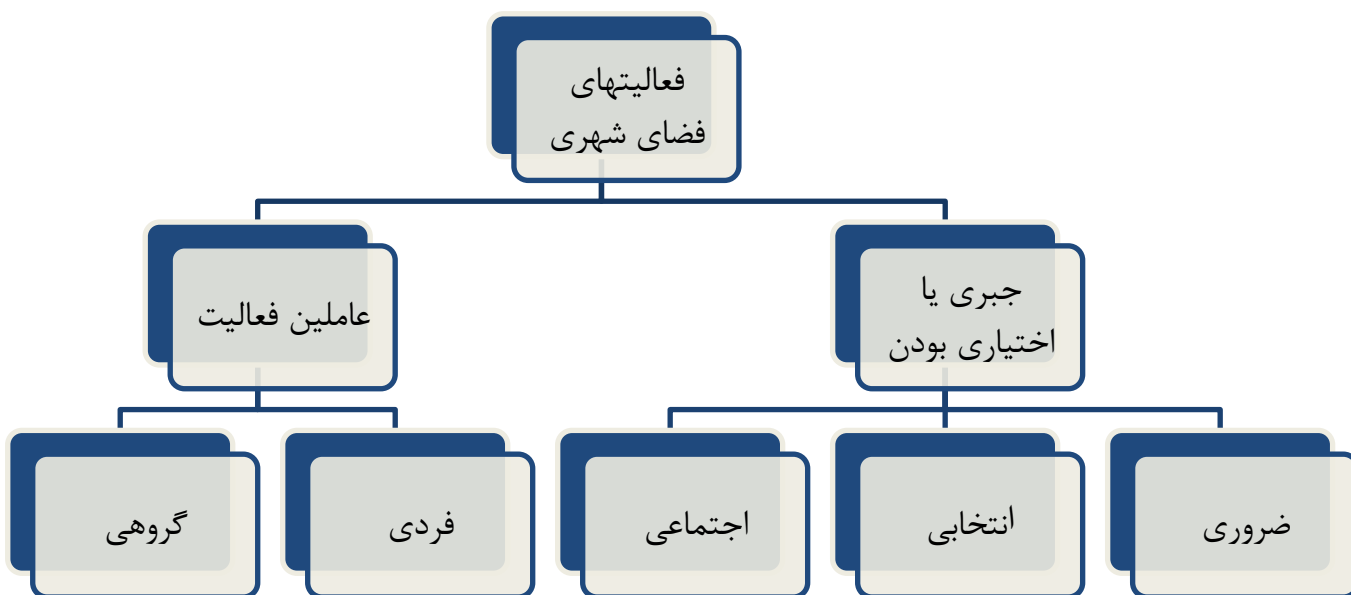
اما طیف افراد درگیر، هم از نظر تعداد و هم از نظر رابطه با یکدیگر می‌تواند متفاوت باشد. این فعالیت‌ها پیامد نیاز انسان به برقراری ارتباط در سطوح مختلف است. سلسله مراتب این ارتباط می‌تواند از دوستی و رابطه بسیار نزدیک شروع شود و به دیدارهای منفعل که شخص صرف شنیدن یا دیدن در آنها دخیل است ختم گردد. بنابراین می‌توان رابطه افراد شرکت کننده در این فعالیت‌ها را به طریق زیر دسته‌بندی کرد:

- خویشاوندان

- دوستان

- آشنایان

- غریبه‌ها [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۱]



نمودار ۱-۳ دسته بندی فعالیت‌ها در فضای شهری

۱-۱-۳ پویایی شهر

جین جاکوبز برای ایجاد تنوع پویا و خوشایند در خیابان‌ها یا محله‌های یک شهر، چهار شرط را در نظر گرفته است:

۱- هر محله - و تا حد امکان بیشتر اجزاء داخلی آن - باید بتواند در خدمت بیش از یک کاربری - و ترجیحاً بیش از دو کاربری - باشد. این موضوع همواره حضور مردمی را که با برنامه‌های متفاوت از خانه خارج شده‌اند و برای اهداف مختلف به این مکان آمده‌اند، تضمین می‌کند، و در عین حال، همه‌ی آنها می‌توانند به طور مشترک از تسهیلات موجود بهره‌مند شوند.

۲- بیشتر بلوک‌های ساختمانی باید کوچک باشند؛ یعنی تعداد خیابان‌ها و دوربرگردان‌ها (تقاطع‌ها) زیاد باشد.

۳- هر محله باید ساختمان‌هایی را که از نظر قدمت و موقعیت متفاوتند، با هم ترکیب کند؛ به طوریکه بیشترین قسمت به ساختمان‌های قدیمی - با بازده اقتصادی متنوع - اختصاص یابد. این ادغام باید در قالب بافتی متراکم انجام گیرد.

۴- باید تمرکز مردم- به هر دلیلی که در آنجا حضور دارند- به حد کافی وجود داشته باشد. این موضوع شامل مردم ساکن در آنجا هم می‌شود.

او در مورد هر یک از این شرط‌ها به تفصیل بحث کرده است، ولی در این میان مهم‌ترین نکته اینکه او هم معتقد است هیچ یک از این شروط به تنهایی کافی نیست:

برای ایجاد تنوع در شهر، ترکیبی از هر چهار شرط لازم است فقدان هر یک از آنها می‌تواند توانمندی- های نهفته‌ی یک محله را ناکام گذارد. [تیبالدز، ۱۳۸۳: ۵۷]

۳-۱-۱۲ فضای شهری در میان صلابت و روانی

مطالعه و تجزیه و تحلیل فضاهای شهری با مشکلات عدیده از حیث منطق، مفهوم و بعد تاریخی آن روبرو است. در وهله اول شهر یک فضای اجتماعی به نظر می‌رسد، به نحوی که سرزمین‌ها و مناطق آن کاملاً ساخته شده و توسط انسانها جهت زندگی و ادامه فعالیت‌های روزمره اشغال شده است. بنابراین جداسازی تصنعی مناطق شهری از عناصری چون جمعیت‌شناختی، اقتصاد، جامعه‌شناختی یا سیاست امر مقبولی نخواهد بود. در مجموع، شهر یک آلیاژ و ترکیب غیر قابل تجزیه از این عناصر در جهات گوناگون و ترکیبی از رفتارها و تظاهرات فردی و جمعی است.

فضای جغرافیایی چیزی نیست مگر عینیت و توسعه تاریخی افراد و گروه‌های اجتماعی. و این همان رویکرد فضایی جامعه است. از آن زمان تاکنون، سرانجام امور در تحول شهر کاملاً روشن است. یعنی سرزمین‌های شهری سازمان‌ها و تشکیلات و نظایر آن در چارچوب یک تمدن اقتصادی، فنی و فرهنگی و سیاسی به عنوان عناصری ضروری و در عین حال مشروط به وجود می‌آیند. و غایت امر عبارت است از نظم اجتناب ناپذیر به گونه‌ای که هر یک از اجزا نقش و سهم خود را داراست. [بورژل، ۱۳۷۷: ۱۱۱-]

[۱۰۹]

«مفهوم برابری فضایی توهمی پیش نیست در حالی که تعادل سرزمین یا شهری به اصطلاح یک ناکجا آباد ضروری است. تمامی سرزمین‌ها یا نقاطی که در شهر وجود دارد، نمی‌توانند به برابری در توزیع امکانات برای فعالیت‌های شغلی، زیرساخت‌های فنی یا فرهنگی و حتی ترکیب مشاغل اجتماعی دست

یابند. ولی تمامی شهروندان یک شهر و کسانی که در آن سکونت دارند حق مسلم خود می‌دانند که به نحوی مساوی شغلی بیابند، به تجهیزات آموزشی و تفریحی به امکانات و وسایل تحرک جغرافیایی و حتی اجتماعی دسترسی داشته باشند و به طور خلاصه حق شکوفایی تمامی استعدادها را داشته باشند. چنین تحلیلی که ارزش‌های اجتماعی دوران انقلاب فرانسه را در خاطره‌ها زنده می‌کند، یک انقلاب واقعی در دیدگاه‌ها و سیاست‌های شهری است. اینکه سرزمین شهری اگر نمی‌تواند آنچه را گفته شد، به همه برساند، حداقل یک خواست اخلاقی متناسب با زندگی شهری و قوانین استقرار آن در حق همه را نشان می‌دهد.» [بورژل، ۱۳۷۷: ۱۶۹]

۳-۱-۱۳ فضاهای شهری و زندگی اجتماعی

طراحی شهری باید بر آن باشد که تمام ارتباط‌های رفتاری و اجتماعی را که مرتبط با محیط شهری است، تعریف کند و بیشترین تطابق را میان محیط و رفتارهای مناسب اجتماعی با تعاملات و مراودات جمعی فراهم کند، و حتی از طریق طراحی محیط شهری از ارتکاب جرائم شهری، جلوگیری به عمل آورد. در هر صورت طراحی فضای شهری باید حس آرامش را بیرواند و موجب رونق ارتباط‌های شهروندی شود. در جدول (۲-۴) می‌توان برخی از اصول زیر بنایی اجتماعی را که در فضاهای شهری باید بستر حضور یابد، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

جدول ۲-۳ اهداف اجتماعی در طراحی فضاهای شهری

۱	تقویت راه‌های ارتباطی شخصی بصری گفتاری و دیداری در بستر تعاملات اجتماعی
۲	احساس تعلق خاطر به فضاهای شهری و شکل‌گیری آرامش درونی و آسایش بیرونی
۳	نقش تسهیل‌کننده و نه باز دارنده در فعالیت‌های اجتماعی شهروندی و هدایت در مسیر مطلوب و بهنجار
۴	تقویت احساس تعلق به جامعه و کمک به شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی
۵	پاسخ‌گویی به تمام گروه‌های اجتماعی و خاصه گروه‌های آسیب‌پذیر و برابری اجتماعی -

فضایی	
۶	ایجاد تجربه‌های بیادماندنی و ارزشمند و برانگیزش حس کاوش و تعلق در فضاهای شهری

در هر صورت اهمیت فضاهای شهری در ایجاد تعاملات شهروندی و میزان مناسبات اجتماعی، به گونه‌ای است که تجارب گوناگونی در رابطه با فضاهای شهری و خاصه فضاهای عمومی شهری صورت گرفته است. [محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۶۸]

۳-۱-۱۴ آبادی

«یک آبادی - وقتی این لغت به معنی عام خود بکار برده می‌شود - ممکن است دهکده، شهر و یا شهر بزرگ نامیده شود؛ نخست بسته به آن که میزان جمعیت آن تا چه اندازه باشد. و میزان جمعیت بر این اساس قراردادی اندازه گرفته می‌شود که چند نفر در داخل محدوده‌ای خاص که به ساختمان‌ها و خیابان‌ها و سایر مظاهر جسمی شهر مشخص است زندگی می‌کنند و این محدوده از محدوده دیگر به حدود و ثغوری قراردادی جدا است و مابین آن‌ها را زمین‌های شهریت نیافته پر می‌کند. و سپس حدود قراردادی و قانونی آبادی‌ها و میزان فعالیت‌های وابسته به یکدیگر که در هر آبادی صورت می‌گیرد.» [مزینی، ۱۳۸۵: ۶۷]

۳-۱-۱۵ محله

«محله مجموعه‌ای از سکونت‌گاه‌ها یا بخشی از یک شهر است. اصطلاح محله در روستا نیز کاربرد دارد» [ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۳]

محلات سابقه‌ای تاریخی دارند به نحوی که ذکر شده است:

«وجود محلات در تضاد و در تقابل، از خصیصه‌های بارز شهر دوره اسلامی صرف نظر از مکان آنها هستند. محلاتی که هر یک مسجد، بازارچه، مدرسه، آب انبار، قنات، حمام و... خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود، علاوه بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله می‌داشتند. ارتباط محله با سازمان اجتماعی عشیره‌ای خود بسیار بیشتر از رابطه آن با

محلات مجاورش بود. چنین شکل‌گیری کالبدی که منبث از تفاوتها و گهگاه تضادهای شدید اجتماعی- فرهنگی است، مفهوم جدیدی از محله را سبب می‌گردد. محلات در ستیز متولد شده و نقش تاریخی و سهمگین خود را در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب شهر بازی خواهند کرد». [حبیبی، ۱۳۸۴: ۴۸]

محله یکی از عناصر اساسی شناخت فضاهای شهری مثل آثار و ابنیه، ایستگاههای قطار، سینماها و پارک هاست. لذا مشاهده می‌گردد که محله در تصویر شهر نقشی بسیار نمادین برعهده دارد. بنابراین، واقعیت جغرافیایی محله پیچیده است و بعضی از جغرافیدانها آن را نوعی تیپولوژی ساده در توزیع کارکردها و کاربری اراضی معرفی می‌کنند. واقعیت جامعه شناختی محله به مراتب پیچیده تر است. به نظر جامعه شناسان، معرف های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه پذیری در ارتباط است. این رویکرد، به طرح خدمات روزانه حیات اجتماعی شهروندان با اشکال سنتی روستا و غیره توجه خاصی دارد. در نتیجه، بسیاری از شهرها، بر محله‌های حرفه‌ای تخصصی (مثل آنتوان در پاریس) با اشکال اجتماعی سازمانی به شکل مطلوب تأکید دارند اما مدل سازی جمعیت های شهری، در دهه- های اخیر از افزایش شهرنشینی در کادر سنتی حیات اجتماعی در بستر شهری نشان دارند که محله- ها نیز از این افزایش بی بهره نیستند

معیار محله بیشتر اجتماعی است تا طبیعی؛ زیرا، محله با نظم اقتصادی- اجتماعی شکل می‌گیرد و در بسیاری از سازمان‌های شهری امروزی شاهد فعالیت‌های اجتماعی و الگوهای زندگی محله‌ای هستیم. سازمان خانوادگی و قرابت همسایگی امتیاز بزرگی در بسترهای محلی به شمار می‌روند.

به طور کلی، محله نقش پذیرشی، گروهی و قومی با کارکرد انسجام در حیات شهری دارد و در عین حال تحت تأثیر جنبه کالبدی و اجتماعی محله‌های دیگر است. محله یک شکل سازمانی فضا و زمانی شهر است. بین فضاهای اجتماعی چندگانه و متنوع آن با توجه به نهادها و مراکز فعال حداقل اختلاف وجود دارد. از این رو، بین فضای ارضی و فضای اجتماعی آن رابطه دو جانبه‌ای برقرار است. [ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۴-۱۵۶]

۳-۱-۱۵-۱ فضای جمعی در محله

«فضاهای عمومی شهر فضاهای معاشرت‌پذیر هستند یعنی جایی که در آنها روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. البته فضاهای معاشرت‌پذیر همیشه در دسترس نیستند. برای مثال، یکی از راه‌های منحصر به فرد کردن فضاهای معاشرت که طعم و بوی خاص خود را داشته باشند این است که فضای عمومی در مرکز محله‌های عمومی شکل گیرند تا در آنها ایجاد روابط اجتماعی و همبستگی تسهیل و تقویت شود محله‌ها به عنوان واحدی در ساخت شهر مطرح می‌شوند به شکلی که با محیط زیست آشتی کرده باشند یعنی سفر درون شهری و مصرف انرژی را کاهش داده باشند و در جایی که فضای غیرشخصی شهر به عرصه‌هایی از جوامع محله‌ای منسجم بین شخصی تقسیم شده باشند. محله‌ها به عنوان ابزاری استفاده می‌شوند که توسط آنها فضای شهری به بخش‌هایی که قابل مدیریت باشند، تقسیم می‌شوند.

امروزه اکثر معابر و فضاهای عمومی محلات ما که کانون تعاملات اجتماعی ساکنان محله و عوامل ارتقای یک بافت به محله بودند، در حد مجاری عبوری تنزل مقام یافتند و زندگی اجتماعی از آنها رخت برپست و نخستین نشانه آن عدم حضور کودکان و سالخوردگان در سطح محله است. امروزه کمتر جایی رادر شهرمی‌توان سراغ کرد که کودکان در کوچه‌هایش آزاد و امن به بازی بپردازند و سالخوردگان به وقت‌گذرانی در معابر مشغول باشند. خانواده بزرگ محلات ما به شاغلین جوان و میانسالی که با شتاب صرفاً در سطح محله تردد می‌کنند، تقلیل یافته است.» [قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳:

[۲۷

۳-۱-۱۶ طرح واحدهای خودیار

واحد خودیار واحدی است که از نظر فیزیکی و مشخصات اجتماعی مردم، یکنوع همانندی نشان می‌دهد و افراد در داخل محدوده معین، فعالیت‌های اجتماعی اولیه و ابتدایی انجام می‌دهند و در برخی

موارد روابط صمیمانه‌ای با هم دارند [Ratcliffe, 1981: 50-51]

گاهی واحد بزرگتری که از چندین «واحد خودیار» تشکیل می‌شود دارای دبیرستان می‌گردد و گاهی ترکیب این واحدها به نحوی است که از مراکز خرید، زمین‌های بازی، مسجد، اداره پست و حتی سالن عمومی شهرداری برخوردار می‌شوند و در مرحله بعدی نیز ممکن است دارای درمانگاه و کتابخانه گردند [میرزاحمدی، ۱۳۷۷: ۱۱]

۳-۲ واحد همسایگی

«در شهرسازی جدید، به کوچکترین بخش مسکونی شهر، اصطلاحاً واحد همسایگی گفته می‌شود. واحد همسایگی گاهی به همان مفهوم "محله" در شهرهای قدیمی است، اما در نظر بسیاری از جامعه‌شناسان شهری، واحدهای همسایگی به طور کامل دارای ویژگی اجتماعی محله نیستند و واحد همسایگی بیشتر یک مفهوم شهرسازی است زیرا واحد محله دارای مفاهیم تاریخی، اجتماعی و کالبدی خاصی است که با مفهوم واحد همسایگی تفاوت ماهوی دارد.» [سعید نیا، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۶]

۳-۲-۱ مفهوم واحد همسایگی

«مفهوم واحد همسایگی از مطالعات جامعه‌شناسان شیکاگو در سالهای بین دو جنگ جهانی بدست آمد. این مفهوم بر این استوار بود که محلی ساختن امکانات و تسهیلات به تماس چهره به چهره بیشتر بین مردم، شرکت بیشتر در امور اجتماعی، و در نتیجه به ناهنجاری اجتماعی کمتر و روابط اجتماعی بهتر منجر می‌شود» [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۱۶]

مفهوم واحد همسایگی با طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۷ بطور رسمی وارد زبان شهرسازی شد. در آن طرح بیان شده که واحد همسایگی یک مجتمع زیستی است، متشکل از حداکثر ۱۰۰۰ خانوار یا ۴ تا ۵ هزار جمعیت که در فضایی به شعاع ۵۰۰ متر با وسعتی در حدود ۷۵ هکتار، اسکان یافته‌اند. [سعید نیا، ۱۳۷۸: ۶۷]

واحد همسایگی شباهت‌های زیادی با مفهوم محله و واحدهای خودیار دارد اما از لحاظ فرهنگی دارای یکسری تفاوت‌هایی می‌باشند چرا که ارزش همسایه در جامعه اسلامی با جوامع غربی متفاوت است

همانطور که احادیث و روایات متعددی در مورد اهمیت و جایگاه همسایه در دین اسلام بیان شده است مانند این که چهل خانه از پشت سر، طرفین و روبرو از همسایگان ما به حساب می‌آیند. ادوارد تی هال در کتاب بعد پنهان نمونه‌ای از همسایگی در انگلستان را چنین بیان می‌دارد که: این واقعیت که شما در همسایگی خانواده دیگری زندگی می‌کنید بدین معنی نیست که شما حق ملاقات، قرض کردن، یا برقراری روابط اجتماعی با آنها یا بچه‌های شما حق بازی با بچه‌های آنها را دارند کسانی هم که سعی کردند صرفاً بر اساس نزدیکی با انگلیسی‌ها رابطه برقرار کنند بندرت موفق شده‌اند. این قبیل افراد ممکن است همسایه خود را شناخته و حتی آن را دوست داشته باشند، اما این کار امکان پذیر نخواهد بود چون در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند، زیرا روابط انگلیسی‌ها نه بر پایه همجواری در فضا بلکه بر پایه پایگاه و وضعیت اجتماعی افراد طرح ریزی می‌شوند. [هال، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۷]

«اگر تمایلی برای ارتباطات اجتماعی نباشد نمی‌توان از محیط فیزیکی انتظار بالایی داشت، در واقع ترکیب جمعیتی، ارزش‌ها و هنجارهای آنها و بسیاری از عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش عمده‌ای در موفقیت قلمرو همسایگی خواهد داشت. برنامه‌ریزی عالمانه بر اساس مطالعات جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روانشناسی برای جمعیتی که قرار است به عنوان همسایه در کنار یکدیگر زندگی کنند ضروری است؛ مجاورت مکانی به تنهایی نمی‌تواند به تعامل اجتماعی افراد بیانجامد. برنامه‌ریزی اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در روابط اجتماعی داشته و آن برنامه و طرحی حائز بیشترین موفقیت خواهد بود که مکان و جامعه را با یکدیگر در نظر گرفته باشد.» [اکبری‌پور، ۱۳۸۱: ۱۲۴]

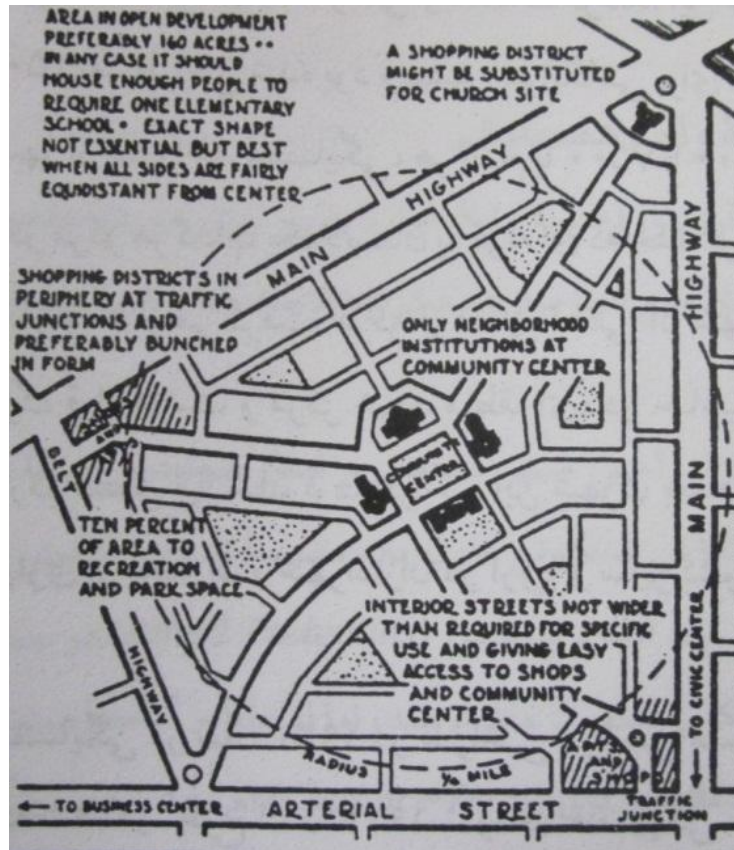
۳-۲-۲ تاریخچه واحد همسایگی

توجه به ایجاد مکانی برای مردم به منظور ایجاد ارتباط بین آنها از گذشته مدنظر بوده است: «از اواسط قرن نوزدهم در پی چاره جوئی برای هویت بخشیدن به نظام شهری، یکی از موضوع‌هایی که مورد توجه قرار گرفت سلسله مراتب شهری و انتظام آن بود.

با آنکه گارنیه، هاوارد و دیگران در طرح‌هایشان گرایش به ایجاد مجموعه‌هایی از اماکن مسکونی در حول یک مدرسه ابتدائی را شروع کرده بودند، در عمل طی دهه ۱۹۲۰ شوروی مجموعه‌هایی از ساختمانهای مسکونی مجهز به خدمات جنبی ساخته شد. نقش اساسی ارنست مای شهرساز آلمانی در به وجود آوردن این مجموعه‌ها، موج مذکور را به آلمان نیز کشاند و در دهه ۳۰ این نگرش در خانه‌سازی آن کشور به طور گسترده دنبال گردید.

از نخستین سالهای قرن بیستم «کلارنس آرتور پری» نیز در آمریکا مشغول مطالعه بر روی مسائل واحدهای متشکل از بناهای مسکونی و تاسیسات خدماتی مربوط به آنها بود.

وی در سال ۱۹۲۳ مقاله‌ای تحت عنوان «واحد همسایگی» نوشت و نظرات خود را در آن بیان کرد. مهم‌ترین انگیزه پری اثبات لزوم ایجاد خدمات اساسی بود که در نزدیکی ساختمانهای مسکونی مستقر می‌شدند. از این رو عرصه استقرار این خدمات را همسایگی خانوادگی نامید. این مجموعه‌ها می‌توانستند واحدهای بنیادی در سلسله مراتب شهری نیز به حساب آیند. همچنین پری دریافت که کودکان عامل اصلی برقرارکننده روابط بین خانواده‌ها می‌باشند و توجه به رشد کودکان در آن جامعه باعث شد که پری عناصر واحد همسایگی را حول مدرسه ابتدایی یا کودکستان (درنظریه خود) قرار دهد.» [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۷] (شکل ۳-۱)



شکل ۳-۱ الگوی واحد همسایگی کلارنس پری [سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۷۰]

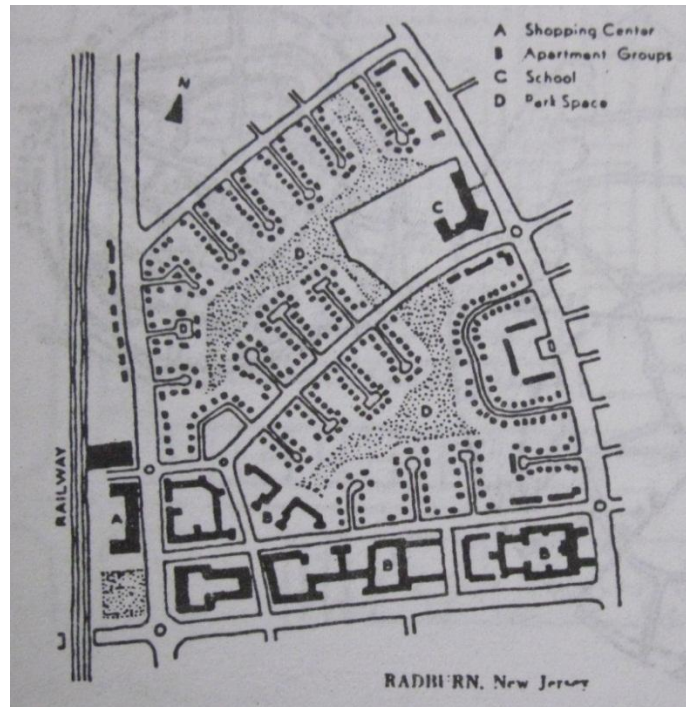
«انگیزه دیگر پری از مطرح کردن «واحد همسایگی» تقویت زندگی جمعی در شهرهای صنعتی آمریکا بود که به صورت تهدید آمیزی دچار ضعف شده بود. وی حتی اعتقاد داشت که اگر طرح‌ها منصفانه و دقیق تهیه شوند می‌توانند محرک آن نوع زندگی باشند.

پری وجود اتومبیل و مخاطرات و مزاحمت‌های ناشی از آن را خطری برای انسانها و زندگی جمعی آنها می‌دانست و پیشنهاد می‌کرد که مسیرهای دسترسی به خدمات نباید توسط خیابانهای اصلی قطع شوند. خدماتی که وی برای این واحدها پیشنهاد می‌کرد، عبارت بودند از حداقل یک دبستان و چند مغازه و زمینهای بازی و ورزش و برای محلات مسکونی اعیان نشین، کلیسا، سالن اجتماعات قابل تبدیل به تئاتر، کتابخانه، باشگاه، استخر و بعضی تاسیسات دیگر نیز پیشنهاد کرده بود.» [پاکزاد،

[۱۷: ۱۳۶۹]

پری شش اصل در هر طراحی از واحدهای همسایگی را بر این اساس قرار داد که:

- ۱- شبکه‌های اصلی و شبکه راههای پر رفت و آمد نبایستی از میان بافتهای مسکونی بگذرند
 - ۲- شبکه راههای داخلی بهتر است که به صورت کوچه‌های بن‌بست با وظائف سبکی که بطور عمومی آرامش محله را برهم نریزد طراحی گردند.
 - ۳- جمعیت محله‌های مسکونی بهتر است که بر مبنای ضروریات و محدوده عملکرد یک مدرسه ابتدائی شکل گیرند
 - ۴- این واحدها بهتر است به مرکزیت یک مدرسه ابتدائی شکل گیرد
 - ۵- شکل واحد همسایگی به نحوی باشد که کودک بیش از ۸۰۰ متر را از واحد مسکونی خود تا مدرسه پیاده نیپماید
 - ۶- تأسیسات خرید، مراکز مذهبی، کتابخانه و یک مرکز اجتماعی (محله‌ای) در نزدیک‌ترین فاصله به دبستان باشد. [شیعه، ۱۳۷۱: ۴۵]
- در زمانی که پری مشغول تکمیل جنبه‌های نظری «واحد همسایگی» بود، هنری رایت و کلارنس اشتاین در نزدیکی نیویورک چند مجموعه مسکونی که در آنها اصولی مشابه با نظریه پری بکار گرفته شده بود ساختند. اینها چند سال بعد با ساختن شهر رادبرن در ۱۶ مایلی نیویورک توانستند نظریاتی را ارائه دهند که بعدها به نام نظام رادبرن شهرت یافت و تأثیر بسزایی بر شهرسازی دنیا، بخصوص اروپا گذاشت.
- این شهر برای جمعیتی معادل ۲۵۰۰۰ نفر طراحی شده بود و بیشتر حالت شهر خوابگاهی برای نیویورک داشت تا شهرک مستقل. بنا بود که این شهر ترکیبی از سه واحد همسایگی باشد و هرکدام ۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد. در مرکز هر کدام یک دبستان به گونه‌ای واقع شود که حداکثر فاصله آن تا هر خانه در حدود هشتصد متر باشد. (شکل ۲-۳)



شکل ۲-۳ طرح رادبرن [سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۶۹]

مرکز فرهنگی اصلی برای کل شهرک عبارت از یک دبیرستان بود و می‌بایست از خانه‌ها حداکثر بیش از یک مایل فاصله نداشته باشد. مرکز خرید منطقه‌ای در حاشیه شهر و در نزدیک جاده ای که به نیویورک متصل می‌شد قرار داشت. این طرح بعزت بحران اقتصادی در نیمه راه متوقف ماند و فقط ۴۰۰ خانه از کل آن ساخته شد، و این بخش کوچک هم به مرور زمان با شبکه ای از خیابان‌هایی که بدون تناسب با اصول طرح اصلی احداث شدند، احاطه گردید. [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۸-۱۷]

ایده‌ی واحد همسایگی در سال ۱۹۳۰ در طراحی نواحی مسکونی شهرهای انگلستان به کار بسته شد. در "طرح لندن ۱۹۴۳" واحد همسایگی جمعیت ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر پایه‌ی برنامه‌ریزی لندن در سال ۲۰۰۰ گردید و در طرح شهرهای جدید جمعیت ۵ تا ۸ هزار نفر ملاک عمل قرار گرفته است. [سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۶۹]

۳-۲-۳ به جستجوی هویت در همسایگی

پاکزاد معتقد است که هویت، خاصیتی است که توسط قیاس یک پدیده با تصویری از گونه‌های مشابه آن که در ذهن نقش بسته است پدید می‌آید. روانشناسان به این فعالیت ذهنی، این همانی یا تشخیص

هویت می‌گویند یا به عبارتی فرایند این همانی، فرایندی است قیاسی بین عینیتی موجود با اطلاعات و داده‌هایی از آن در ذهن. در فرایند این همانی ما از تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و عینیت را با آن می‌سنجیم. لذا تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش‌گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته‌های ذهنی فرد، از تجربیات مستقیم گرفته تا فرهنگ و سنت او دارد. فضاهایی که با عادات و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی همخوانی داشته باشند، احساس تعلق و این همانی بیشتری را ایجاد می‌نمایند. زیرا فضاها را بیشتر از فرم اجتماعی/ فرهنگی آن باز می‌شناسیم تا معماری آن. اگر در قیاس یک پدیده و یا فضا نتوانیم وضع موجود را تا حدی زیاد با انتظارات و تصاویر ذهنی خود از آن مکان تطبیق دهیم به بحران هویت دچار شده‌ایم. [پاکزاد، ۱۳۸۶: صفحه ۱۱۱ و ۱۴۸]

«قلمروها باعث بوجود آمدن مفهومی از هویت هستند؛ در واقع مالکیت و نظارت بر محدوده‌های جغرافیایی تعریفی عینی از فرد یا گروه به دست می‌دهد.» [آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۶۹]

الکساندر یک راه برای دستیابی به هویت در همسایگی را کمک کردن به واضح کردن همسایگی‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند، می‌داند. نه بیشتر از ۳۰۰ یارد عرض، نه بیشتر از ۴۰۰ یا ۵۰۰ سکنه را به عنوان محله هویت دار می‌گوید. [Alexander, 1972: 84]

پری برای واحد همسایگی جمعیت ده هزار نفر را در نظر گرفت. شهر رادبرن برای جمعیتی معادل ۲۵۰۰۰ نفر طراحی شده بود و بیشتر حالت شهر خوابگاهی برای نیویورک داشت تا شهرک مستقل. بنا بود که این شهر ترکیبی از سه واحد همسایگی باشد و هر کدام ۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد و هر کدام یک دبستان به گونه‌ای واقع شود که حداکثر فاصله آن تا هر خانه در حدود هشتصد متر باشد. [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۷]

چرمایف و الکساندر به اعداد ۲۰ یا ۱۲ خانه در واحد همسایگی می‌رسند. [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۲۰]

در قرارداد آماده سازی، تهیه شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی اندازه و حدود واحدهای مسکونی ترکیبی نیز مشخص شده است. این واحدهای همسایگی با مجموعه‌های مسکونی حداکثر تا ۲۰ واحد

برای اراضی تا ۵۰ هکتار و ۳۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۵۰ تا ۱۵۰ هکتار و ۴۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۱۵۰ هکتار مورد مطالعه و طراحی قرار خواهند گرفت. [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۶]

۳-۲-۴ انواع بافت‌های قدیمی در ایران

مفهوم بافت‌های قدیمی نه تنها در افکار عمومی بلکه نزد متخصصان امر نیز دارای مصداق جامع و مانعی نمی‌باشد. و این نوع بافت‌ها دارای برداشتهای متفاوت و بعضاً متعارض گشته‌اند. برای تعیین و تشریح این موضوع بافت‌های قدیمی در ۴ قالب به شکل زیر توسط آقای ملکی و هوشیار بیان می‌شوند:

۱- مناطقی تاریخی و با اهمیت که حفظ آنها نه تنها به لحاظ اهمیت میراث فرهنگی مورد توصیه عمومی است، بلکه به لحاظ توریستی و جذاب‌برانگیز و جهانگرد می‌تواند مورد تأکید برخی از سازمان‌ها از جمله سازمان ایرانگردی و جهانگردی و سازمان میراث فرهنگی باشد برخی از محلات شهری واقع در اصفهان، شیراز و برخی دیگر از شهرها از این جمله‌اند.

۲- برخی از شهرهای کشور محله‌هایی وجود دارند که فاقد کارکرد تاریخی مشهور و معروف بوده‌اند ولی ترکیب مسکن احداث شده حتی کوچه‌ها و معابر نمودی از تاریخ اجتماعی و معماری کشور محسوب می‌شود. مثل غالب نقاط قدیمی شهر یزد، کاشان، اصفهان، شیراز و...

۳- مناطق فرسوده قدیمی که فاقد ارزش تاریخی هستند اینگونه مناطق در غالب شهرهای کشور وجود دارند و شاید مشکل اصلی شهرها باشند اندازه این مناطق در شهرها متفاوت است و بستگی به رشد و گسترش شهر در چند دهه اخیر دارد.

۴- بافت‌های فرسوده جدید: مهاجرت گسترده روستائیان در سالهای پس از انقلاب اسلامی، مناطقی را در کنار شهرها ایجاد کرده است که دارای مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و خدماتی هستند. این مناطق که به صورت سریع و قارچ گونه گسترش یافته‌اند. از اصول اولیه شهرسازی بی‌بهره‌اند. وضعیت سال‌ها و ماه‌های اول انقلاب اسلامی و فشارهای سیاسی و اجتماعی موجب شده تا شهرداریها در مقابل شکل‌گیری این مناطق سکوت کرده و حتی برخی از این مناطق از آب و برق رسمی و غیر رسمی برخوردار شده‌اند. مناطقی با تراکم جمعیتی زیاد، با کمبود برخی از خدمات اساسی، بدون

رعایت اصول اولیه شهرسازی، با ضریب بالای خطرات حوادث طبیعی، و... در غالب شهرهای کشور و جود دارند. به لحاظ شهرسازی می‌توان آنها را با عنوان بافت‌های فرسوده دسته بندی کرد. [ملکی و هوشیار، ۱۳۸۷: ۱۰-۸]

۳-۲-۵ مفهوم محله در بافت سنتی ایران و روند شکل‌گیری آن

به گفته‌ی پاکزاد در مجله صغه از ابتدای بنای شهرهای اسلامی و حتی قبل از اسلام، هر قوم و قبیله-ای تحت شرایط خانوادگی، منافع مشترک و شبکه‌های خویشاوندی خود محله‌ای جداگانه در شهر ایجاد می‌کردند

همبستگی اجتماعی- فرهنگی سبب ایجاد عامل روانی تعلق به محله و پیروی افراد از آداب و رسوم واحد و نیز احساس تمایز نسبت به ساکنان دیگر محلات بود. و در هر محله از تمامی طبقات، از فقیرترین تا ثروتمندترین مردمان زندگی می‌کردند.

روابط حاکم بر محله به نحوی بود که هر کس به طور طبیعی به وظیفه خود عمل می‌کرد. و هر فرد خود را جزئی از جمع می‌دانست، و بقا و آسایش خود را در کارائی و قدرت مجموعه می‌دید. روابط اجتماعی مذکور به صورت بسیار ظریفی در شکل‌گیری و استخوانبندی محله موثر بود و شبکه ارتباطی و مرکز محله و دیگر عناصر کالبدی مانند آب انبار، مسجد، حسینیه، سقاخانه و حمام را تعریف می‌کرد.

تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجبار به خودکفا بودن نسبی هر محله شامل مرکزی بود که همه مایحتاج روزانه و کوتاه مدت محله را فراهم می‌ساخت.

عوامل مذکور باعث به وجود آمدن عناصر کالبدی محله می‌گردید و مجموعه‌ای از عناصر مذکور در مراکز مسکونی، محیطی را پدید می‌آورد که نمایانگر روابط متقابل ساکنان در ارتباط روزمره آنان بود. یکی از مهمترین عوامل هویت دهنده در بافت محلات وجود سلسله مراتب در صورت‌بندی فضاهای دسترسی بود. ارتباط هر یک یا چند واحد مسکونی به وسیله بن‌بست خصوصی و با فضای نیمه خصوصی‌ای که همان کوچه است برقرار می‌شد. با گذر از بن بست به کوچه در واقع روابط اجتماعی

افراد از حد یک خانواده گسترده با چند خانواده ساده موجود در بن بست به تعداد بیشتری افزایش می‌یافت و با عبور از کوچه‌ها و گذرها و رسیدن به راسته‌های اصلی و میدانچه‌ها، برخوردها و به دنبال آن روابط اجتماعی ساکنین محله باز هم بیشتر می‌شد.

می‌توان گفت که در گذشته محله تحت شرایط اقتصادی- اجتماعی زمان خود کارکردی مناسب به عنوان سکونتگاه در قالب سلولهای شهری ارائه می‌داد و تغییراتی که در طول زمان در عناصر متشکله آن بوجود آمد ناشی از تغییرات در مناسبات اقتصادی - اجتماعی به طور عام و تغییرات شرایط محلی به صورت خاص بوده است. از آنجا که تا اواسط دوره قاجاریان تغییرات مهم در کشور رخ نداده است محله و فضاهای شهری طی سالیان متمادی تحت تأثیر فرهنگ بومی به حیات خود ادامه دادند ولی از اواخر دوره قاجاریان و گذر از مرحله اقتصاد سنتی به نظام فعلی تغییرات در بافت شهرهای ایران نیز شروع شد.

در دوران معاصر با هجوم فرهنگ و تکنولوژی غرب به کشور و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و قرار گرفتن اتومبیل به عنوان جزء جدایی ناپذیر از زندگی روزمره مردم و بالاخره مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها، محله دیگر نمی‌توانست پیوندهای درونی، و در نتیجه کارکرد خود را همچون گذشته حفظ کند. گسسته شدن محلات و پیدایش فضاهای جدید شهری با معیارهای بیگانه با فرهنگ بومی در واقع تبلور فضائی تغییرات مزبور در اوضاع اقتصادی- اجتماعی کشور است.

استهلاک نظام اجتماعی سنتی و دگرذیسی آن به شکل طبقاتی حاضر، به طور فزاینده‌ای از همبستگی‌های عشیره‌ای- همسایگی کاسته و مهاجرت روستائیان به شهرها به این فروپاشی شتاب بخشیده است.

زندگی شهروند ایرانی که در گذشته صرفاً در قالب زندگی شخصی- همسایگی و حرفه‌ای تعریف می‌شد. اینک پیچیده‌تر گشته و روابط با تنوع بیشتری نسبت به گذشته، و طبعاً کوتاه‌مدت‌تر و رسمی‌تر برقرار گردیده است. البته این روابط بر حسب خواستگاه اجتماعی- شغلی، جنسی و سنی متفاوت

است. مفهوم محله هنوز هم در تصورات نوستالژیک افراد کمابیش وجود دارد و هر خانواده در

جستجوی محله مناسب خویش در سطح شهر است. [پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۹-۱۸]

با دقت در مفهوم محله می‌توان دریافت که برخی ویژگی‌های واحد همسایگی مانند آسایش، تعامل اجتماعی، دسترسی آسان و... که امروزه به دنبال آن هستیم در محلات قدیمی وجود داشته است.

۳-۲-۶ بررسی نقش و جایگاه واحد همسایگی

بر اساس نظر آقای ثقه‌الاسلامی و خانم امین‌زاده در مقاله بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی مهمترین ویژگی واحد همسایگی شامل موارد زیر است:

۳-۲-۶-۱ مکانی جهت سکونت و ارائه خدمات و نیازهای اولیه ساکنین

در این نگرش، محلات باید قلمرویی مسکونی را ایجاد کرده و نیازهای روزانه ساکنین مانند نیاز به خرید کردن، آموزش کودکان، تفریح و فراغت و دسترسی معمول به دیگر بخشهای یک شهر را برآورده نمایند. این نگاه بیشتر متوجه کارکرد و عملکرد محله است. تعریف واحد همسایگی به یک کاربری خاص مانند دبستان همانند آنچه در الگوی واحد همسایگی پری پیشنهاد شده است، آستانه جمعیتی کاملاً مشخصی را برای واحد همسایگی تعریف می‌کند و به این ترتیب به ایجاد واحدهایی غیر قابل انعطاف و کلیشه‌ای منجر خواهد شد. در الگوهای جدید سعی شده، انعطاف پذیری لازم ایجاد شده و جمعیت به یک کاربری خاص خدماتی (مانند فضای آموزشی) وابسته نباشد.

۳-۲-۶-۲ واحد بنیادین در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر

این نگرش به مفهوم محله که در راستای تامین نیازها و خدمات ساکنین است، محله را به عنوان بلوک اصلی شکل‌دهنده ساختار شهرها و یکی از عناصر اصلی تقسیمات کالبدی شهر در نظر می‌گیرد. از به هم پیوستن چند واحد محله، ناحیه و به همین ترتیب مناطق، شهر ایجاد می‌شود که هر کدام از این تقسیمات شهری به صورت سلسله مراتبی خدمات در رده‌های مهم‌تر و تخصصی‌تر را تامین می‌-

کنند. بنابراین واحد همسایگی، محرکی برای تفکیک شهرها به تعدادی از واحدهای ساختاری است که با ابعاد متفاوت یک نظام سلسله مراتبی را به وجود می‌آورند

۳-۲-۶-۳ ارتقا دهنده تعاملات اجتماعی و ایجاد کننده حس جامعه محلی

واحد همسایگی، به علت فرصت ایجاد گروهی از مردم، و مرکزیت کارکردی خدمات جمعی، قلمرویی برای جامعه‌ای همگن به وجود می‌آورد که می‌تواند نقش پر رنگی در حس تعلق به مکان ایجاد کند

۳-۲-۶-۴ زمینه ساز مدیریت شهری و مشارکت اجتماعی

این نگرش بر توان مدیریتی واحد همسایگی تاکید دارد و اداره امور مختلف شهر و خدمات‌رسانی به آن را در قالب واحدهای فضایی می‌بیند. این واحدهای کوچک می‌توانند رضایت بخشی را به منظور به دست آوردن کیفیت بهتر زندگی فراهم کنند. رویکردهای جدید به توسعه شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی واحد همسایگی مد نظر قرار می‌دهد و از فرایندهای مشارکتی توسعه توسط مردم محلی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی کمک می‌گیرد، و متکی بر برنامه‌ریزی محله مبنا است.

۳-۲-۶-۵ ایجاد کننده هویت ومعنی

واحد همسایگی همانند محله می‌تواند یک موجودیت اجتماعی و کالبدی را خلق کند. زیرا هم یک نهاد اجتماعی است و هم یک الگوی کالبدی ویژه، و به معنی دار کردن و هویت محیط‌های شهری کمک می‌کند. راپاپورت درهمین زمینه می‌نویسد: محلات مکان‌هایی هستند که به وسیله آن ساکنین می‌توانند خودشان را تعریف کنند. به این ترتیب هویت اجتماعی را برای واحدهای فضایی در شهر ایجاد می‌کنند

۳-۲-۶-۶ امکانی برای پایدار نمودن توسعه شهری

رویکرد توسعه پایدار به توسعه شهری اثرات قابل توجهی بر روی مفهوم محله داشته است. علت‌های اصلی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: یک محله می‌تواند باعث ایجاد خودکفایی در زمینه تامین

خدمات مورد نیاز ساکنین، کاهش سفرهای شهری، پایداری اجتماعی و حس جامعه محلی، عدالت و برابری و حس مکان و هویت در محیط‌های شهری گردد. [ثقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۶]

۳-۳ خانه

شولتز در کتاب مفهوم سکونت به نقل از گاستون بچلار می‌نویسد: «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان در گهواره خانه نهاده شده است» او معتقد است در خانه، آشنایی با جهان بی‌واسطه صورت می‌پذیرد؛ آن‌جا نیازی به گزینش مسیر و جست‌وجوی هدف نیست؛ جهان در خانه و حول آن به سادگی ارزانی گردیده است. می‌توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و از این رو همچون تکیه‌گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند. ما پس از انجام وظیفه اجتماعی خود به خانه عقب نشینی می‌کنیم تا هویت فردی خود را بازیابیم. از این رو هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر است. [شولتز، ۱۳۹۲:

[۱۴۱]

او وظیفه اصلی هر خانه را افشای جهان نه به صورت گوهر و عصاره بلکه به شکل «فراخوان»، یعنی در قالب ماده و رنگ، موضع نگاری و گیاهان، فصول، آب و هوا و نور می‌داند.

عقب‌نشینی به خانه نه به معنای منزوی شدن بلکه مبین نوعی متفاوت از دیدار، یعنی دیدار محرمانه سکونت خصوصی می‌باشد. این دیدار بیشتر بر مبنای عشق استوار گردیده تا آگاهی و توافق و عشق در واقع محرکه‌ای است که تماس مستقیم با پدیده‌ها را ممکن می‌سازد. بدین جهت روانکاو سوئیسی بینس وانگر، خانه را به عنوان فضایی که «تجمع عاشقانه» در آن واقع می‌شد معرفی کرده و متذکر می‌گردد که فضائیت عشق بیش از «در تصرف آوردن» بر «پذیرا شدن» استوار می‌باشد. ما نیز می‌توانیم بیفزاییم که عشق همان حالت روانی مقدماتی است که بروز دیگر خلق‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. خانه نقطه‌ای است ثابت که شکل محیطی مفروض را به معرض «مکانی مسکون» تغییر می‌دهد. خانه مفاهیم گزیده‌ای را گرد می‌آورد که مقصود ویتگنشتین از گفته «من جهان خویشتم» را برآورد می‌سازند. با مساعدت گرفتن از خانه، دوستان جهان شده و جای پای را که برای فعالیت در آن نیاز داریم

برای خود فراهم می‌آوریم. خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد. و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به آسایش، دست می‌یابیم. [شولتز، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۳]

۳-۳-۱ سیما شناسی خانه

«از ازنمۀ دور خانه پنداری «ذره گیتی» را در وجود برانگیخته است. خانه به عنوان فضایی در دل فضا، به تکرار ساختار مقدماتی محیط می‌پردازد. کف خانه زمین را به یاد آورده، سقفش آسمان را و دیوارهایش افق را. هر اثر معماری، خواه بنای عمومی باشد و خواه خانه، تصویری است این چنین از جهان. اما تفاوت این دو اثر در آن است که بنای عمومی به پدیدآوری کیفیت‌های کلی محیط می‌پردازد حال آن که خانه، محیط مزبور را در بی‌واسطگی ذاتی‌اش به نمایش می‌گذارد.» [شولتز، ۱۳۹۲: ۱۴۶]

به گفته‌ی شولتز خانه‌های بومی در مجموع به مصور ساختن مرام هایدگر می‌پردازند که برمبنای آن ابنیه باید در خدمت «نهادن دورنمای مسکون در دسترس انسان» قرار گیرند. دورنمای معماری بومی، دورنمای زندگی روزمره بوده و مشخصه‌هایش به طریقی مستقیم و عیان توسط خانه‌ها گردآوری شده و در معرض دید قرار گرفته‌اند.

خانه شهری بخشی از زمینه‌ای اجتماعی را نیز شکل بخشیده و به ناچار باید به طرز مستقیم‌تر با همسایه‌های خود به سازش رسد. در مقابل، خانه بیرون شهری از چنین قیدی رهاست. آلبرتی می‌گوید: «در شهر ناچار از آنی که بنا به ملاحظات گوناگون و مطابق با امتیازات همسایه‌ات به مدارپردازی، در حالی که بیرون از شهر از آزادی بیشتر برخورداری.»

پس «خانه شهری در مقایسه با خانه بیرون شهری، یعنی جایی که کلیه تزئینات پر زرق و برق لجام گسیخته پذیرفتنی‌اند، می‌باید از تزئینات با وقارتر بهره‌مند شود.»

در خانه شهری ارتباط با آسمان معمولاً با اهمیتی بیش از آنچه در بناهای بومی برایش قائل گردیده‌اند دست می‌یابد. اما در مقابل حضور زمین در آن محسوس می‌باشد. بدین ترتیب، خانه شهری به بخشی

از تعبیر کلی «بینابینی» زمین و آسمان که برای تمیز هر آبادی به کار می‌رود تبدیل می‌شود.
[شولتز، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۵۱]

۳-۳-۲ موضع شناسی خانه

«خانه علی رغم تشکیل سازواره‌ای فضایی، کمتر «صورت قراردادی» به خود می‌گیرد. در تمامی طول تاریخ از پلانهای متمرکز و محوری به طور قاطع استفاده‌به عمل آمده در حالی که چاره مبتنی بر خوشه ساده با مقبولیتی کمتر روبه رو بوده است. ریشه طرح متمرکز را باید بدون تردید در «حیات-خانه»های خاور نزدیک و کشورهای حوزه مدیترانه جستجو کرد. این طرح تا عصر حاضر هم در قالب ساختاری تک‌واحدی و هم به صورت بلوک چند طبقه متشکل از واحدهای آپارتمانی به کار آمده است. در «حیات - خانه» مرکز جنبه مشاع داشته و اتاقی «اجتماعی» که عملکردهای خصوصی‌تری را گرد خود آورده محسوب می‌شود. در اکثر موارد شالوده این خانه از تقارنی صرف پیروی نکرده و تنها مقصود کلی «بستگی» را دنبال می‌کند. خانه دارای آتریوم در پمپی را می‌توان نقطه اوج «حیات-خانه» دانست. لوکوربوزیه به اهمیت این خانه پی برده و در کتاب به سوی معماری ارگانیک خود از آن یاد می‌کند» [شولتز، ۱۳۹۲: ۱۵۵]

موهولی ناگی می‌نویسد: «سکونت می‌باید نه گوشه‌ای از فضا را اشغال کردن بلکه زندگی در فضا باشد». [شولتز، ۱۳۹۲: ۱۶۳]

۳-۳-۳ خانه در حال حاضر

جنبش مدرن آفرینش «مسکن نوین» را در دستور کار خود قرار داد. گیدئون در سال ۱۹۲۹ میلادی نوشت: «توسعه اخیر در امر ساختمان بی‌تردید حول قضیه مسکن و به خصوص مسکن برای عموم آدمیان متمرکز بوده است... نه بنای عمومی از اهمیت این چنین برخوردار بوده و نه کارخانه. این بدان معناست که بار دیگر در مورد سرنوشت بشریت به نگرانی دچار آمده‌ایم»

خانه مدرن نمی‌توانست تمامی خواسته‌های سکونت خصوصی را برآورده سازد. فقدان چیزی که «کیفیت پیکره‌ای» خوانده‌ایم به خوبی در آن مشهود بود. با اطمینان خاطر می‌توان گفت که خانه مدرن از همه نظر عملی و بهداشتی بود، اما شباهتی به خانه نداشت. در حقیقت این خانه «زندگی در فضا» را بر «زندگی با تصاویر» ترجیح داده بود. هنگامی که تعداد این خانه‌ها از شمار گذشت فقدان یادشده محسوس گردیده و درخواست برای اشکال «پرمعنی» بالا گرفت. کار رابرت ونتوری را می‌باید با توجه به این مطلب سنجید. او به معرفی دیگر باره عناصر سنتی همچون لچکی‌ها و چفته‌ها پرداخته و هدف را بر مبنای اهدای هویت‌هایی چون «برج»، «کلاه فرنگی داخل باغ» یا «پالکانه مشرف بر جهان» به خانه‌های خود قرار داد. [شولتز، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۸]

۳-۳-۴ ساختار خانواده

در تعاریف مختلف دو نوع خانواده گسترده و هسته‌ای داریم که خانواده گسترده خود به سه گونه دیگر تقسیم شده است: گسترده افقی، گسترده عمودی و هردو. در خانواده‌های گسترده افقی خویشاوندان از یک نسل زندگی می‌کنند و فضاهای کالبدی خانه باید با اجتماع افراد خانواده در مناسبت‌های مختلف قابل تطبیق باشند. در خانواده‌های گسترده عمودی سه نسل در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و فضاهای خواب خانه اهمیت بیشتری دارند. وقتی خانواده به طور افقی و عمودی گسترده است نیازهای فضایی باز هم بیشتر می‌شود. در خانواده‌های هسته‌ای، رابطه متقابل بین زن و شوهر و فرزندان است. در خارج خانواده رابطه با دوستان بیشتر از رابطه با خانواده است. وقتی این الگو با شیوه زندگی خانه محور همراه شود، خانه‌های تک خانواری بهتر کار می‌کنند در این الگو از زندگی خانوادگی نیاز به خودروی شخصی زیاد است. [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۳۹]

۳-۴ نتیجه گیری

خانه عرصه‌ای خصوصی در سطح شهر محسوب می‌شود که خود دارای سه عرصه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی می‌باشد. شهر فقط مکانی برای زندگی نیست و تمام فعالیت‌های انسانی در آن شکل می‌گیرد و عرصه‌ای عمومی می‌باشد. خانه به منظور تأمین نیاز به خلوت، حریم و امنیت فردی افراد ایجاد شده است و این به معنای منزوی شدن نیست.

از دوران قدیم توجه به ساختار شهرها وجود داشته و اولین تأملات در مورد شهر و شهرنشینی در دوران رنسانس صورت گرفته است. اکثر شهرهای دوران پیش از آن مانند قرون وسطی بر اساس نیازهای مردم شکل می‌گرفته است.

ورودی‌ها، میدان و فلکه، مسیرها، لبه آب، و پله پنج عنصر شکل‌دهنده فضای شهری هستند که در ذهن افراد بیشترین تأثیر را دارند.

طراحی فضای شهری باید باعث رونق روابط اجتماعی مردم و مراودات محلی شود و احساس تعلق خاطر به فضا را به وجود آورد و همچنین پاسخگوی تمام سنین و اقشار باشد و این امر با توجه به شناخت فعالیت‌هایی که در شهر صورت می‌پذیرد و شناخت عاملین آن آسان‌تر است.

حد فاصلی که بین عرصه‌ی عمومی شهر و خصوصی خانه وجود دارد و هرکس احتیاج به حضور در آن را در خود حس می‌کند عرصه‌ای نیمه عمومی است که با عنوان واحد همسایگی بیان شده است.

واحد همسایگی مکانی برای خود شکوفایی، درک و تأمین امنیت اجتماعی افراد است جایی که تعاملات اجتماعی مردم در آن رخ داده و باعث حیات اجتماعی و پویایی شهر می‌شود و با ایجاد حس تعلق در راستای همبستگی افراد عمل می‌کند که این امر با شناخت رفتارهای آدمی امکان‌پذیر است.

هدف کلی برای ایجاد واحد همسایگی بهبود کیفیت زندگی فردی و ارتقا کیفیت زندگی جمعی می‌باشد. محلات گذشته و آنچه در آن رخ می‌داد نمونه مناسبی از روابط اجتماعی مردم است.

در جامعه امروز همه‌ی افراد امکان استفاده از زندگی ایمن و راحت را به طور مساوی ندارند. افراد سالمند، معلولین، کودکان اقلیتی هستند که در طراحی‌ها توجه به حضور آنها نشده است. عدم حضور

این افراد در جامعه باعث شده پویایی جامعه از بین رفته و ماشین‌ها و سواره‌روها در همه جا گسترده شوند. هر چه فضا انسان را بیشتر مورد مخاطب خود قرار دهد ارزشمندتر است. لزوم طراحی فضایی برای ارزش بخشی به تمام سنین در شهرهای امروز یافت می‌شود، فضایی که در ضمن تعاملات اجتماعی مطلوب حریم آنها نیز حفظ شود و به حیات اجتماعی شهر کمک بخشد.

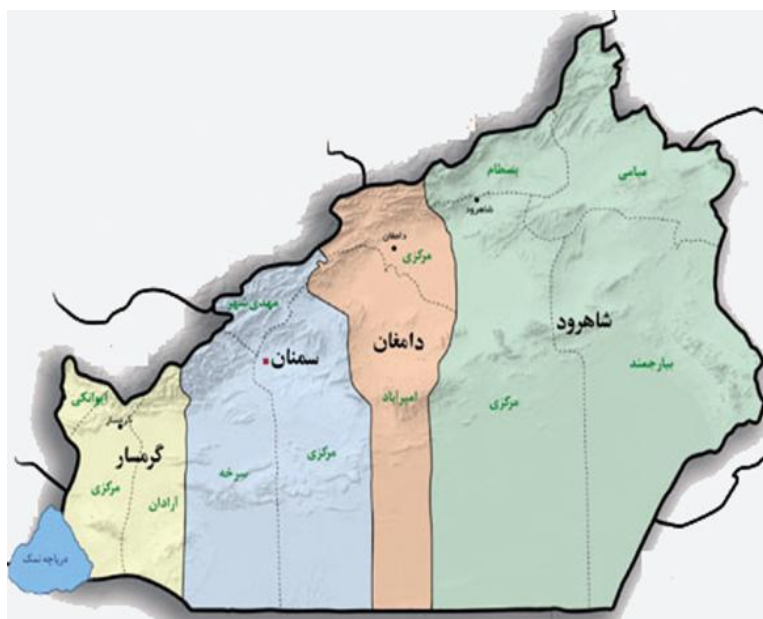
در طرح واحدهای خودیاری کلرنس پری شبکه‌های ارتباط شهری در پیرامون محلات هستند و اماکن مسکونی در رابطه با آثار ورود اتومبیل ایمن هستند. این تئوری دارای ویژگی‌های مثبت زیادی هست و قابلیت اجرایی دارد. به منظور طراحی واحدهم‌سایگی مطلوب ضمن در نظر گرفتن ویژگی‌های مثبت واحد هم‌سایگی غرب باید به ویژگی‌های مطلوب محلات در گذشته که باعث تقویت مراودات و تعاملات اجتماعی می‌شده، توجه کرد تا به بهترین گزینه رسید.

فصل چہارم - مطالعات

زمینہ

۱-۴ موقعیت جغرافیایی شاهرود

شهرستان شاهرود در شرق استان سمنان واقع شده است (شکل ۴-۱) و با وسعتی در حدود ۵۱۴۱۹ کیلومتر مربع از شمال به شهرستان‌های گرگان و گنبد کاووس، از شرق به مرز شهرستان‌های بجنورد و سبزوار از جنوب به دشت کویر و مرز استان اصفهان و از مغرب به شهرستان دامغان مرتبط می‌شود. شاهرود در موقعیت ۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۲ دقیقه طول شرقی قرار دارد و بطور متوسط حدود ۱۳۸۰ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارد. [شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۱۲]



شکل ۴-۱ نقشه استان سمنان^۱

۲-۴ اقلیم شاهرود

شهرستان شاهرود به دلیل شرایط خاص جغرافیایی دارای آب و هوای متفاوتی می‌باشد، قسمت جنوبی این شهر که در مجاورت کویر واقع شده آب و هوای نسبتاً گرم و خشک دارد، قسمت مرکزی و نواحی شرقی آن دارای آب و هوای معتدل و نواحی شمالی آن کوهستانی با آب و هوایی نسبتاً سرد و خشک است. [همان: ۱۱۶] به همین خاطر است که تنوع تولید میوه بسیار زیاد است به طوری که

^۱<http://anobanini.ir/pic/map/semnan.jpg>

امکان تولید و پرورش سیب، انگور، خرما و پیسته در مناطق مختلف این شهرستان فراهم و مهیا می‌باشد.

مقدار و شدت تابش آفتاب تابستان در این منطقه زیاد و در زمستان بسیار کم است. شاهرود در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز واقع شده و وضعیت توپوگرافی شهر شاهرود متأثر از ارتفاعات شمالی شهر است و به تدریج از شمال به سمت جنوب از میزان ارتفاع کاسته می‌شود. شاهرود به دلیل عدم دسترسی به منابع رطوبت و دوری از دریا از بارش زیادی برخوردار نمی‌باشد. این وجود میانگین بارندگی سالانه این شهر ۱۸۰ میلیمتر است و درصد رطوبت نسبی در شاهرود ۴۹ درصد است. شاهرود به علت واقع شدن در حاشیه کویر از لحاظ آب‌های سطحی به صورت رودخانه‌های دائمی، سهمی ندارد. شاهرود با متوسط درجه حرارت سالانه ۱۴/۱ درجه سانتی‌گراد خنک‌ترین شهر استان سمنان است. [شاطریان، ۱۳۸۸: ۲۰۹]

بادهای مهم استان عبارتند از :

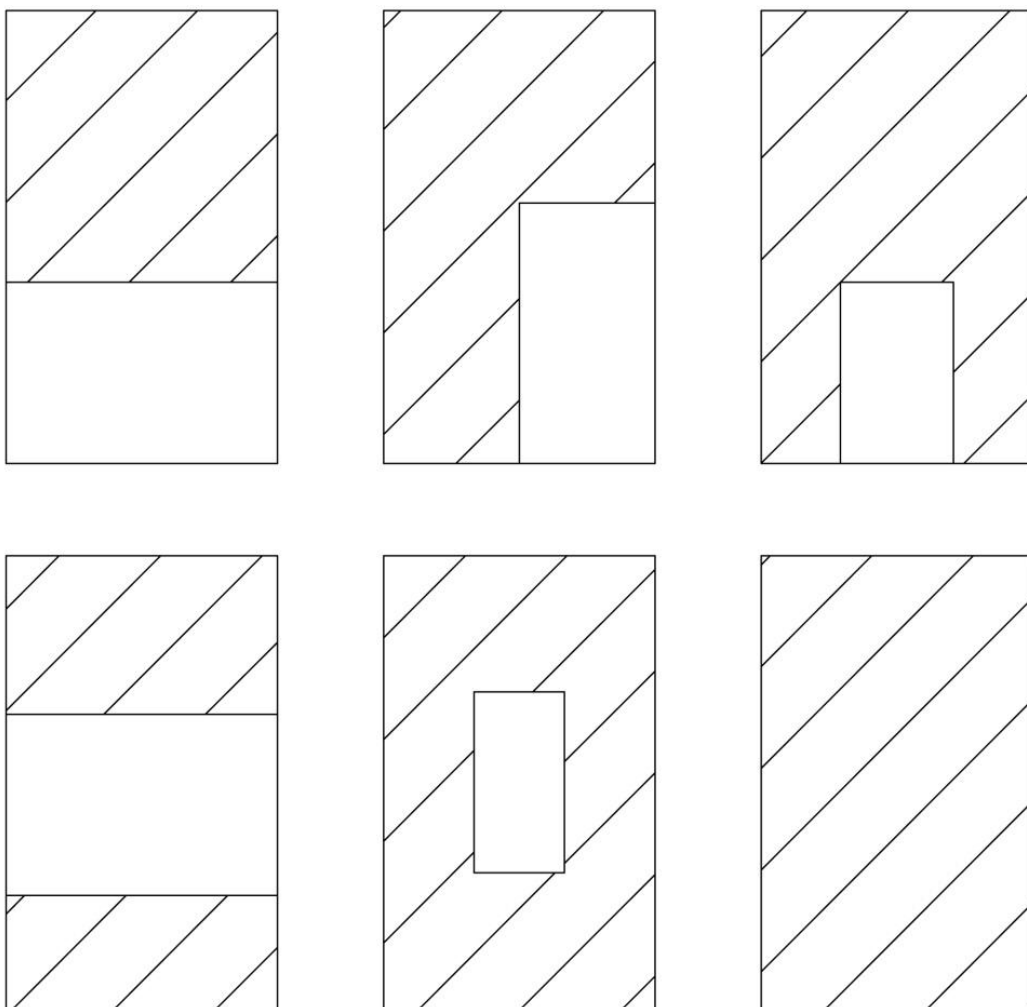
بادهای غربی که معمولاً مرطوب‌باند و در ماه‌های سرد سال از غرب تا شمال‌غربی می‌وزند و بادهای کویری که بیشتر از مناطق کویری و در ماه‌های گرم سال می‌وزند و موجب افزایش حرارت و خشکی هوا می‌شوند. [همان: ۲۰۹]

۳-۴ فرم بنا

به دلیل سرمای زیاد هوا در زمستان، فرم‌هایی باز یا فرم‌هایی که ضلع شمالی - جنوبی آنها بلندتر از ضلع‌های شرقی - غربی آنهاست مناسب نیست و بهتر است فرم ساختمان فشرده و پلان آن مربع باشد. ساختمان‌های دو طبقه که فرم آنها شبیه به مکعب است بهترین نوع ساختمان از نظر کنترل گرمای هوای داخلی در زمستان است. [کسمایی، ۱۳۸۲: ۱۲۰]

۴-۳-۱ الگوی استقرار بنا در محلات

بافت شهری شاهرود به صورت ارگانیک شکل گرفته است اما در آنها قطعات با اشکالی به صورت L شکل، استقرار یک طرفه، استقرار دو طرفه، ۱۰۰ درصد اشغال، حیاط مرکزی و استقرار سه طرفه مشاهده می‌شود. (شکل ۴-۲)



شکل ۴-۲ الگوهای استقرار بنا در شاهرود [مأخذ: نگارنده]

۴-۴ ویژگی‌های معماری بومی

اصول کلی که در معماری بومی این مناطق رعایت شده عبارتند از:

- ۱- استفاده از پلان متراکم و فشرده
- ۲- به حداقل رساندن سطح خارجی در برابر حجم مورد پوشش
- ۳- استفاده از مصالحی با جرم حرارتی مناسب

۴- به حداقل رساندن میزان تعویض هوای داخلی و تهویه‌ی طبیعی و در نتیجه، جلوگیری از ایجاد

سوز در داخل و خروج حرارت داخلی به خارج از ساختمان

۵- انتخاب بام‌های مسطح و نگهداری برف بر روی بام‌ها به عنوان عایق حرارتی

در این منطقه تمایل و ضرورت به استفاده از حرارت ناشی از تابش آفتاب در داخل ساختمان در فصل

زمستان است، البته این نیاز تحت‌الشعاع تأثیر باد و سرمای ناشی از وزش آن بر ساختمان قرار می-

گیرد. [کسمایی، ۱۳۸۲: ۹۲]

فصل پنجم - مطالعات

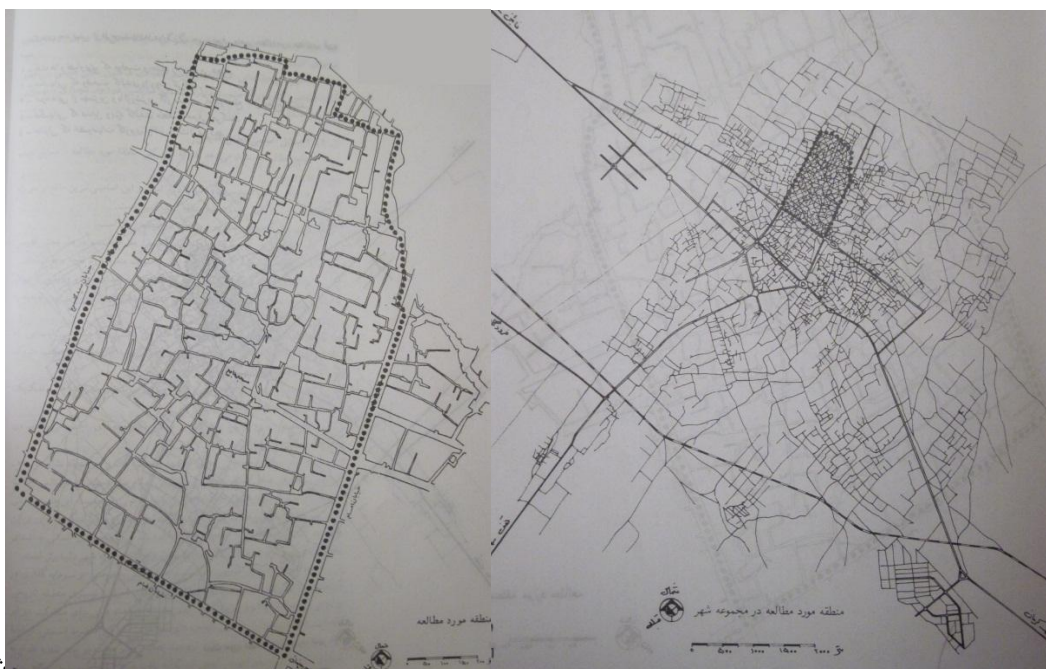
تطبیقی

۵-۱ طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد

منظور از لفظ طراحی شهری در بافت قدیم در این پروژه (شکل ۵-۱ و ۵-۲) به جای برخورد توصیفی و طولانی کردن بررسی، برخورد اجرایی با این مسئله است و بهبود محیط کالبدی مد نظر است نه شهر موزه‌ای که کسی به آن دست نزند و هدف اصلی این است که هر خانه‌ای که فرومی‌ریزد به جای آن خانه‌ای ملهم از اصول معماری گذشته بنا شود و صرفاً تکرار شکل خانه‌های گذشته نباشد بلکه باید نیازهای امروز و گذشته با هم ترکیب شوند و تنها در این صورت منطقی خواهد بود. [توسلی، ۱۳۷۰: ۴۹]

عناصر شهری و فضاهای عمومی قطعه‌ی مورد مطالعه شامل چند لکه‌ی فضای سبز، حسینیه، آب انبارها، بازارچه‌ها و ... است و فضای سبز، فضای بازی کودکان، مراکز ورزشی، کتابخانه، رختشویخانه، درمانگاه، مدرسه پیشنهاد شده است (شکل ۵-۳) و بناهای تجاری در خیابانهای مورد مطالعه یعنی خیابان‌های امام، قیام، سید گل سرخ و خیابان شمالی فهادان بلامانع است. [توسلی، ۱۳۷۰: ۵۱]

(شکل ۵-۴)



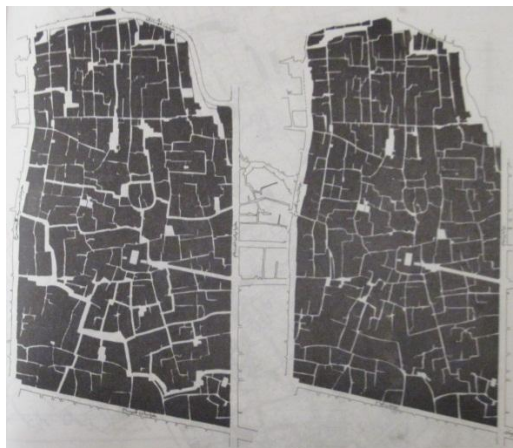
شکل ۵-۲

۱ منطقه مورد مطالعه در مجموعه شهر [توسلی، ۱۳۷۰: ۱۹] شکل ۵-۲ منطقه مورد مطالعه [توسلی، ۱۳۷۰: ۲۰]



شکل ۵-۳ نقشه پیشنهادی طرح دسترسی ها، فضاها و استقرار عناصر عمده شهری در منطقه مورد مطالعه [توسلی، ۱۳۷۰]:

[۴۴]



شکل ۵-۴ نقشه وضع موجود و پیشنهادی منطقه از لحاظ دسترسی [توسلی، ۱۳۷۰: ۵۶]

رئوس عمده مطالعات انجام شده و سیاست‌های طراحی اتخاذ شده به شرح زیر است:

اصلاحات با احترام به ترکیب گذشته در فضاهای مخروبه انجام شده است.

سعی شده که دخالت‌هایی که در تغییر اندازه فضاهای گذشته داده می‌شود با مقیاس بافت قدیمی انطباق داشته باشد

در قسمتی که عرض خندق ایجاب می‌کرد، فضای سبز مجاور دیوار شهر پیش‌بینی شده است.

در طراحی فضاها به اصول محصور، متناسب و متباین بودن فضاها توجه شده است. [توسلی، ۱۳۷۰:

[۶۶

۵-۱-۱ طراحی، نوسازی و بهسازی مسکن

در منطقه مورد مطالعه کیفیت ابنیه به سه دسته مخروبه، نوساز، سالم وبا ارزش اما مستلزم مرمت

تقسیم شده است. شاید وجود خرابه‌های فراوان و فقدان دسترسی مطلوب مهمترین علت کاهش رونق

این مناطق باشد چرا که هنوز هم کسانی هستند که علاقه به زندگی در خانه‌های قدیمی دارند. آنچه

که تابحال در بخش قدیمی نوسازی شده نه مطلوب ساکنین است و نه هماهنگ با بخش فضاهای

قدیمی و ضرورت پاسخ فوری به این مسئله موجب شد که یک نمونه واحد مسکونی طراحی شود. اگر

نتیجه طرح موفق باشد، مردم خواه نا خواه از آن پیروی خواهند کرد و نوسازی‌های داخل بافت جهت

مشخص می‌گیرد و اگر طرح ناموفق باشد معایب آن باید شناسایی و طراحی مجدد صورت گیرد. در

بخش طراحی الگوهای متفاوتی که در آنها ساختمان‌ها در دو طرف، سه طرف و چهار طرف حیاط قرار

می‌گیرد ارائه شده که می‌تواند برای نوسازی‌ها مورد توجه قرار گیرد. [توسلی، ۱۳۷۰: ۹۹-۱۰۰]

(شکل ۵-۹)

بر اساس مطالعات قبلی و با توجه به مسائل اقلیمی یزد، در نوسازی خانه در بخش‌های مخروبه بهتر

است به نکات زیر توجه شود:

ترکیب کلی خانه درونگرا باشد (شکل ۵-۵)

حیاط با باغچه و حوض در شمار عناصر اصلی خانه در نظر گرفته شود

فضای نیمه باز ایوان یا تالار مشرف به حیاط پیش بینی شود (شکل ۵-۶)

زیرزمین در محل مناسب برای استفاده در فصل گرما منظور گردد

دسترسی به بخش‌های مختلف خانه عمدتاً از طریق فضاهای داخلی و بسته تامین شود

بخش شب (اتاق خواب و حمام) از بخش روز قابل تفکیک باشد

آشپزخانه در نزدیکی ورودی و مجاور فضای نشیمن قرار گیرد و دارای تهویه‌ی طبیعی باشد

پشت بام برای استفاده از فصل گرما مناسب باشد

جهت‌گیری خانه و جایگزینی بخش‌های مختلف آن با شرایط اقلیمی شهر یزد هماهنگ باشد. (حدود ۲۰ درجه از جنوب به سمت مغرب)

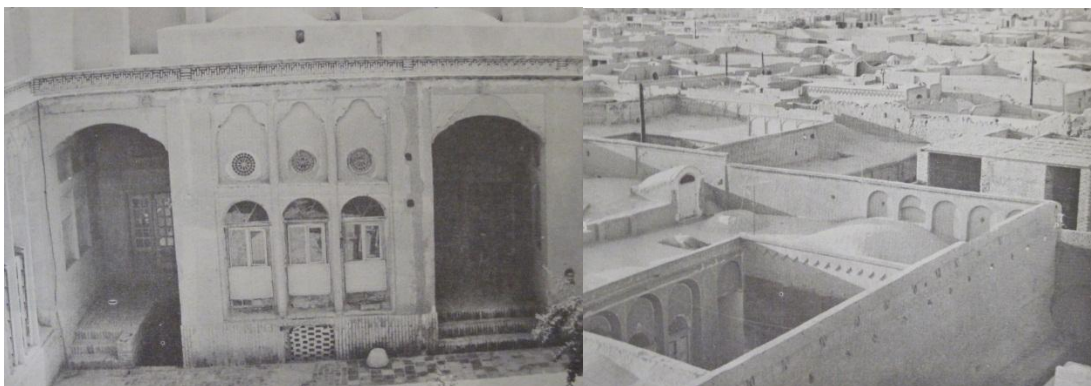
مسئله اشرف با توجه به ترکیب درونگرایی خانه و جان‌پناه‌های بلند پاسخ داده شود

از ورودی، دید مستقیم به داخل حریم خصوصی خانه امکان‌پذیر نباشد (شکل ۵-۷)

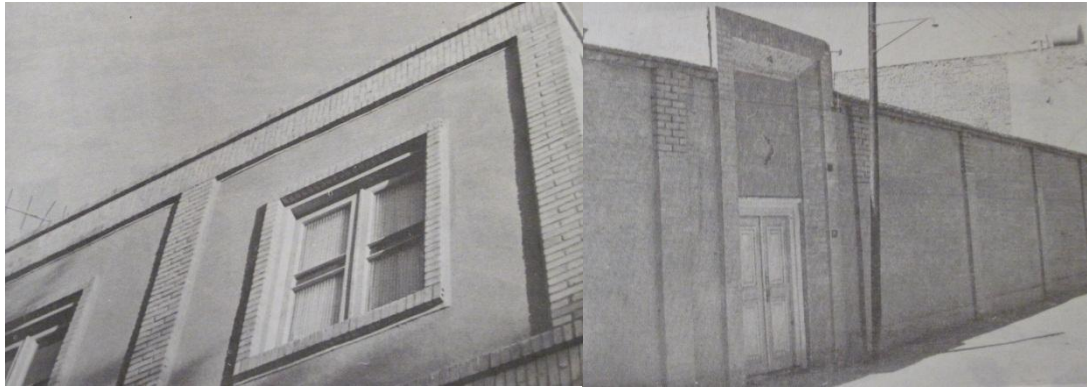
مواد آیین‌نامه‌ی مربوط به مقررات ایمنی به منظور مقابله با نیروهای مخرب زلزله، رعایت گردد

مصالح ساختمانی که در نماها به کار می‌رود متناسب با اقلیم یزد باشد (آجر، اندود کاه‌گل و سیمگل)

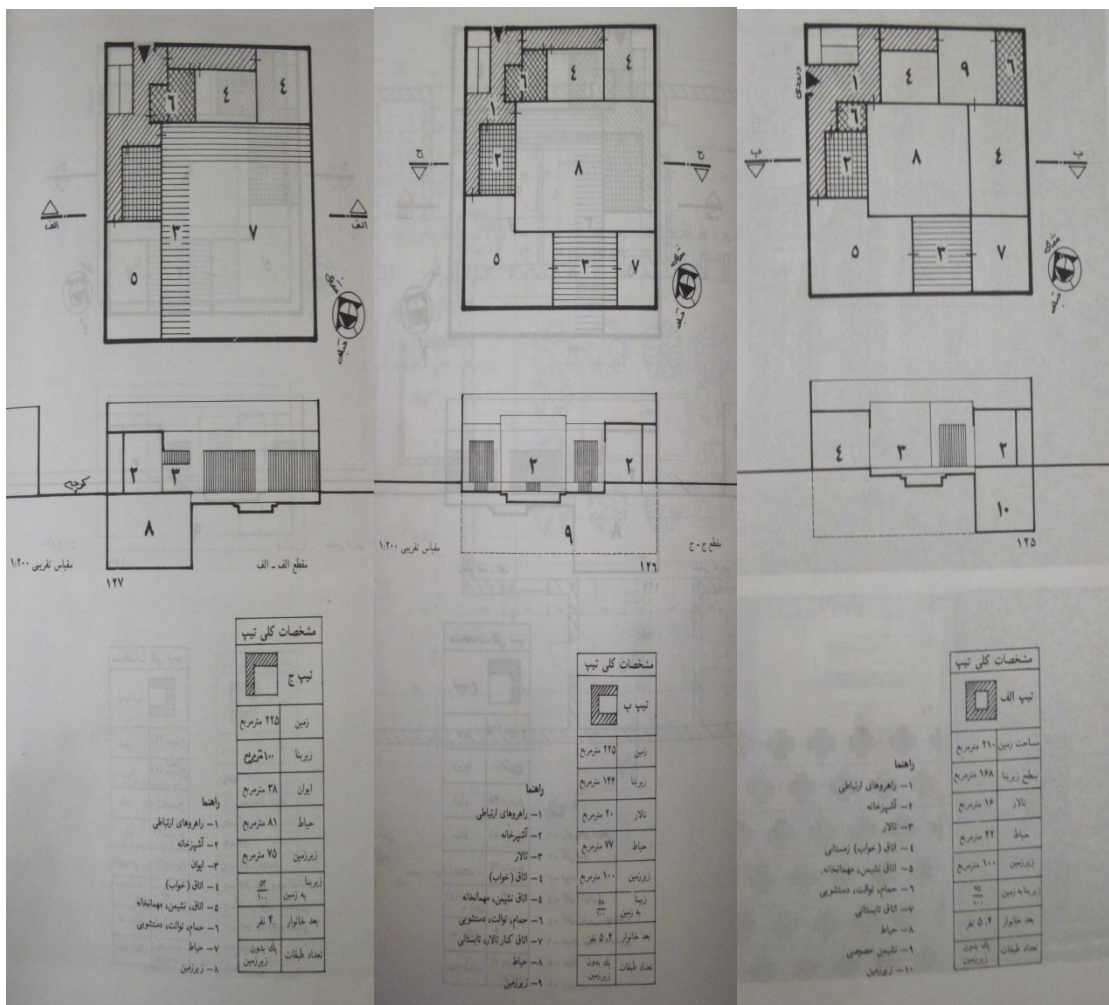
[توسلی، ۱۳۷۰: ۱۰۵] (شکل ۵-۸)



شکل ۵-۵ ترکیب کلی خانه [توسلی، ۱۳۷۰: ۱۰۷] شکل ۵-۶ نمای درونی خانه [توسلی، ۱۳۷۰: ۱۱۰]



شکل ۵-۷ ورودی خانه [توسلی ۱۳۷۰: ۱۰۸] شکل ۵-۸ نمای بیرونی خانه [توسلی ۱۳۷۰: ۱۰۸]



شکل ۵-۹ مشخصات کلی خانه‌ها (تیپ الف- ب - ج) [توسلی، ۱۳۷۰: ۱۱۷-۱۱۶-۱۱۵]

۵-۲ مجتمع مسکونی باغ ونک

این پروژه در فستیوال جهانی معماری بارسلونا در سال ۲۰۱۰ در بخش مجتمع‌های مسکونی، در میان پروژه‌های منتخب قرار داشت. زمین این مجتمع، باغ قدیمی تقریباً خشک شده‌ای بود که به کدخدای ده ونک تعلق داشت. (شکل ۵-۱۰)^۲



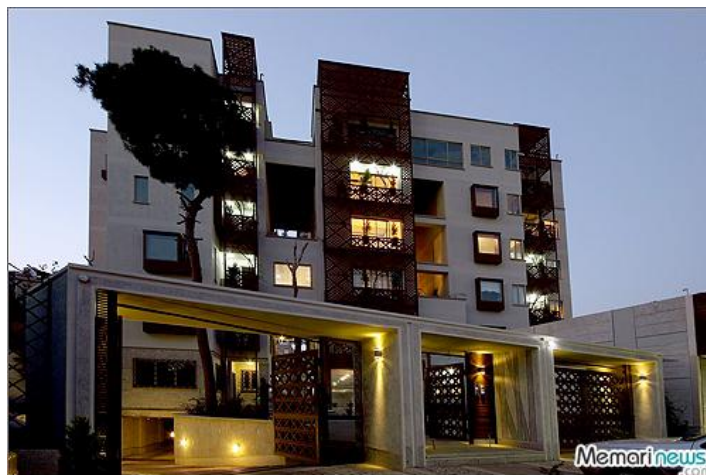
شکل ۵-۱۰ مجتمع مسکونی باغ ونک^۳

ایده اصلی طراحی، بر اساس بازآفرینی قالب خانه-باغ شکل گرفت. طراحان این پروژه تصمیم گرفتند تا برخی از درختان خشک شده را حفظ کنند و خانه‌ها را کنار این درختان و حول یک حیاط مرکزی تعبیه کنند. خانه‌ها از هم جدا شدند، بطوریکه هر کدام، از سه یا چهار وجه خود امکان نورگیری و تهویه دارند.^۴ (شکل ۵-۱۱ و ۵-۱۲)

^۲تحلیل و-تصاویر-مجتمع-مسکونی-باغ-ونک-تهر//<http://www.naghsh-negar.ir/1390/01>

^۳<http://www.memarinews.com/vdcj.metfuqeovsfzu.html>

^۴تحلیل و-تصاویر-مجتمع-مسکونی-باغ-ونک-تهر//<http://www.naghsh-negar.ir/1390/01>



شکل ۵-۱۱ مجتمع مسکونی باغ ونک^۵



شکل ۵-۱۲ مجتمع مسکونی باغ ونک^۶

این تمهیدات در کنار تنوع فضا، نقشه و مساحت خانه‌ها (از ۶۰ تا ۲۰۰ مترمربع) همگی با هدف ایجاد یک محله کوچک به کار گرفته شدند. با ایجاد سه سازه مجزا با داربست چوبی در جلوی نمای هر خانه، یک حیاط معلق شکل گرفت که جایی است برای پرورش گیاهان و پرندگان و قرار دادن مجسمه‌های کبوتر که نگهداری از آن‌ها در محله قدیمی ده ونک مرسوم بوده است. (شکل ۵-۱۳)

طراحان این پروژه، این عناصر را برای زنده کردن خاطره‌ها در کنار سرشاخه‌های درختان خشک باغ قدیمی و گیاهان بالارونده بومی منطقه به کار گرفته‌اند. سطوح این حیاط‌ها به جای مصالح بنایی، با

^۵<http://www.memarinews.com/vdcj.metfuqeovsfzu.html>

^۶همان

صفحات فلزی سوراخ دار پر از سنگریزه ساخته شده اند تا از نظر شهرداری جزو تراکم محسوب نشوند^۷

تراس های واقع در طبقات ایده ای همچون فضای سنتی «مہتابی» دارد: دید به فضای عمومی ندارد و اهالی خانه راحت می توانند از آن استفاده کنند. (شکل ۵-۱۴)



شکل ۵-۱۳ مجتمع مسکونی باغ ونک^۸



شکل ۵-۱۴ مجتمع مسکونی باغ ونک^۹

^۷تحلیل-و-تصاویر-مجتمع-مسکونی-باغ-ونک-تهر//http://www.naghsh-negar.ir/1390/01

^۸http://www.memarinews.com/vdcj.metfuqeovsfzu.html

^۹همان

تعبیه سکوهایی برای نشستن در راهروهای دسترسی به طبقات که دید به محوطه دارند. یادآور ورودی خانه‌های قدیم ایرانی می‌باشد. علاوه بر کاربردی بودن این سکوها برای اعضای آپارتمان فضایی مناسب برای صحبت و صمیمیت بین اعضای مجتمع می‌باشد و در ایجاد تنوع فضایی برای محیط مجموعه نقش شایانی دارد. (شکل ۵-۱۵)



شکل ۵-۱۵ مجتمع مسکونی باغ ونک^{۱۰}

۵-۳ دهکده مرکزی

این دهکده که در شهر مانیتوبا در کشور کانادا واقع شده است، خانواده‌های محروم را به کار می‌گیرند تا واحد همسایگی را باز زنده سازی کنند و غرور را به ساختمان‌های اجتماع القا کنند. (شکل ۵-۱۶)



شکل ۵-۱۶ دهکده مرکزی^{۱۱}

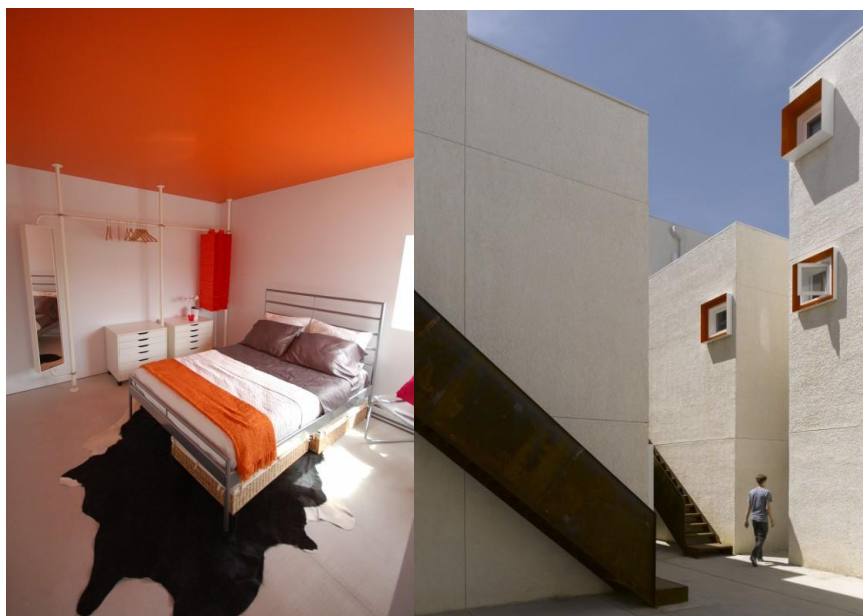
^{۱۰} همان

سایت یک زمین L شکل بود که برای ۶ خانواده واگذار شده بود، درعوض در این پروژه ۲۵ واحد در بلوک‌های سه طبقه احداث شد. یک خیابان سرتاسری و یک حیاط مرکزی مشترک برای واحدها احداث شده که یک فضای آرام و فضایی برای بازی کودکان فراهم آورده است و خیابان هم مکانی برای ملاقات غیر رسمی است. (شکل ۵-۱۷)



شکل ۵-۱۷ دهکده مرکزی^{۱۲}

ورودی هر خانه جداست و هر طبقه پله مجزا دارد بنابراین حجم فضاهای حرکتی داخل کم شده و حجم ساختمان‌ها کوچکتر می‌شود. (شکل ۵-۱۸ و ۵-۱۹)



شکل ۵-۱۸ دهکده مرکزی^{۱۳} شکل ۵-۱۹ دهکده مرکزی^{۱۴}

^{۱۱} <http://www.archdaily.com/385093/centre-village-5468796-architecture>

^{۱۲} همان

نمای ساختمان‌ها از مدول‌های ۸*۱۲ اینچ و ۱۲*۱۴ اینچ ساخته شده است. (شکل ۵-۲۰)



شکل ۵-۲۰ دهکده مرکزی^{۱۵}

ورودی و پنجره‌ها در تمامی قسمت‌های ساختمان قرار دارند و هیچ قسمتی از ساختمان‌ها از بقیه بلندتر نیست. زمان تشریح این پروژه نشان داده شد که چطور معمار می‌تواند باعث ایجاد روابط

اجتماعی مثبت شود. (شکل ۵-۲۱)



شکل ۵-۲۱ دهکده مرکزی^{۱۶}

۱۳ همان
۱۴ همان
۱۵ همان
۱۶ همان

در این طرح با افزایش طبقات باعث شدند که ۲۵ واحد یعنی به تعدادی که متقاضی داشت ساخته شود و این چهار برابر واحدهای اولیه است.

این پروژه نشان می‌دهد که در فضاهای کوچک هم می‌شود زندگی کرد برعکس آنچه که در آمریکای شمالی مرسوم است.^{۱۷} (شکل ۵-۲۲)



شکل ۵-۲۲ دهکده مرکزی^{۱۸}

^{۱۷} همان
^{۱۸} همان

فصل ششم - مطالعات

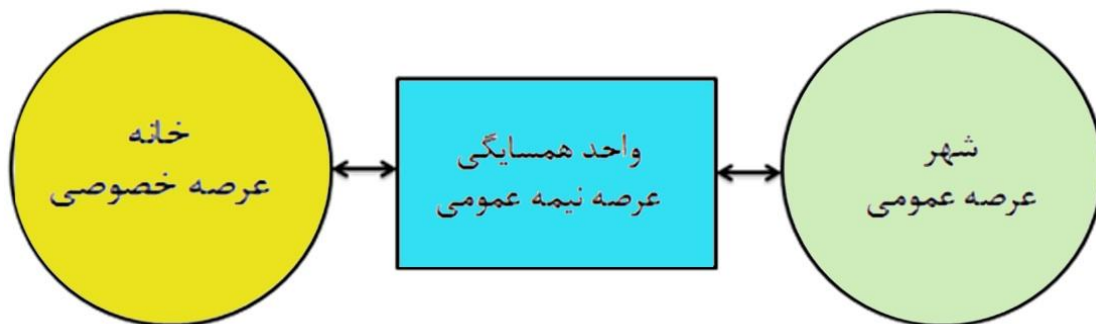
تکمیلی

۶-۱ مبانی نظری طرح

در بافت‌های متراکم مراکز شهری که در ایران به ویژه با مصالح سنتی بنا شده، رها کردن و فرار تدریجی ساکنان برای دستیابی به تسهیلات و فضاهای جدید شهری امری عادی است. اما باید در مراکز شهری فضاها احیا شوند و قابلیت زندگی داشته باشند ولی مسئولین به شرایط اقتصادی حاکم اشاره کرده و این امر را توجیه پذیر نمی‌دانند. با این وجود متولیان این امر نباید به اقشار کم درآمد و محل زندگی آنان بی‌توجه باشند و به فرسودگی بافت شهر کمک کنند آن‌ها باید با نوسازی بافت‌های قدیمی منطبق با ضروریات جامعه و به منظور بسط عدالت اجتماعی تلاش کنند و می‌توانند آن را اصلی از اصول فقرزدایی به حساب آورند و باورهای عامه را عوض کنند، این امر توجیه اقتصادی را نیز در پی خواهد داشت. پس توجه به بافت‌های قدیمی شهر و احیای آن‌ها حائز اهمیت است. توجه به این نکته اساسی که حیات شهر بیش از هر چیز وابسته به حضور انسان و فعالیت او در فضا می‌باشد اهمیت دارد. با توجه به روند فرسودگی بافت قدیم در صورت عدم تمایل افراد به اسکان در این مناطق، این محلات از جمعیت خالی شده و در گذر زمان از هرگونه سرزندگی خارج می‌شود به مکانی برای افراد بزهکار تبدیل می‌شود. لذا ایجاد فضایی برای حضور مردم به منظور افزایش تعاملات اجتماعی و در نظر گرفتن پاتوق‌هایی برای تمام سنین منجر به حیات اجتماعی محله و موجب رشد و تعالی شهر می‌شود، قابل توجه است. با توجه به اینکه یکسری ارزش‌های اجتماعی مانند حس تعلق به مکان، هویت و احساس امنیت در قدیم بوده و امروزه از بین رفته است شاید نکته مهم در طراحی الگوهای جدید، گرایش مجدد به ایجاد اجتماعات کوچک محلی از طریق طراحی باشد. اجتماعاتی که باعث حیات بخشی به جامعه می‌شوند.

واحد همسایگی اصطلاحی است که برای اولین بار کلارنس پری در غرب آن را مطرح کرد، او در نظریه خود واحد همسایگی را پیرامون دبستان تعریف کرد. در گذشته محلات ایرانی به صورت کوچه‌های پرپیچ و خم، گذرهای بن‌بست و یا کوچه‌های دردار بوده که افراد ساکن در این محل‌ها روابط اجتماعی قوی با یکدیگر داشتند حتی ساکنان برای انجام کارهای روزانه خود به این محل‌ها می‌آمدند و به

صورت جمعی فعالیت می‌کردند اما امروزه باگذر زمان و ورود ماشین‌ها به محل زندگی افراد چنین فضاهایی از بین رفته است و کمتر همسایه‌ای یافت می‌شوند که از احوال هم جويا باشند، مطرح کردن عنوان واحد همسایگی در این پروژه نه به معنای مطلق واحد همسایگی غربی بلکه به فضایی متناسب با خصوصیات زندگی جمعی در عین رعایت حریم خصوصی در جامعه امروز و بازنگری به مفهوم محلات و توجه به جامعه مدرن ماشینی امروز و رفع نیازهای آن ضمن تقویت روابط و تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد یعنی افراد در کنار زندگی خصوصی که به آن احتیاج دارند، بتوانند از فضایی استفاده کنند که برای گذران اوقات فراغت، استراحت و حتی انجام کارهای روزمره بانوان مفید باشد. این فضا باعث آشنایی و مراودات بیشتر همسایه‌ها با یکدیگر می‌شود و به صورت مفصلی نیمه عمومی بین فضای عمومی شهر و فضای خصوصی خانه می‌باشد (شکل ۶-۱)، این سلسله مراتب امروزه رعایت نمی‌شود و فضای خصوصی خانه مستقیم با فضای عمومی در ارتباط است و ضمن بروز مشکلات عدیده، باعث از بین رفتن حریم خانه شده است.



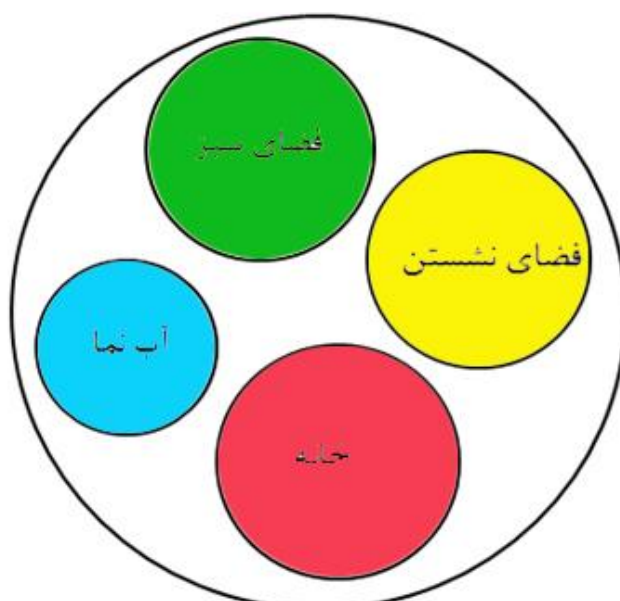
شکل ۶-۱ عرصه‌های زندگی [مأخذ: نگارنده]

واحد همسایگی از سه جنبه کمی، کالبدی و کیفی بررسی می‌شود. از نظر کمی محدوده‌ای که طراحی برای آن صورت گرفته برای ۱۶ خانوار می‌باشد که به طور میانگین هر چهار خانوار از یک واحد همسایگی مشترک بهره می‌برند که مساحت این واحدهای همسایگی بین ۱۲۰ الی ۱۶۰ متر مربع است. (شکل ۶-۲)



شکل ۶-۲ الگوی قرار گیری خانه‌ها در جوار واحد همسایگی [مأخذ: نگارنده]

به لحاظ کالبدی واحد همسایگی ترکیبی از خانه، فضای باز به صورت فضای سبز و آب‌نما و فضایی نیمه باز به منظور نشستن گروهی و فردی می‌باشد. (شکل ۶-۳)



واحد همسایگی

شکل ۶-۳ اجزای واحد همسایگی [مأخذ: نگارنده]

واحدهای همسایگی باید برای فراهم کردن آسایش و آرامش ساکنان طراحی شوند و به تمام مسائل مربوط به ترافیک و آلودگی‌ها باید توجه شود.

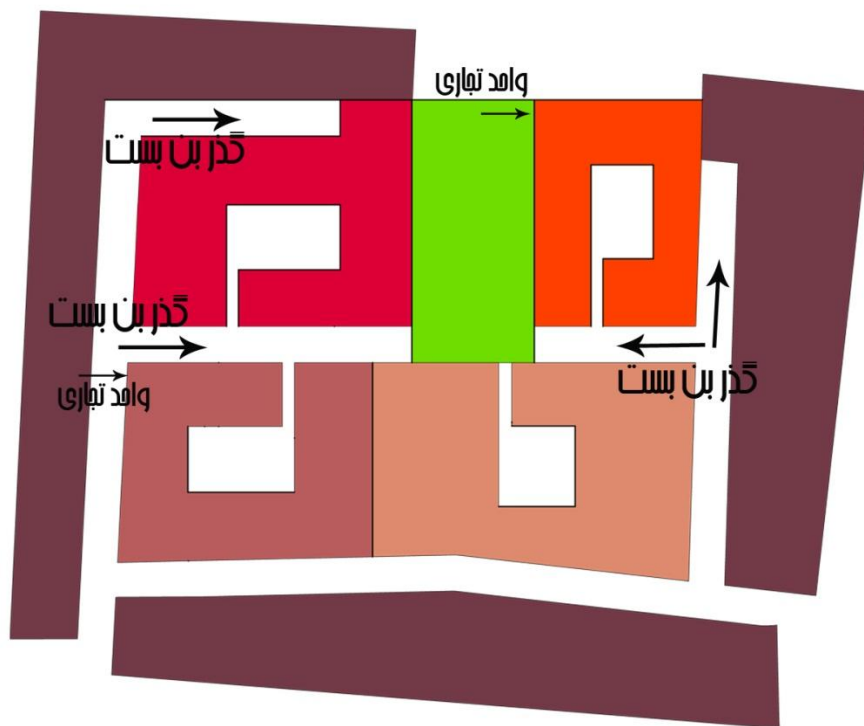
از لحاظ کیفی باید گفت که هر انسانی یکسری نیازهایی دارد که مابه ازای این نیازها مکان‌هایی وجود دارد، شاید یک مکان پاسخگوی چندین نیاز باشد به طور مثال به منظور پاسخبه نیاز ایمنیافراد ایجاد مکانی امن ضروری می‌باشد این امر با شاخص نکردن ورودی واحد همسایگی که جذابیتی برای ورود افراد غریبه نداشته باشد، صورت گرفته است. واحد همسایگی مکانی آرام و خلوت دارای ویژگی‌های زیبایی شناسانه است و ضمن رعایت حریم همجواری باعث شکوفایی استعداد کودکان در تعامل با محیط اطراف می‌شود. جداره‌ها باعث تعریف این واحد و تعیین محدوده آن می‌شوند اما ترکیب آن با آب و نور و عناصر طبیعی باعث کیفیت بخشی به فضا شده است.

توجه به رشد کودکان و برآوردن خواسته‌های سالمندان از ویژگی‌هایی است که امروزه کمتر بدان توجه می‌شود. کودک در بین همسالان خود، در محیط خانه، محله و مدرسه است که رشد اجتماعی خود را آغاز می‌کند، پس همسایه در روند تربیتی فرزند تاثیرگذار است و باید واحد همسایگی مکانی شایسته و واجد خصوصیات اخلاقی نیک باشد. این امر زمانی بهتر شکل می‌گیرد که سطح اجتماعی افراد استفاده کننده از آن یکسان باشد و به نحوی نباشد که یک خانواده در سطح پایین در کنار خانواده متوسط یا سطح بالا از نظر اجتماعی قرار گیرند. در کنار این واحدهای همسایگی خانواده‌ها اعم از پیر و جوان و کودکان می‌توانند در فضای سبزی که به طور مشترک برای تمام خانوارها در نظر گرفته شده است، استفاده کنند و به تفریح، سرگرمی و گپ و گفت پردازند همچنین واحدهای همسایگی مسافت قابل پیاده‌روی را برای افراد فراهم می‌کنند به نحوی که برای انجام کارهای روزانه و تفریح و.... احتیاجی به ماشین نیست.

ما باید با توجه به حقوق همسایگان و رفتار ساکنین واحد همسایگی فضایی جهت پایدار نگه داشتن روابط نیکو خلق کنیم این امر در سایه حرمت گذاشتن به فرهنگ‌ها و هنجارهای اجتماعی صورت می‌پذیرد.

به منظور حفظ حریم خصوصی افراد شبکه راه‌های داخلی واحد همسایگی بهتر است که به صورت کوچه‌های بن‌بست با حجم تردد کم طراحی شوند تا آرامش محله حفظ شود. راه‌های داخل محل باید ایمنی، آرامش و حجم کم ترافیک را تأمین سازند، همچنین با شاخص نکردن ورودی محل و قرار دادن مغازه‌ی تجاری در قسمت خارجی واحد همسایگی مانع از ورود افراد غریبه شده و همچنین با قرار دادن کوچه‌های بن‌بست در واحد همسایگی نوعی سلسله مراتب همسایگی و حریم‌های همجواری ایجاد شود. همچنین برای دسترسی آسان افراد یک باب مغازه تجاری نیز در جوار فضای سبز بزرگ مرکز محله پیش‌بینی شده است که اگر افراد ساکن در خانه همانند خانم‌ها یا کودکان خریدی داشتند ضمن انجام خرید از فضای سبز نیز بهره ببرند، طراحی باید به نحوی باشد که از واحدهای مسکونی به مناطق پر سر و صدا دید نداشته باشد تا هم حریم صوتی و هم حریم بصری حفظ شود. (شکل ۶-۴)

تفکیک بلوک‌ها و ساختمان‌ها از یکدیگر نیز به‌گونه‌ای است که حداکثر حریمیت به دست آید و واحدهای مسکونی کمترین اشراف را نسبت به هم داشته باشند. بلوک‌ها دارای دو جبهه هستند، که یک جبهه آن با خیابان و یا کوچه اصلی ارتباط دارد و محل قرار دادن ماشین‌ها می‌باشد و جبهه دیگر آن برای تردد افراد به صورت پیاده و ورود به فضایی برای نشستن و انجام کارهای روزانه یا به عبارتی واحد همسایگی می‌باشد. ایجاد حس مالکیت و تعلق افراد ساکن در این مکان باعث بالا رفتن ضریب ایمنی شده و در نتیجه کنترل آن آسان‌تر می‌شود.



شکل ۴-۶ سایت پلان طرح [مأخذ: نگارنده]

در طرح واحد همسایگی، مشکلات ناآشنایی مردمی که در واحد همسایگی ساکنند، به حداقل می‌رسد و مشکلاتی که در شهرهای امروزی از نظر سردی روابط همسایگی بین مردم شهرها وجود دارد، کاهش پیدا می‌کند. بدین ترتیب استفاده از خدمات شهری، انجام فعالیت روزانه مردم و بهره‌وری از زندگی روزانه را به نحوی مطلوب و آسان فراهم می‌آورد.

واحدهای همسایگی مانند یک خانواده بزرگ اجتماعی هستند که واحدهای مسکونی و خانواده را در خود جای می‌دهند. همان‌طور که یک خانواده از افراد مختلف تشکیل شده است که علاوه بر وابستگی به خانواده هر کدام استقلال و حریم خصوصی خود را دارند و کوچکترین جزء آن، فرد محسوب می‌شود، واحد همسایگی به مثابه یک خانواده بزرگتر محسوب می‌شود که کوچکترین جزء آن، خانواده یا یک واحد مستقل مسکونی است. این مسئله را نیز می‌توان به شهر نیز تعمیم داد و شهر را مانند مجموعه‌ای بزرگتر دانست که کوچکترین جزء آن واحد همسایگی و یا محلات است. بدین ترتیب شهر نیز به مانند یک خوشه در می‌آید که از دانه‌های مختلفی تشکیل شده است و هر کدام از این دانه‌ها نیز برای خود هسته‌های متفاوتی دارد.

معماری قدیم ایران دارای نکاتی است که امروزه حائز اهمیت می‌باشد در همین راستا به منظور رسیدن به طرح مطلوب، خانه قدیمی عطاردی‌ها واقع در شهرستان شاهرود بررسی شده است در طراحی این بنا جبهه رو به جنوب دارای پنجره‌های وسیع جهت استفاده از نور خورشید می‌باشد، همچنین حوضی در میان حیاط بیرونی جهت تلطیف هوای تابستان قرار دارد، از مهتابی برای خوابیدن در فصل تابستان در قسمت تابستان نشین استفاده می‌کردند و از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا همچون کاهگل و آجر در ساخت این بنا استفاده شده است. می‌توان از این نکات در طراحی استفاده کرد بطوریکه جهت استفاده از نور مطلوب، ساختمان‌ها دارای حیاطی رو به جنوب باشند و فضاهایی مانند نشیمن و پذیرایی ترجیحا از نور جنوب بهره ببرند، از ایوان به عنوان فضایی جهت خوابیدن در تابستان می‌توان استفاده کرد، آب نما در فضاهای مشترک واحدها هوای تابستان را تلطیف می‌کند و ترجیحا از آجر برای مصالح این بنا استفاده شود.

در شهرستان شاهرود بیش از ۴۰۰ هکتار اراضی فرسوده وجود دارد، که بطور مثال در این پژوهش قسمتی از محله مصلی که قدمت بیشتری نسبت به محلات دور از مرکز شهر دارد و دارای مشکلات عدیده است انتخاب شده است. در جدول ۶-۱ عوامل انتخاب این سایت بیان شده است.

جدول ۶-۱ عوامل انتخاب بافت قدیم خیابان مصلی شاهرود

شرایط بیرونی		شرایط درونی	
تهدیدها	فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
۱. کمبود فضای باز و سبز ۲. تمایل اقبال کم درآمد و مهاجر به سکونت در این محل ۳. مشکل‌های جلب مشارکت مردمی و جذب افراد با توان	۱. نزدیکی به مرکز شهر ۲. تهیه طرح تفصیلی توسط شهرداری ۳. امکان استفاده از زمین‌های تخریبی برای پارکینگ ۴. مشارکت اکثر ساکنان محله	۱. کمبود فضای سبز و فقدان فضای باز عمومی ۲. فرسودگی زیاد در بافت‌های کالبدی محله ۳. بالا بودن عمر ساختمان‌ها ۴. مقاوم نبودن ساختمان‌ها در برابر	۱. امکان بازسازی و ساماندهی فضایی ۲. امکان ایجاد فضاهای شهری با هویت ۳. قدمت سکونت در محله ۴. وجود زمینه‌های مشارکت

اقتصادی بالا		سوانح طبیعی ۵. کمبود شبکه‌های ارتباطی در سطح محله ۶. عرض کم معابر	۵. مالکیت خصوصی املاک ۶. آسانی مداخله در بافت (ساختمان‌های قدیمی و یک طبقه)
--------------	--	--	---

و به منظور طراحی در این بافت طرح تجمیع در نظر گرفته شده به نحوی که شهرداری بناهای فرسوده را از مالکین آن خریداری کرده و پس از تخریب، به ایجاد فضایی منطبق با نیازهای امروز می‌پردازد. با توجه به اینکه در طرح تفصیلی شاهرود در کنار کاربری‌های مسکونی این منطقه فضای سبز پیشنهاد شده، در این پژوهش با اندکی تغییر در جانمایی فضاها به طراحی پرداخته و سه کوچه فرعی اطراف سایت به همان شکل باقی مانده و فقط در قسمت میانی از لحاظ دسترسی تغییر ایجاد شده است. (شکل ۶-۵)



شکل ۶-۵ وضع موجود سایت انتخابی [طرح تفصیلی شاهرود]

فضاهای باز مسکونی به عنوان بسترهای تأثیر گذار بر ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی ساکنین محلات می‌تواند نقش مفید و مؤثری در حیات اجتماعی محله ایفا کنند، حیات اجتماعی در محیطی برقرار است که در دامنه وسیعی از روز، انواع افراد به اختیار خود و نه از روی اجبار بیایند و لحظاتی را در آنجا سپری کنند (جدول ۶-۲)، و برای این امر باید عناصر جذب‌کننده در آنجا وجود داشته باشد، از جمله این عناصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محل نقاشی دیواری، زمین بازی کودکان، زمین ورزش جوانان، مکانی برای شطرنج در سنین بزرگسال، محل گپ و گفت افراد و...

همچنین ارتقا کیفیت زیبایی‌شناسانه فضا به عنوان یکی از عوامل جذب‌کننده مانند اصلاح کف و جداره‌ها، آب نما، کاشت گیاهان به منظور تلطیف هوا، مکان‌های نشستن، نورپردازی در شب پیشنهاد می‌شود. ایجاد قرارگاه‌های رفتاری مانند ایجاد مکان‌هایی برای نشستن و صحبت کردن و مکث در مراکز محلات و جلوی درب خانه‌ها یا مراکز خرید و.. تعاملات اجتماعی ساکنین را افزایش می‌دهد.

جدول ۶-۲ رهنمودهای طراحی به منظور افزایش حیات اجتماعی

تجهیز بخشی از فضای عمومی برای بازی کودکان، که موجب سرزندگی فضا می‌شود	همه شمول بودن
استفاده از عوامل طبیعی مثل آب، شن و چوب در فضاهای بازی کودکان، به جای سطوح سخت و مصنوع	
توجه به حضور جوانان در اجتماع	
فراهم کردن امکانات برای افراد مسن و زمینه سازی برای حضور آنان	
ایجاد فضای سبز در فضای نیمه خصوصی مشترک خانوارها	امکان ایجاد حس تعلق به فضا و ایجاد تجربه های به یادماندنی
ایجاد آرامش، خودمانی و دنج بودن در عین سرزندگی عرصه عمومی	
وجود همبستگی میان ساکنان با توجه به یکسان بودن سطح اجتماعی آنها	
مرکزیت فضای باز عمومی به منظور سهولت دسترسی برای همه	
نورپردازی مناسب فضاها	عوامل محیطی
حفظ و تقویت عوامل خاطره انگیز مانند پاتوق‌ها و فضاهای فعالیت جمعی	
تأمین آسایش افراد از طریق حفاظت در برابر شرایط نامناسب مانند تابش آفتاب و جریان باد....	
استفاده از فضای سبز برای کنترل باد، زیبایی آفرینی، ایجاد سایه، تلطیف هوا	
ایجاد فضای نیمه باز برای نشستن در فضاهای نیمه خصوصی	نظارت ساکنان بر عرصه عمومی
حداکثر استفاده از نورشمال وجنوب	
اجتناب از ایجاد فضاهای تک عملکردی و در انحصار افراد خاص	
تشویق افراد به طی کردن مسیر پیاده و حضور در اجتماع	

عدم ممانعت پوشش گیاهی از دیده شدن عرصه عمومی	
پرهیز از جداره‌های صلب و بسته در مجاورت عرصه عمومی	
استقرار مناسب محل ورودی دانه‌ها در واحد همسایگی	
تأمین روشنایی لازم	برقراری امنیت
ایمنی متقابل سواره و پیاده با کاستن از سرعت خودرو و حاکمیت پیاده در عرصه عمومی	
امکان نفوذ خودروی شخصی تا درون خانه‌ها	
محدود بودن واحد همسایگی	
حذف گوشه‌های پنهان و کم تردد	
کنترل رفتارهای سواره درون واحد	برقراری آرامش
جلوگیری از میان‌بر شدن معابر برای تردد درون شهری	
ایجاد فضای مکث بین فضای عمومی و خصوصی	
مخفی ماندن جاذبه‌های درون واحدها برای افراد غیر ساکن	
امکان بازی و تردد آزادانه کودکان خارج از خانه	خودمانی بودن
امکان حضور تمام افراد خانواده در فضای بیرون	
وجود محل‌هایی به منظور توقف جمعی و فردی	

۶-۲ استانداردها

واحد مسکونی: عبارتست از تمام یا قسمتی از سطح زیربنا که بطور مستقل حداقل امکانات جهت اسکان یک خانوار را دارا باشد که علاوه بر فضای عمومی، آشپزخانه، توالی و حمام الزامی می‌باشد. [رضویان، ۱۳۸۱: ۹۶]

سرانه‌ی مسکونی در شهرهای مختلف ایران متغیر می‌باشد اما ۳ پیشنهاد به شرح زیر بیان شده است:

حداقل سرانه‌ی مسکونی در تراکم‌های کم، ۵۰ مترمربع

حداقل سرانه‌ی مسکونی در تراکم‌های متوسط، ۴۰ مترمربع

حداقل سرانه‌ی مسکونی در تراکم‌های زیاد، ۳۰ مترمربع. [رضویان، ۱۳۸۱: ۱۰۴]

حیات اجتماعی شهر وابسته به تجارت است و واحد تجاری در سطح محله شامل واحدی برای خرید مایحتاج روزانه می‌شود.

سرانه برای واحد تجاری خرده فروشی ۰.۶ مترمربع می‌باشد. [رضویان، ۱۳۸۱: ۱۲۱] برای محدوده مورد طراحی که برای ۸۰ نفر حدوداً می‌باشد (۱۶ واحد ۶-۴ نفره)، ۴۸ مترمربع واحد تجاری الزامیست که به صورت دو واحد مجزا در نظر گرفته شده است، یکی در جوار فضای سبز مرکزی و دیگری در مرز محله برای استفاده ساکنین و دیگر افراد پیش‌بینی شده است.

توزیع سطوح فضای سبز در شهرها باید به نحوی باشد که تمام مجموعه شهر را در برگیرد به طوریکه افراد با طی نمودن فاصله منطقی (حداکثر ۴۰۰ متر) به فضای سبز دسترسی داشته باشند، بطور کلی مینیمم سطح سبز لازم برای هر ساکن شهر ۶ متر مربع می‌باشد. [موسویان، ۱۳۹۰: ۴۰۴] مفهوم سرانه فضای سبز می‌تواند برای آن نوع فضای سبز به کار رود که برای اوقات فراغت، بازی و تفریح مهیا شده است و حتی المقدور فضای سبز در مرکز محله بنا شود.

حداقل عرض راه پله در ساختمان مسکونی ۱/۱ متر و حداکثر ارتفاع پله ۲۰ سانتی متر و حداقل عرض پاگرد نباید از حداقل عرض راه پله کمتر باشد.

حداکثر طبقات در این محدوده، دو تا سه طبقه روی پیلوت یا زیرزمین با حداکثر ارتفاع ۹/۵ تا ۱۲/۵ متر خواهد بود.

سطح مورد نیاز پارکینگ به ازاء هر دستگاه اتومبیل ۲۵ مترمربع می‌باشد.

احداث دست انداز در کناره بامهای مسطح به ارتفاع حداقل ۵۰ سانتیمتر الزامی است.

کلیه معابر با طول کمتر از ۱۵۰ متر باید به صورت بن بست طراحی شوند.

ارتفاع چراغ های روشنایی از ۶ متر بیشتر نباشد.

۳-۶ تحلیل سایت

سایت انتخابی در این پژوهش قسمتی از بافت خیابان مصلی شهرستان شاهرود، در استان سمنان می- باشد. (شکل ۶-۶) این محله در مرکز شهر و نزدیک بازار واقع شده است و مساحت تقریبی آن حدود ۷۷۰۰ متر مربع می باشد. (شکل ۶-۷)



شکل ۶-۶ موقعیت سایت در شهرستان شاهرود^{۱۹}



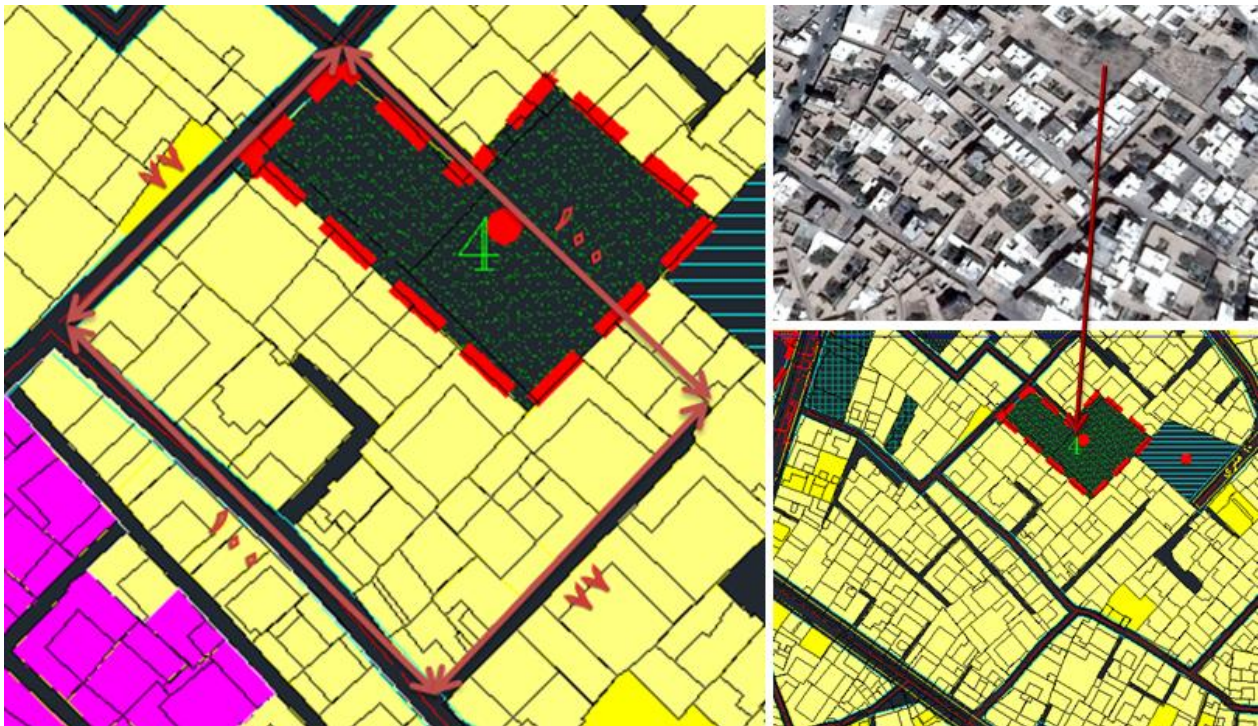
شکل ۶-۷ جانمایی موقعیت سایت نسبت به شهرستان شاهرود [طرح تفصیلی شاهرود]

^{۱۹} برگرفته از Google Earth

این محله بافتی قدیمی دارد به طوریکه در سال ۱۳۳۵ این محله وجود داشته است. (شکل ۶-۸)



شکل ۶-۸ عکس هوایی شاهرود در سال ۱۳۳۵



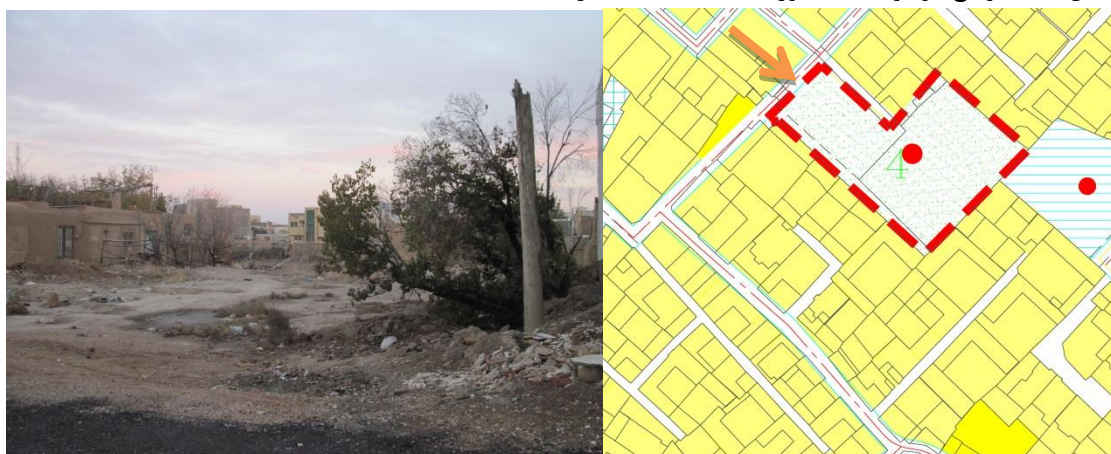
شکل ۶-۹ ابعاد و اندازه های سایت واحد همسایگی در بافت مورد بررسی [طرح تفصیلی شاهرود]

۶-۳-۱ وضع موجود

در حال حاضر این قسمت از بافت، فرسوده شده است که در طرح تفصیلی علاوه بر کاربری مسکونی، فضای سبز برای این قسمت پیش‌بینی شده است. (شکل ۶-۱۰ تا ۶-۱۵)



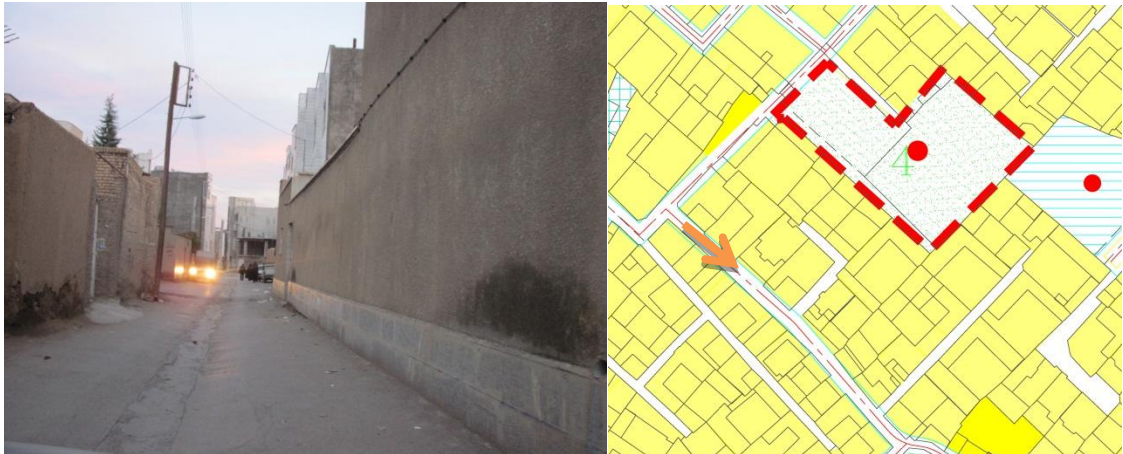
شکل ۶-۱۰ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]



شکل ۶-۱۱ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]



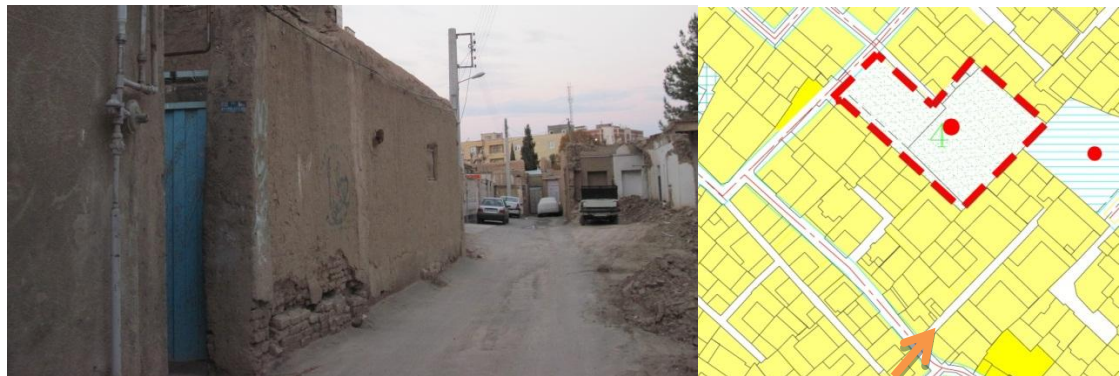
شکل ۶-۱۲ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]



شکل ۶-۱۳ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]



شکل ۶-۱۴ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]



شکل ۶-۱۵ وضع موجود سایت مورد مطالعه [مأخذ: نگارنده]

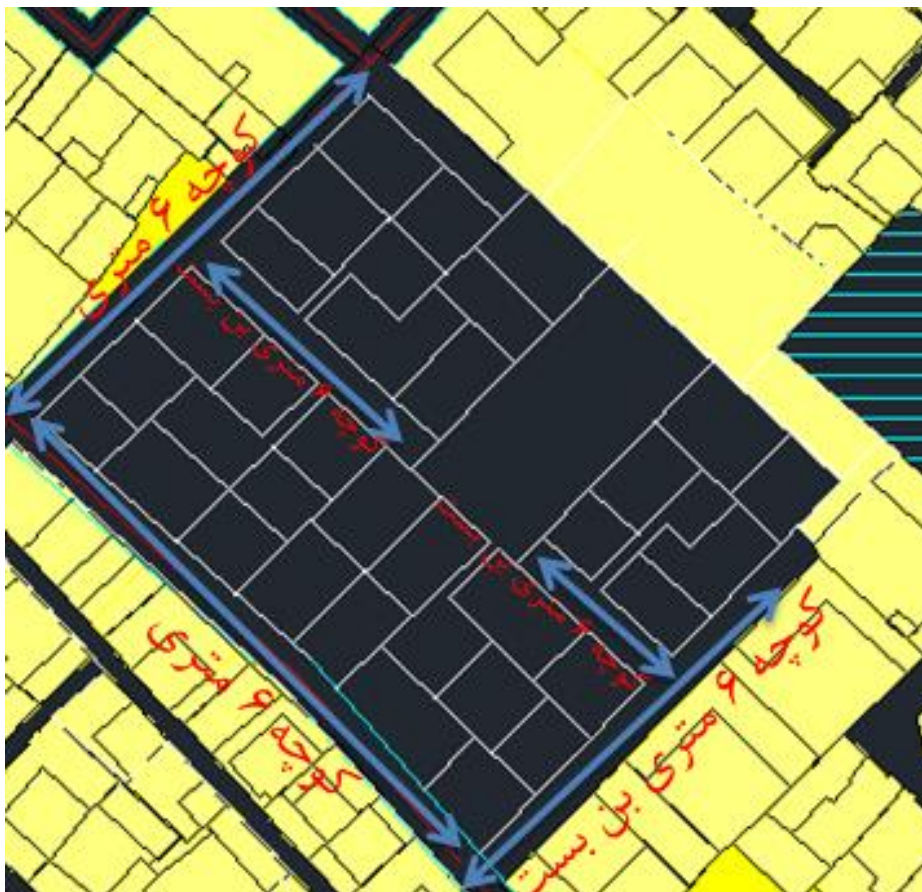
۶-۳-۲ مشکلات فرسودگی کالبدی و کارکردی بافت قدیم شهر شاهرود

- کم بودن عرض معابر و عدم امکان نفوذپذیری به داخل بافت
- بضاعت کم مالی ساکنان و مشارکت ضعیف آنان در مرمت واحدهای مسکونی
- عدم وجود تاسیسات و تجهیزات شهری مناسب

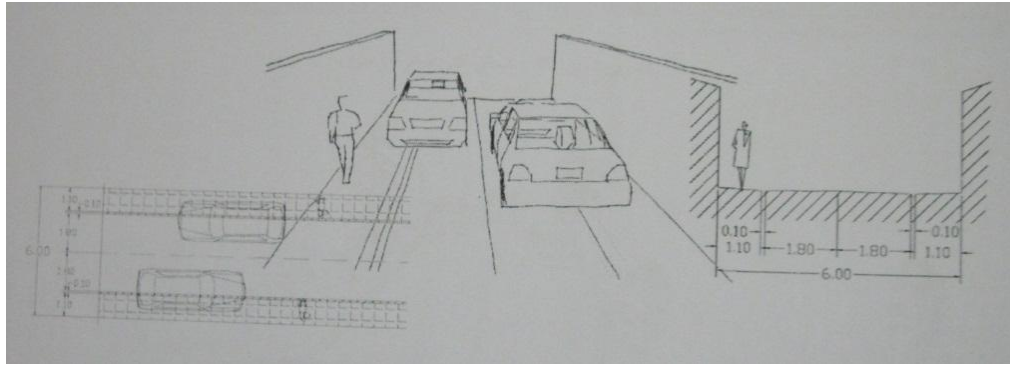
- وجود بدنه‌های فرسوده و کیفیت ضعیف ابنیه که روز به روز به این فرسودگی افزوده می‌شود
- کمبود برخی از کاربری‌های خدمات شهری و فقدان فضای سبز کافی
- تغییر الگوی مصرف و تمایل عمومی به رفاه و استفاده از تسهیلات رفاهی جدید از قبیل اتومبیل شخصی و گرایش به سمت بافت‌های جدید

۳-۳-۶ نحوه دسترسی‌ها

- در محدوده طراحی کوچه‌های ۶ متری برای عبور و مرور ماشین‌ها و دسترسی به پارکینگ هر واحد مسکونی در نظر گرفته شده است و برای جلوگیری از مسیر تردد شدن سایت، قسمتی از کوچه به وسیله فضای سبز بن بست شده است. (شکل ۶-۱۶ و ۶-۱۷)

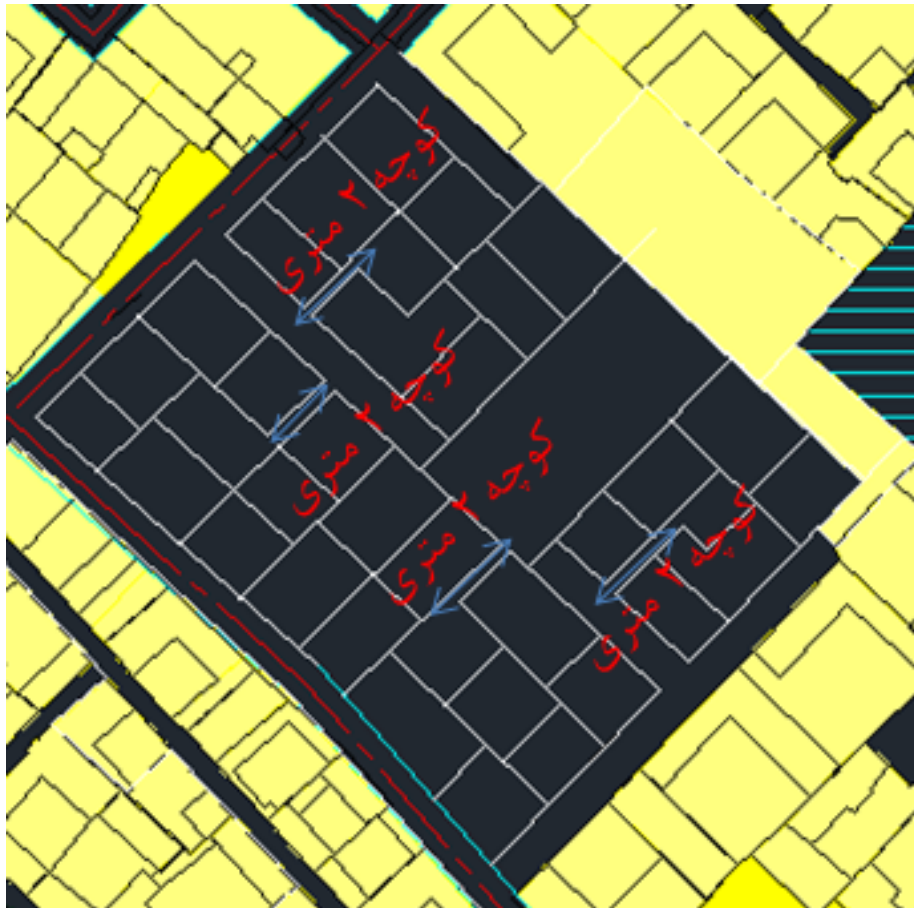


شکل ۶-۱۶ دسترسی سواره [مأخذ: نگارنده]



شکل ۶-۱۷ شمای کلی معبر ۶ متری

برای امنیت بیشتر و خصوصی تر شدن واحدهای همسایگی از ورود ماشین به داخل آن پرهیز کرده و عرض معابر آن برای دسترسی افراد پیاده در نظر گرفته شده است. (شکل ۶-۱۸)



شکل ۶-۱۸ دسترسی پیاده [مأخذ: نگارنده]

۶-۳-۴ بررسی اقلیم در سایت مورد بررسی

همانطور که در شکل ۶-۱۹ مشاهده می شود باد غالب در شهرستان شاهرود از سمت شمال شرقی و باد نامطلوب از سمت جنوب غربی می باشد. بهترین نورگیری برای فضاهای مجموعه از سمت جنوب

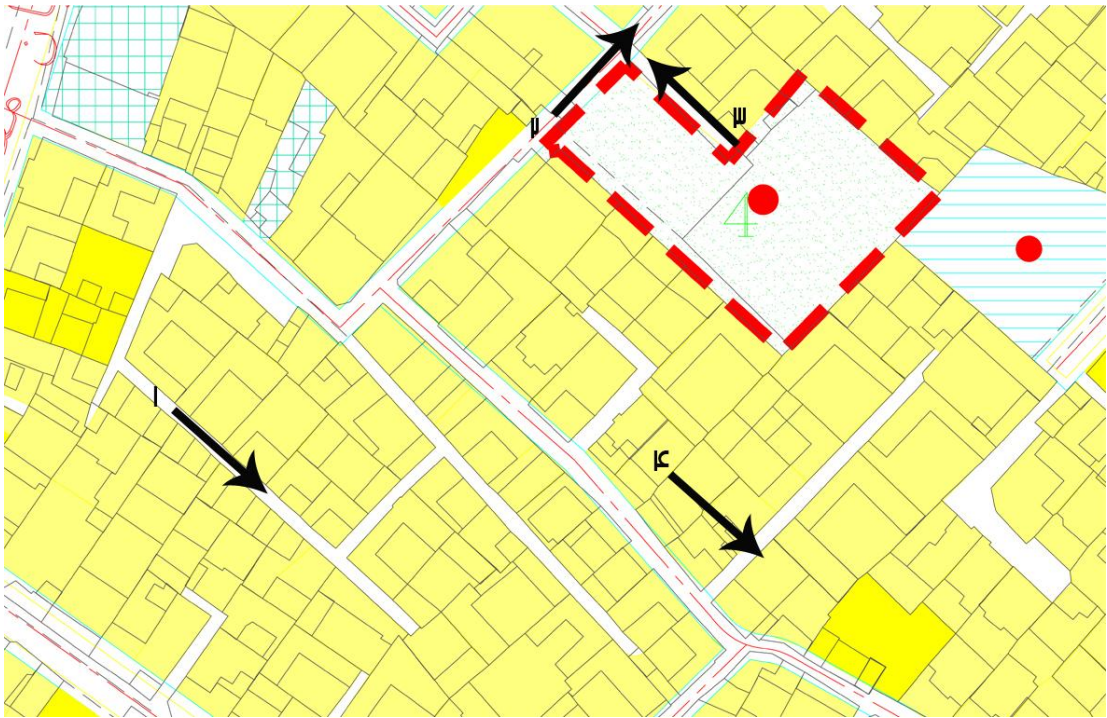
سایت بوده و سعی بر این است تا فضاها بیشترین بهره را از نور مطلوب و مستقیم ببرند. بیشترین آلودگی صوتی نسبی از سمت شرق سایت که دبستان واقع شده، می باشد که با سایت مورد بررسی فاصله دارد.



شکل ۶-۱۹ بررسی اقلیم در سایت مورد بررسی [مأخذ: نگارنده]

۵-۳-۶ همجواریهای سایت

سایت انتخابی در میان بافت مسکونی انتخاب شده است (شکل ۶-۲۰)



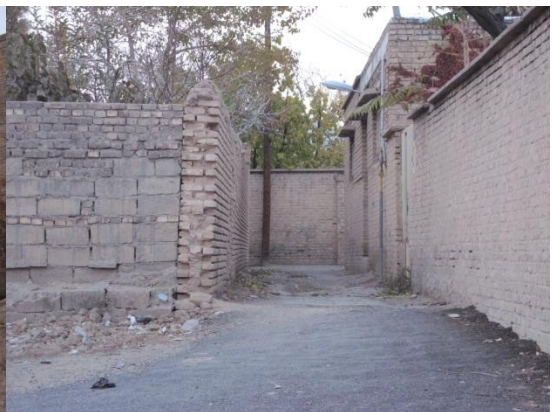
تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۳

شکل ۶-۲۰ فضاهای همجوار سایت و جانمایی آن‌ها در پلان [مأخذ: نگارنده]

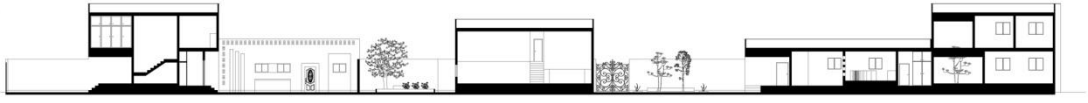












Section A-A



پلان طبقه همکف



پلان طبقه اول



نمای جنوب شرقی



نمای شمال شرقی

منابع فارسی

۱. اکبری پور، هادی. ۱۳۸۱. قصه خانه حدیث دیروز و امروز. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری یزد.
۲. التمن، ایروین. ۱۳۸۲. محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. الکساندر، کریستفروچرمایف، سرج. ۱۳۷۱. عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۴. باقری بهشتی، شیدا. ۱۳۸۵. عرصه های عمومی، عرصه های فراموش شده در شهرهای جدید در « کتاب مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید ». جلد دوم. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
۵. بورژل، گی. ۱۳۷۷. شهر امروز. ترجمه سید محمد سید میرزائی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۶۹. واحد همسایگی در «مجله صفا». شماره ۱. تهران: دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی.
۷. پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: شهیدی.
۸. پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۸. سیراندیشه ها در شهرسازی (جلد سوم). تهران: انتشارات شهیدی.
۹. توسلی، محمود. ۱۳۷۰. طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۰. تیبالدز، فرانسیس. ۱۳۸۳. شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه های همگانی در شهرها و محیط های شهری. ترجمه محمد احمدی نژاد. تهران: خاک.
۱۱. ثقه الاسلامی، عمیدالاسلام و امین زاده، بهناز. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی در «مجله هویت شهر». شماره ۱۳.

۱۲. جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعل قبه مکان و عوامل تشکیل دهنده آن در «مجله هویت شهر». شماره ۸.
۱۳. چپمن، دیوید. ۱۳۸۴. آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت. ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۸۴. زشار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. ربانی، رسول. ۱۳۸۵. جامعه شناسی شهری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۶. رضویان، محمدتقی. ۱۳۸۱. برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری. تهران: منشی.
۱۷. سعیدنیا، احمد. ۱۳۷۸. کتاب سبز، راهنمای شهرداریها، جلد چهارم: نظام مراکز شهری/ فضاهای مسکونی. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
۱۸. شاطریان، رضا. ۱۳۸۸. اقلیم و معماری. تهران: سیمای دانش.
۱۹. شریعت‌زاده، سید علی اصغر. ۱۳۷۱. فرهنگ مردم شاهرود. شاهرود: مؤلف.
۲۰. شولتز، کریستیان نوربری. ۱۳۹۲. مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیری احمدی. تهران: آگه.
۲۱. شیعه، اسماعیل. ۱۳۷۱. مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۲۲. فاتح، محمد و داریوش، بابک. ۱۳۹۰. مبانی نظری معماری. تهران: علم و دانش.
۲۳. قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۸۳. اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی). تهران: روزنه.
۲۴. کریمی، یوسف. ۱۳۷۹. روانشناسی شخصیت. تهران: فروزش.
۲۵. کسمائی، مرتضی. ۱۳۸۲. اقلیم و معماری. تهران: خاک.
۲۶. لنگ، جان. ۱۳۸۳. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

۲۷. لینچ، کوین. ۱۳۷۲. *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. محمودی نژاد، هادی و صادقی، علیرضا. ۱۳۸۸. *طراحی شهری: از روانشناسی محیطی تا رفاه اجتماعی*. تهران: هله.
۲۹. مخبر، عباس و همایونفر، محمدحسین. ۱۳۶۳. *ابعاد اجتماعی مسکن؛ هدفها، معیارها، شاخص های اجتماعی و مشارکت مردمی*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
۳۰. مدنی پور، علی. ۱۳۷۹. *طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازشو برنامه ریزی شهری.
۳۱. مزینی، منوچهر. ۱۳۸۵. *مقالاتی در باب شهرو شهرسازی*. تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. ملکی، سعید و هوشیار، حسن. ۱۳۸۷. *نگرشی بر بهسازی و نوسازی شهری و تجارب آن در ایران و جهان در «اولین همایش بافتهای فرسوده شهری، چشم انداز توسعه پایدار، ارزشها و چالشها»*.
۳۳. موسویان، سید محمدرضا. ۱۳۹۰. *اصول و مبانی در طراحی معماری و شهرسازی*. تهران: آذرخش.
۳۴. میرزا محمدی، دارا. ۱۳۷۷. *رهنمودی جهت ارتقاء مطلوبیت واحد همسایگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری یزد.
۳۵. نقدی، اسدالله. ۱۳۸۱. *درآمدی بر جامعه شناسی شهر: انسان و شهر*. همدان: فن آوران.
۳۶. هال، ادواردتی. ۱۳۸۴. *بعد پنهان*. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- 1- Roberts,P.Sykes,H. 2000. *Urban Regeneration: Handbook*. London:Sage Publications.
- 2- Ratcliffe. J. 1981. *(An Introduction to) Town and Country Planning*. Hutchinson-Britain.
- 3- Alexander.C. 1972. *A Pattern Language*. New York: New York oxford University.

سایت‌های اینترنتی

- ۱- www.memarinews.com دسترسی در ۱۳۹۳/۰۲/۲۵.
- ۲- www.naghsh-negar.ir دسترسی در ۱۳۹۳/۰۲/۲۵.
- ۳- [www. Archdaily.com](http://www.Archdaily.com) دسترسی در ۱۳۹۳/۰۳/۲۳.
- ۴- www.anobanini.ir دسترسی در ۱۳۹۳/۰۳/۲۳.

Abstract

Human beings are a social creature who need to communicate with different people and participate in society. Neighborhoods and public spaces of the city are a reflection of this social dimension. Nowadays social and communal dimensions of human life are neglected and cities lack proper social spaces in order to address this need. Therefore there is an urgent need to design spaces which can reinforce social relationships and communication is important. In that respect, it is helpful to study traditional public spaces. In the past, residential quarters were a place to connect people together, but over time, these structures of public life were faded. To reintroduce neighborhood structures once again, as an element to enhance communication is an important approach to restore social lives of the cities. Residential quarter is a set of houses and its surroundings that holds a collective identity and community, which as a space connects more people and is a semi-private area, functioning as a joint between public and the private sector of the cities. This research tries to study the old town of Shahrood and design a neighborhood in the traditional fabric of the city. With rehabilitation of social values, and implementation of integration at a site adjacent to the city's old town, while ensuring privacy, attention to social life. It aims to create a safe and dynamically place where inhabitants with all ages do properly their everyday tasks and communicate that result in social solidarity and collective dynamism.

Key words: Social life, Residential quarter, Neighbourhood, Public sphere.



Shahrood University of Technology

Faculty Architecture and Urban Planning

Title: To design the unit of vicinity, considering the sanctum and
the social life for the old tissue of Shahrood

Seyedeh Monireh Karimi

Supervisor

Dr.Masoud Taheri Shahr Aeini

Date: February 2015